فیلم و هنر

... ۲۳ ... همراه با کاتالوگ رنگی — ۱۵ ریال



آغاز دومین هفته موفقیت‌آمیز در سینماهای :

کاپری - نیاگارا - اروپا - میامی - الوند - کیهان - ری - اسکار - مارلیک - آسمان آبی - فردوسی - اورانوس و سیلوانا وسیلورسیتی (قلهک) و بلوار

اینست بلوچ - مردی پاک ، عاصی‌باجوششی ازصمیمیت همانند کوه تفتان ، ازسرزمین تفتان ، بلوچستان



بهروز وثوقی

در

بلوچ

ساخته مسعود کیمیائی

محصول استودیو میثاقیه

راهی تازه برای فیلم و هنر

از هفته آینده فیلم وهنر با تغییراتی از نظر فرم چاپ و مطالب منتشر میگردد این تغییرات بدنبال برگزاری رفراندومی بود که چندی‌قبل درمجله‌عنوان کردیم وخوشبختانه تعداد بیشماری از خوانندگان وفادار و علاقمندان در این مورد برای فیلم‌وهنر نامه نوشتند ونویسندگان مجله را در جریان افکار خود قرار دادند. صفحاتی که علاقه داشتند باقی بماند تائید کردند و از صفحات زائد انتقاد کردند.

تردید نیست که اگر ما نمیتوانیم مجله را آنطور که مورد نظرمان است منتشر سازیم بعلت عدم امکانات مالی بسیار است که با آن دست بگریبانیم. افزایش سریع هزینه چاپ و گرانی کاغذ و حتی موجود نبودن کاغذی که ما روی‌جلد را چاپ می‌کنیم سبب شده که واقعا از بسیاری جهات کارمان نقصان پیدا کند، معهذا تلاش می‌کنیم که پیوسته ارائه‌دهنده کاری تازه باشیم و در حد خودمان با تغییراتی در فرم ونحوه تنظیم مطالب بکوشیم خودمان را بخواست خوانندگان نزدیك سازیم.

از هفته آینده چاپخانه مجله تغییر خواهد کرد، کاغذ متن مجله تغییر خواهد کرد و تابلوهای رنگی مجله نیز بصورت جدیدی بفرم يك صفحه‌ای درخواهد آمد و صفحات رنگی بیشتری در داخل مجله خواهیم گنجاند. بسیاری از نامه‌هائی که دریافت کردیم حاکی از آن بود که با افزایش صفحات بقیمت مجله بیافزائیم و عده‌ای نیز خواستار تغییر قطع مجله بودند که اینك مشغول مطالعه این دو مسئله هستیم که در آینده خوانندگان خود را در جریان کار قرار خواهیم داد.

شکی نیست که فیلم وهنر که اینك بصورت تنها نشریه سینمائی کشور درآمده است برای خود برنامه‌های متعددی تدارك دیده است و ما میخواهیم که شماره آینده مجله را حتما تهیه کنید و آنرا بررسی کرده و برای ما نظریات خود را بفرستید تا ما در رفع آنها تاحد امکان بکوشیم. اینك بی‌مناسبت نیست که قسمتی از نظریات خوانندگان را که برای ما ارسال شده در زیر درج کنیم.

خوانندگان نظر میدهند

● قطع مجله را بزرگتر کنید. حیف است که مجله اینقدر کوچك باشد. رویدادها راهرچه میتوانید زیادکنید رویدادها — گزارش فیلم — نظرها — موزیك — پشت‌پرده — مسابقات — پاسخ سردبیر — پشت صحنه خوب‌است. کاغذ راتغییر دهید وقیمت رابالا برید وسعی کنید اینقدر عکس تکراری چاپ نکنید.

کریم آل‌هفت‌تن — اهواز

● بجای آگهی درپشت جلد، عکس هنرپیشه چاپ کنید. هر ماه‌یك شماره مخصوص منتشر کنید. اگر فیلم‌وهنر بقطع بزرك چاپ شود عالی‌است. روی‌جلد راصحنه فیلم نگذارید. کاغذ راتغییردهید. با افزایش قیمت موافقم.

احسان صلح‌جو — تهران

● بنظر من کاغذ مجله خوب‌است، رویدادها را زیادکنید. فیلم‌وهنر بداستان احتیاج ندارد بعوض مطالب فنی از چهره‌های‌روز خارجی بنویسید — صفحه کارگاه شادمانی را حذف کنید. ازچهره‌های تازه بیشتر مطلب بنویسید.

عوضعلی روغنیان — جهرم

● بجای آگهی درپشت جلد، عکس‌چاپ‌کنید — داستان‌وپاورقی لطف خاصی بمجله می‌بخشد. رویدادها را دوصفحه‌کنید و مطالب‌فنی يك‌صفحه زیادتر نباشد. گزارش فیلم و یادداشتها خوب‌است. تریبون آزاد نظرها رامی‌پسندم. اما باصفحه کارگاه شادمانی موافق نیستم. تامیتوانید پاسخ سردبیر — پشت‌صحنه را اضافه کنید.

حسین کوکالی — یزد

● باداستان اصلا مخالفم — کارگاه شادمانی را بیك کاریکاتور تخفیف دهید — رویدادها کافی‌است. مطلب پشت صحنه را بهتر و سینمائی‌تر بنویسید، مطالب‌خارجی‌کافی است، مطالب تکنیکی قابل استفاده‌تر باشد.

کیومرث پوراحمد

● صفحه نظرها بهترین قسمت مجله است، صفحه‌رویدادهارازیادتر کنید — بجای‌آگهی‌پشتی، پلاکات‌فیلم‌ها را چاپ کنید، اینقدر از هنرپیشگان معروف مطلب چـاپ‌نکنید، بچهره‌های تازه بیشتر توجه کنید — تنها صفحه‌ای که از آن‌سردرنمی‌آورم کارگاه شادمـانی است.

جهان سینمارا اضافه کنید. پشت‌پرده از صفحات خوب مجله است.

غلامرضا محبی (تهران)

● پاسخ‌سردبیر — کارگاه شادمانی— فیلم‌ایرانی دربوته نقد و بررسی— موزیك‌ونظرهاورویدادهارامی‌پسندم. برای‌فیلمهاشماره‌مخصوص منتشر کنید. از عکسهای خارجی کمتر استفاده کنید — از عکسهای يك صفحه‌ای غافل نباشید، هـر هفته يك آهنك روز چاپ کنید، جایزه‌ای برای صفحه نظرها تعیین کنید و هرسه ماه يك‌بار بدهید، چند صفحه اضافه کنید و مجله راه ریال زیادتر بفروشید.

محمدحسن حمزه‌لوئی (آبادان)

صفحه رویدادها خوب است‌بیشتر کنید، تابلوی وسط بیهوده است بدرد نمی‌خورد، نقد ومنتقدو فیلمسازی آماتوری بسیار جالب است، کارگاه شادمانی را بردارید— نظرها را بیشتر کنید، باافزایش قیمت مخالفم.

خدایار حیدری (خرم‌آباد لرستان)

● اصلا از چاپ آگهی سینمائی درفیلم وهنر خودداری کنید بجای آن عکس چاپ کنید.

رحمان قنواتی

از چاپ پاورقی در فیلم وهنر جلوگیری کنید مگر درمورد سینما باشد. رویدادهای خارجی را اضافه کنید پشت پرده از صفحات زائد است، کارگاه شادمانی زیاد است، نویسنده دریادداشتها میتواند حرفهایش را بزند — مصاحبه باکارگردانان خارجی خوب است. پاسخگو را يك صفحه کنید —نظرها از صفحات خوب است حذف نکنید حتی اگر چندین صفحه باشد

سعید فرهمند (مشهد)

● مطالب خارجی راکم‌کنید، رویدادها فوق‌العاده‌است— مصاحبه با هنرمندان خوب است. درباره‌سناریو نویسی مطلب داشته باشید، بجای پاورقی داستان فیلم‌هـا راچاپ کنید، از چاپ تابلوی وسط هردو خارجی جلوگیری کنید. باافزایش قیمت موافقم.

رحمت‌الله قربانی (تهران)

رویدادها

دوزخیها

● رضا میرلوحی این هفته قرارداد تازه‌ای را باآس فیلم منعقد نمود تا بموجب آن کارگردانی فیلم تازه‌ای را بنام «دوزخیها» برای آس فیلم از اول دی‌ماه آغاز نماید. دراین فیلم ۷ هنرپیشه مرد ویك هنرپیشه زن بازی دارند و فیلمبرداری آن در نواحی پلور و آب‌اسك در میان برف از هفته تازه شروع خواهد شد.

دراین فیلم که سناریو آنرا میرلوحی نوشته و توسط ایرج صادقپور فیلمبرداری خواهد شد ذکریا هاشمی — مرتضی عقیلی — بهرام وطن‌پرست — فخیم‌زاده — آقاخانی وایرن بازی خواهند داشت.

پنج‌تن

● داریوش مهرجوئی که فیلم «پستچی» او از نظر تجاری نیز موفقیت زیادی در برداشت و علاوه برامتیازات هنری توانست‌در میان تماشاگران عادی نیز نفوذ نماید ، اینروز ها سخت مشغول آماده نمودن سناریوی تازه خود میباشد که قرار است بزودی در استودیو میثاقیه جلوی دوربین قرار گیرد . فیلم جدید مهرجوئی «پنج‌تن» نامدارد که علاوه بر علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی بازیگران دائمی فیلم های او مذاکراتی با «بهروز وثوقی» نیز بعمل‌آمده است تا او نیز ایفاگر یکی از نقشهای مهم این فیلم باشد.

جبار

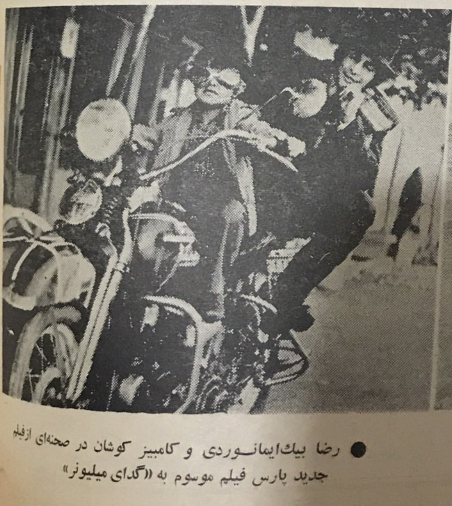
● چون هوای قزوین بسا سازندگان فیلم «جبار» محصول پارس فیلم یاری‌نکرد لذاسازندگان این فیلم سکانسهائی از آنرا در اطراف تهران فیلمبرداری مینمایند که اینك سرگرم تهیه این سکانسها میباشند در سرجوخه فراری ، جبار که سازنده‌ای آن امان منطقی است فردین ، دلارام ، ملوسك ، محسن مهدوی ، حسن رضائی ، حامدی ، رخشانی و جمشید مهرداد شرکت دارند . برای این فیلم که برنامه نوروز گروه اونیورسال است و توسط ایرج صادقپور فیلمبرداری میشود انوشیروان روحانی موزیك متن ساخته است .

عیال‌وار آماده شد

● این هفته کلیه مراحل فنی «عیال‌وار»در استودیوفیلمکار بپایان رسیدواین‌فیلم کمدی‌انتقادی آماده نمایش شد . در عیال‌وار که سناریست آن بهرام ریپور وپرویز نوری هستند نصرت کریمی، پوری بنائی ، توران مهرزاد ، سرور رجائی ، شهرزاد ، مفیدی ، نگار ، دیانا و تجدد شرکت دارند برای عیال‌وار که کارگردان آن پرویز نوری وفیلمبردارش همایون‌ارجمند بوده است مجتبی میرزاده موزیك متن ساخته است این فیلم بزودی به روی اکران خواهد آمد .

دوطاهر جلوی دوربین

● هم‌اکنون علاوه برفیلم «طاهر» که بکارگردانی‌جوادطاهری توسط علی صادقی در شیراز با شرکت کامی کسروی ، آتش‌خیر، رمضانی‌فر و شیراندامی ها جلوی دوربین است فیلم «طاهر» دیگری هم بکارگردانی قدرت‌الله بزرگی توسط رضا انجم‌روز جلوی دوربین است که در آن لیدا دانشور ، فرنگیس فروهر ، مهدوی ، سالکی، سید هادی ، دو چهره جدید فرش‌چی و اکبر فتحعلی شرکت دارند و برای ایفای نقش طاهر



● رضا بیك‌ایمانوردی و کامبیز کوشان در صحنه‌ای ازفیلم جدید پارس فیلم موسوم به «گدای میلیونر»



● نصرت کریمی ، پوری بنائی ، توران مهرزاد ، شهرزاد و نگار در صحنه‌ای از فیلم چهارم «نوری» بنام «عیالوار»

در این فیلم مذاکراتی با بیک ـ ایمانوردی بعمل آمده است که هنوز به نتیجه نرسیده : فیلم طاهر اول را حسنعلی شریفی و طاهردوم را کاظم سالکی تهیه مینمایندآنچه مسلم است نام یکی از این دو فیلم تغییر خواهد کرد .



● «محمد علی فردین» در صحنه‌ای از فیلم «سرجوخه جبار» امان منطقی ـ این سومین فیلمی است که «منطقی» در پارس فیلم میسازد . بابا نان داد و آب نبات چوبی دو فیلم قبلی‌اش بود .

ژاله کریمی‌هم خوشگذران‌شد

● علاوه برفروزان ووحدت که در فیلم خوشگذران شرکت دارند ژاله کریمی هم برای ایفای یکی دیگر از نقشهای این فیلم که تا چند روز دیگر بکارگردانی وحدت‌توسط عزیزرفیعی دراستودیو نقش جهان جلوی دوربین خواهد رفت انتخاب شد ، سناریوی این فیلم را که تهیه‌کننده آن وحدت است بهرام ری‌پورنوشته است‌وحدت هفته گذشته آخرین صحنه فیلم «مرد دو زنه» را که در آن‌عده‌ای از رقاصه های کاباره شکوفه‌نو شرکت داشتند کارگردانی نمود و هم‌اکنون مشغول تدارك تهیه فیلم خوشگذران میباشد .

آنونس شیربهاء

● هم‌اکنون آنونس فیلم «شیر بهاء» که قرار است بعد از تعطیلات محرم به روی اکران‌آید نمایش داده میشود . این فیلم که محصولی است از سازمان سینمائی سپنتا بکارگردانی روبرت اکهارت و باشرکت پوری بنائی ، امیر جعفری ، منوچهر طایفه، سرکوب، کهنموئی و بهمن مفید ساخته شده است . سناریوی شیربهاء رافریدون گله نوشته است .

توضیح کارگردان سرطلائی

● هفته گذشته «شعاءالدین مصطفی‌زاده» کارگردان فیلم سرطلائی در رد حرفهای «تقی‌مختار» که دو هفته پیش در مجله فیلم‌و هنر درج شده بود توضیحاتی داد که در ذیل مختصری از آنرا درج مینمائیم .

«مختار» با ترك اکیپ ما عمل نادرست و حساب نشده‌ای را انجام داد و پس از توجه به این مطلب برای توجیه عمل نادرست خود دست به ایجاد جنجال زد تا شاید بازهم در سینما مطرح باشد ولی می‌باید ایشان از اشتباهات گذشته خویش تجربه میگرفتند و لااقل حساب کار خویش را در محیط سینمای ایران مینمودند . هیاهوی بیجابرقرارکننده واستوار دارنده‌ی هنرمند نمی‌تواند باشد ، کار مطرح است و اخلاق ووجدان هنری» .

مصطفی‌زاده در ادامه صحبت های خود اضافه نمود که :



● «بهمن مفید» و «تقی مختار» در صحنه‌ای از فیلم «شیر علی مردان» اولین فیلم «عبداله غیایی» ...

تکذیب

● دو هفته قبل خبری داشتیم درمورد اینکه ایرج قادری چون بازی جمیله شیخی را نپسندیده اورا در فیلم «بیقرار» کنار گذارده است . هفته قبل جمیله شیخی ضمن يك تماس تلفنی بادفتر مجله اظهار داشت ، علت بازی نکردن من در فیلم مزبور اجازه ندادن شورای عالی تاتر بوده است و خود شخصا از بازی در فیلم عذر خواسته‌ام واصولا من در مقابل دوربین ظاهر نشده‌ام که کارگردان فیلم از بازی من اظهار رضایت بکند یا نکند.

«ـ بعد از این حرفها ما صلاح در آن دیدیم که فیلم سر طلائی را هرچه زودتر آماده نمائیم تا معلوم گردد که ادعا های آقای مختار تا چه حد پایـه و اساس دارد ؟!!»

گدای ملیونر رو به‌اتمام

● هم‌اکنون آخرین مراحل فیلمبرداری محصول در دست تهیه پارسفیلم موسوم به‌«گدای ملیونر» طی میشود . در این‌فیلم که‌سازنده‌ی آن محمود کوشان است بیك ـ ایمانوردی،شهنازتهرانی، کریستین پاترسون ، کامبیز کوشان و فرخ ساجدی ، همایون اشکان شرکـت دارند . سناریوی گدای ملیونر را که تهیه‌کنندگان آن محمودکوشان و رحیمزاده هستند رضا میرلوحی نوشته است .

ارحام صدر در تهران

● هفته آینده ارحام صـدر جهت‌صدابرداری‌فیلم «مرد دوزنه» بتهران خواهد آمد و بعد از اتمام آن مجددا به اسفهان باز خواهد گشت . در مرد دوزنه که محصولی است از استودیو نقش جهان‌وحدت، ارحام صدر ، ژاله کریمی ، توتیا، اسدزاده ، سفاپور و سرور رجائی شرکت دارند . سناریوی این فیلم را که بکارگردانی وحدت توسط عزیز رفیعی در شمال ، اصفهان و تهران فیلمبرداری شده رضا همراه نوشته است .

شیرعلی مردان در مراحل فنی

● اولین کار «عبدالله‌غیابی» آسیستان سابق مسعود کیمیائی در زمینه کارگردانی هم‌اکنون مراحل فنی را طی مینماید . این فیلم که «شیرعلی مردان» نامداردمحصولی است از «تولید فیلم» که توسـط جمشید الوندی فیلمبرداری شده و در آن مختار، بهمن مفید، مرجان، فرشته جابی و ولی شیراندامـی شرکت دارند . امور پخش شیرعلی مردان بعهده سازمان سینمائی پیام است .

ناجورها در اندیمشك

● سازندگان فیلم «ناجورها» محصول سازمان سینمائی ژورك که بعلت نامساعد بودن هوا در شمال نتوانستند این فیلم را تهیه نمایند این هفته جهت فیلمبرداری آن به اندیمشك عزیمـت نمودنـد . در ناجورها که داستان آن از فریدون گله و سناریستش سیروس الونـد است ناصر ملك‌مطیعی ، مرجـان گرشا رئوفی ، قدکچیان ، حسیـن گیل ، دهقان و شهلا شرکت‌دارند. «ناجورها» بکارگردانی فریـدون ژورك توسط احمد شیرازی فیلمـ برداری میشود .

مراجعت معشوقه

● سازندگان فیلم «معشوقه» محصول آژیر فیلم این هفته بعداز اتمام کار از شمال بتهران مراجعت نمودند. دراین فیلم که سناریوی آنرا حبیب‌الله کسمائی نوشته است وتوسط رضا صفائی کارگردانی می شود بهمن مفید ، کتایون، شهروز رامتین ولی‌لی شرکت دارند. لی‌لی در فیلم معشوقه که ایفاگـر نقش معشوقه است تا حد زیادی از سکس خود بهره گرفته است.

نعمت نفتی از اهواز بتهران بازگشت

● آغاسی که همراه سازندگان فیلم «نعمت نفتی» جهت بازی در قسمتهائی از این فیلم به اهـواز رفته بود بعداز اتمام کار بتهران مراجعت نمود. در این فیلم کـه

اعلام خطر به‌هنرپیشگان پولساز سینمای ایران

در آخرین لحظات که مجله‌زیر چاپ میرفت، این نامه بدست مارسید که لازم دانستیم آنرا بدون‌هیچ دخل وتصرف چاپ کنیم.

مجله محترم فیلم وهنر

باوقایعی که اخیرا در وضع سینمایش آمده، اینجانب حاضرم باهر استودیو که در صدد تهیه فیلمی‌باشرکت هنرمندان محبوبی چـون فردین ـ ملك‌مطیعی ـ بهـروز وثوقی ـ بیك ایمانوردی ـ نصرت کریمی است، قراردادی منعقدنموده‌وبدون دریافت وجهی در آن فیلم بازی نمایم و دستمزد خود را پس‌از نمایش فیلم و موفقیت آن دریافت نمایم.

عکس و مشخصات اینجانب‌رادر صفحه ۵۰ مطالعه فرمایند.



● «بهمن‌مفید» و«سرکوب» در صحنه‌ای از فیلم «شیربهاء»

محصولی است از پـارسا فیـلم و سناریست و کارگردان آن عباس کسائی است علاوه برآغاسی، سیمین غفاری ، آرزو، مهری ودادیان ، شهناز و سرکوب نیز شرکت دارند. نعمت نفتی را خانی فیلمبرداری و منوچهر صادقپور تهیه مینمایند.

بیقرار ادامه دارد

● ایرج قادری سخت مشغول ادامه کارگردانی فیلم تازه خود «بیقرار» که محصولـی است از سازمان سینمائی تخت‌جمشید میباشد دراین فیلم رنگی که تهیه کننده آن جمشید شیبانی است‌و توسط‌شکرالله رفیعی فیلمبرداری میشود ایـرج قادری ، پوران ، سپیده، آتش‌خیر، تهرانی ، کامران فروهر و فخری خوروش شرکت دارند.

شورش عقب افتاد

● رضا میرلوحی که قرار بود برای تینا فیلم کارگردانی‌فیلم «شورش» را با شرکت نصـرت کریمی ، مرتضی عقیلی ، بهرام وطن‌پرست و همایون آغاز نماید بخاطر شروع کارگردانی فیلـم «دوزخیها» برای آس‌فیلم این کار را موکول نمود به‌بعداز اتمام‌فیلم دوزخیها .

شورش را ایرج صادقپـور فیلمبرداری ورضاشیبانی‌تهیه‌خواهد نمود.

فیلم تازه مطلبی

● بخاطر بتاخیر افتادن تهیه فیلم «شورش» ، محصول دیگرتینا فیلم که بکارگردانی سعید مطلبی تهیه خواهد شد آغاز میشود. این فیلم قبلا «ناجورها» نامداشت که بخاطر استفاده این نام توسط‌ژورك نامش تغییر خواهد کرد. در فیلم تازه مطلبی که تا چند هفته دیگر جلوی دوربین خواهد رفت ناصر ملك مطیعی و بیك ایمانوردی‌نقش های اصلی را بازی مینمایند.

خاك شروع شد

● مسعود کیمیایی از این هفته کارگردانی فیلم تازه خود «خاك» را آغاز نمود. دراین فیلم که محصولی‌است ازاستودیو میثاقیه وتوسط نعمت حقیقی در دزفـول فیلمبرداری میشود بهروز وثوقی، فرامرز قریبیان، فرزانه تائیدی ، پروین سلیمانی، جلال و جعفر والی شرکت دارند . برای خاك‌اسفندیار منفردزاده مـوزیك متن خواهـد ساخت.

فیلم‌شیردل درکاپری

● هفته گذشته در محافـل هنری شنیده میشد که قرار است فیلم «صبح روز چهارم» اولیـن فیلم طویل کامران شیردل‌درسینما کاپری نمایش داده شود . صبح‌روز چهارم که‌توسط شرکت سهامی‌سینما تئاتر رکس پخش میشود قرار بود درگروه آسیا ـ رکس نمایش داده شود . دراین فیلم که فیلمبرداری آنرا جمشید الوندی انجام داده‌است سعید راد ، وجستا ، شهرزاد، حسن

فروش فیلم‌ها

● فیلم «العطش» در سه روز اول نمایش خود جمعا ۲۳۲۰۰۰ تومان فروش نمود «طغرل» ۲۰۲۰۰۰ و «نانجیب» در دو روز اول ۱۳۳۰۰۰ تومان فروش کرد.

فیلم پستچی بعداز ۸۰۰۰۰۰ تومان فروش این هفته از اکران سینما کاپری تعویض میشود.

همیشه قهرمان در جمع ۴۳۰ هزار تومان ، آبنبات چوبی ۴۰۰ هزار تومان و فاتح دلها ۳۸۰ هزار تومان فروش کردند و نمایش فاتح دلها در تعدادی سینمای درجه دو و سه ادامه یافت.

رضائی ، آراسته و جلال شرکت دارند .

کاکا سیاه شروع شد

● ازاین هفته تهیه محصول تازه شرکت‌سهامی سینما تئاتر رکس موسوم به «کاکاسیاه» آغاز شد . دراین فیلم که سناریوی آنرا سعید مطلبی نوشته است و بکارگردانی امیرشروان توسط مازیار پرتو فیلمبرداری میگرددبیک‌ایمانوردی، فروزان ، احمد معینی و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

مونتاژ خروس

● هم‌اکنون شاپور قریب کارگردان و نصرت‌الله‌کنی فیلم‌بردار ، فیلم خروس سخت‌مشغول مونتاژاین فیلم‌هستندتاهرچه زودتر جهت صدابرداری آماده گردد . دراین فیلم رنگی که‌محصولی‌است

است از سازمان سینمائی هفت و توسط شرکت سهامی‌سینماتئاتررکس پخش میشود سعید راد ، ایرن ، سپیده ، منوچهر احمدی و داوود رشیدی شرکت دارند .

آب

● بهمن مقصودلو که قرار بود اولین فیلم خود را تحت‌عنوان «مسلم» جلوی دوربین بردنام آنرا به «آب» تغییر داد و سناریوی آنرا بتصویب‌اداره نگارشات‌وزارت فرهنگ وهنر رساند. در آب که‌قرار است اطراف تهران فیلمبرداری‌شود علی نصیریان ، جمشید مشایخی ، منوچهر فرید و عده‌ای دیگر از هنرپیشگان که غالب آنها از هنرپیشگان تئاترهستند شرکت‌دارند آب را «اکبر گلپایگانی» تهیه می نماید.

مناجات تمام شد

● با مراجعت بهمن مفید و مرتضی عقیلی سکانسهائی از این فیلم که باقیمانده بود فیلمبرداری گردید و کلیه مراحل فیلمبرداری این فیلم بپایان رسید . درمناجات که محصولی است از اسکار فیلمو بکارگردانی عزیز بهادری توسط مازیارپرتو در اصفهان و تهران فیلمبرداری شده ایرج قادری ، بهمن مفید ، ملوسك ، جلال،حسین شهاب ، رضا حاجیان ، گیتی‌فروهر ومرتضی عقیلی شرکت دارند . سناریوی مناجات را سعید مطلبی نوشته است .

چگونه ارحام صدر باعث شد وحدت پس از سالها ازدواج از همسر خود جدا شود .



● وحدت وارحام صدر هروقت در فیلمی باتفاق ظاهر می‌گردند ، در داستان فیلم باعث دردسر وناراحتی زیادی برای یکدیگر میگردند، از جمله اخیرا این دو باتفاق در فیلم مرد دوزنه شرکت کرده‌اند.

وحدت در داستان این فیلم مردی است که از همسرش بچه‌دار نمی‌شود وبرای آنکه در آرزوی بچه است زن دیگری میگیرد که از او هم صاحب فرزند نمی‌شود. اما ارحام صدر که در اصفهان زنی را حامله کرده وبتهران آمده است ، سبب جنجال تازه‌ای می‌شود، زیرا وقتی زن ارحام صدر وضع حمل میکند بتهران آمده وبچه را در پشت درخانه وحدت میگذارد و وحدت نیز که بچه‌دار نمی‌شود آنرا بفرزندی قبول میکند اما پس از مدتی ارحام که پی بماجرا می‌برد ادعای فرزند خود را میکند و جنجال شروع میشود تا آنجا که وحدت مجبور میشود همسر خود را که سالها است بااو ازدواج کرده است طلاق بدهد.

در فیلم مرد دوزنه وحدت ، ارحام صدر ــ ژاله کریمی ــ توتیا بازی دارند واز فیلمهای پرسروصدای کمدی امسال سینمای ایران است.

کارگردان کمدی

● کمدی‌ترین خبر هفته را احمد هاشمی کارگردان جدید سینمای ایران بوجود آورد . وی که فیلمش اینك ناتمام مانده است در صحنه‌ای گویا قرار میشود که چند گونی دربسته خرما را بدریا بیاندازد بهمین علت دستور میدهد مدیر تهیه سی‌هزار ریال خرما خریده و در گونیهای مختلف بریزد و درب آنهارا ببندند تا در صحنه فیلم استفاده شود. وقتی مدیر تهیه باین مسئله اعتراض میکند که وقتی تماشاچی خرماها را نمی‌بیند ، چرا خرما بخریم ودر گونی بریزیم و درب آنرا ببندیم وی‌اعتراض کرده‌ومیگوید من فیلم رئالیستی‌میسازم وباید از خرمای حقیقی دراین صحنه استفاده کرد هرچند که تماشاچی نبیند که در گونیها خرما است یا چیز دیگر.

محافل در انتظار یك معجزه!

● سینمای ۵۱ ایران در مسیر خود دگرگونی‌های بسیجی بر جای گذاشته است. این سینما گو آن که امسال عده‌ای را از میدان بدربرد ویا مرزهای مادیش جلوی‌فعالیت تعدادی را سد کرد، اما بدنبال‌خود چشمه‌هائی از ارزش‌های راستین و باز یك دنیا شور و هیجان وماجرا پدید آورد.

نیمی از این شور و شادی‌که بدون شك با دلهره خشنودکننده‌ای همراه است، مدیون وجود «سپاس پنجم» است واین را دیگر «محافل سینمائی وهنری» کشور پذیرفته‌اند. پذیرفته‌اند که«سپاس» فصل تازه‌ای در بنیاد سینمای ایران گشوده و راهگشای نوینی است برای بهبود هرچه بیشتر و برتر سینمای ایران.

امسال «سپاس» برای این محافل شور تازه‌ای برانگیخته است چون معتقدند که بااین همه فیلم‌های خوب و این همه بازی‌های درخشانی که از بازیگران تحت آنها دیده‌شده، سپاس پنجم رویدادی میشود نظیر رویدادها و فستیوال های خارجی چون «ونیز، کان و لندن».

وقضیه بهمین صورت که‌اینان اعتقاد یافته‌اند، نیز جلوه‌گر شده است ودر برخوردهائی که به‌کرات باصاحب‌نظران محافل سینمائی و هنری این ملك داریم ، آنها روی این نکته زیاد تاکید می‌ورزند و روز بروز به تحسین ارزش های کیفی «سپاس» می‌نشینند.

یکی از نکاتی که اینان رویش بسیار تکیه می‌کنند وبدان اهمیت میدهند، وجود بازیگران متعددی است که امسال هرکدام در فیلم‌ها درخشیده‌اند و باین وسیله از یك جور «رقابت مشروع» سخن می‌رانند و خیلی بی‌تاب هستند که ببینند امسال فی‌المثل از میان بازیگران‌مرد «نصیریان» یا«فردین» برنده جایزه بهترین هنرپیشه مرد میشود و سپاس را میبرد یا شاید برخلاف انتظار آنها ، کس دیگری این جایزه را برباید.

از هم‌اکنون یك جور «پیش داوری» یامیشود بهترگفت یك‌جور «نتیجه‌گیری از بحث‌های متعدد و کلی» در میان این محافل درگرفته که بنوبه خود جالب و شنیدنی است.

آنطور که از فحوای بحث این صاحب‌نظران مستفاد میشود ، می‌توان این نتیجه را اخذ کرد که «سپاس پنجم» شاهد ماجراهای هنری مهمی خواهد بود ویا این که «سپاس پنجم» و نتایج آن ، برای خیلی‌ها شگفتی فراوان ببارخواهد آورد.

بهرصورت آنطور که درمیان این محافل شایع است بازیگرانی چون علی نصیریان (پستچی) عزت‌الله انتظامی (قیامت عشق) بهروز وثوقی (بلوچ) سعید راد (صادق کرده و تنگنا) همایون (تپلی) ملك‌مطیعی (ناخدا) بیك ایمانوردی (بندری) منوچهر وثوق (زن باکره) فردین (جهنم + من) کریمی (تختخواب سه‌نفره) وپرویز فنی‌زاده (رگبار) باید بایکدیگر به‌یك جدال سخت هنری دست بزنند تاسرانجام شاهد موفقیت را به آغوش بکشند!

محافل سینمائی وهنری ایران برای بازی خوب هر هنرپیشه‌ای که در بالا ذکرش رفت دلایل کافی در دست دارند و در مورد بعضی‌از آنها حتی استناد به مندرجات و عقاید و اظهارنظرهای نویسندگان ومنتقدین خارجی می‌کنند. گواین که‌این کار چندان نمی‌تواند خشنود کننده باشد ، اما به عقیده همین محافل روشنفکرانه سینمای ایران اظهار نظر و عقیده یك منتقد خارجی مثل «پیتر کارگین» منتقد انگلیسی که در مورد بازی علی نصیریان یا انتظامی در «پستچی» اظهار نظر کرده، می‌تواند نمود و شاخصی بدست بدهد برای معیار و سنجش جنبه کاری و بازیگری این دو تن و یا منتقدان دیگر خارجی که درباره دیگران صحبت کرده‌اند.

بااین مقدمه‌ای که آورده شد، اینك بهتر است به کیفیات ارزشمندانه بازی هرکدام از هنرپیشگان مرد در ذیل از نظر محافل سینمائی بپردازیم :

● علی نصیریان (پستچی)

علی نصیریان ، این بازیگر پرتجربه وتوانائی که در روی‌صحنه تئاتر نمایشگر نقش‌های مختلف و متضادی بوده، بافیلم اول خود «گاو» زودتر و آسان‌تر از هرچیز که بتوان تصور کرد ، کیفیات ارزشمندانه و آرتیستیك کار خود را به ثبوت رسانید و «خود» را نشان داد و با فیلم‌های بعدی «آقای هالو» و «تقی پستچی» مظهری از شکوهمندی هنر بازیگری شد وتمامی دیده‌ها ونظرها را متوجه خود ساخت.

از نظر محافل سینمائی و منتقدین خارجی وایرانی وتماشاگران روشنفکر یا ساده ما، علی نصیریان بخصوص به نقش تقی پستچی معرکه است و بعقیده این صاحب‌نظران معیار بازیگری و قواعد آنرا در سینما برهم ریخته است.

عده‌ای چنین اعتقاد دارندکه نیمی از موفقیت فیلم پستچی مدیون وجود بازی‌های هنرمندانه علی نصیریان و انتظامی است و نیمی دیگر بخاطر تسلط مهرجوئی برای ایجاد یك ساختمان استوار فیلمیك و یك بافت تصویری لایتجزا است. وبهرحال «علی نصیریان» راعده‌ای برنده بی‌چون‌وچرای امسال می‌دانند.

● عزت‌الله انتظامی (قیامت عشق)

گو آن که هنوز فیلم «قیامت عشق» اولین ساخته‌ی منتقد سینمائی کیهان «هوشنك حسامی» به نمایش درنیامده ، اما آن عده از اشخاصی که بطور خصوصی موفق به تماشای این فیلم شده‌اند ،به سختی اعتقاد دارند که«عزت‌الله انتظامی» امسال هم جایزه سپاس را بدست خواهد آورد.

عزت‌الله انتظامی دوسال قبل در سال ۴۹، بخاطردو نقش متفاوت و دوگونه‌ای که در فیلم «آقای هالو» ایفا کرده بود ، جایزه سپاس بهترین هنرپیشه مرد «نقش دوم» را بدست آورد. فیلم اولش «گاو» یك شاهکار از داریوش مهرجوئی ، انتظامی را به‌افتخارات فراوانی سوق داد و جایزه بهترین هنرپیشه مرد سال ۱۹۷۱ را از فستیوال سینمائی شیکاگو بدست آورد.

عزت‌الله انتظامی در «قیامت عشق» به مرزهای تازه‌ای از هنر بازیگری در سینما دست می‌یابد او به نقش یك تاجر باایمان باسم «آقا کمال» ظاهر میشود که‌دلبسته یك عشق معنوی و آسمانی است اما ناگهان گرفتار عشق یك‌دختر میشود واین عشق او را به یك جور مبارزه میکشاند ، مبارزه‌ای بین عشق آسمانی ومعنوی و عشق خاکی ومادی او ...

● بهروز وثوقی (بلوچ)

دگرگون یافته‌ترین نقشی که تابحال بهروز وثوقی دردوران فعالیت های سینمائی خود بازی کرده ، ایفای نقش (بلوچ) بوده است. بهروز وثوقی با فیلم بلوچ به دوره تازه‌ای در کاریر هنری خود دست می‌یابد و فصل جدیدی را در فعالیت‌های سینمائیش می‌گشاید.

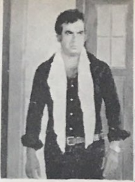
در محافل سینمائی و هنری، عده خیلی زیادی روی بازی «بهروز» دراین فیلم تکیه می‌کنند ومعتقدند که بلوچ یا بهروز وثوقی، برای سومین‌بار ، جایزه سپاس را به چنك خواهد آورد.

همانطوری که‌استحضار دارید جایزه سپاس‌برای فیلم‌های «قیصر» و «رضا موتوری» دوسال متوالی به«بهروز وثوقی» تعلق گرفت و این بی‌سابقه‌ترین کار در نوع‌خود بشمار میرود.

بهر حال امسال بهروز وثوقی رقبای هنرمند و در ضمن خطرناکی جلوی خود دارد و زمان نشانگر



● علی‌نصیریان (پستچی)



● ناصر ملك‌مطیعی (ناخدا)

* جدال یازده هنرمند برای تصاحب جایزه سپاس بهترین هنرپیشه مرد سال ۵۱ بـه کجا خواهد انجامید؟

این نکته خواهد بود که آیا برای سومین‌بار هم ...؟

● سعید راد (صادق کرده ــ تنگنا)

قبل از آنکه اولین فیلمش «خداحافظ رفیق» ساخته خـوب «امیرنادری» را نمایش بدهند، در سه چهار فیلم دیگر هم شرکت‌کرده بود. سعیدراد کـه میرود جای بزرگان سینما را درایران بگیرد، برای اولین بار سیمای یك ضـد قهرمان را در سینمای ایران جان داد و «بعد» تازه‌ای از خشونت توام با عاطفه را باایفای نقش‌های ضد قهرمانی برجای گذاشت.

در «صادق کرده» وایضا «تنگنا» که هنوز به‌نمایش درنیامده وخود «راد» آنرا مشکل‌ترین فیلم خود از نظر تیپی که در آن بازی کرده، میداند ــ سعیدراد توانست به‌اعتبار تازه‌ای دست یابد وجلوه خاصی در میان محافل سینمائی و جامعه منتقدان پیدا کند. به عقیده همین محافل، سعیدراد امسال‌رقیب سرسختی برای خیلی‌ها خواهـد بود.

● فردین (جهنم+ من)

فردین بااین فیلم «تـولد» تازه‌ای یافته است ، یعنی آن که فصل خوشایندی در دوران فعالیت های سینمائی خود گشوده است.

فردین بدنبال یك سکوت‌موقت یکساله و بازی نکردن در فیلمـ های متعددی که باو پیشنهاد میشد، فیلم «جهنم + من» را عرضه کرد که باعتقاد عده زیادی آغازی است نو وراهی است تازه درکار تهیه کنندگی ، کارگردانی و بازیگری. دراین فیلم با چهره «فـردین»ی روبـرو میشویم کـه بسیار بـا چهره او در فیلم‌های گذشته‌اش ، تفاوت دارد : چهره یك آکتور واقعی.

خودش اعتقاد دارد که «جهنم + من ارائه دهنده یك مکتب تازه در سینمای ایران است و من بعد از یك سکوت طولانی بار دیگر آغازی دوباره در کارم نمودم. که می‌تواند برایم ثمربخش باشد.

فردین که در سال اول سپاس بخاطر بازی در فیلم «سلطان قلبها» برنده بهترین بازیگر مرد سال شد، امسال با بازی شگرفی که در فیلم «جهنم + من» ارائه داد، یکی از شانس‌های بزرگ سپاس پنجم بشمار میرود و محافل سینمائی تکیه‌زیادی روی او می‌کنند و اورا از هم‌اکنون «برنده حتمی» میدانند.

● ناصر ملك‌مطیعی (ناخدا)

محافل هنری و سینمائی که ناصر ملك‌مطیعی رایکی ازجاودانه ترین بازیگران سینمای ایران میـ دانند ،در مورد فیلم‌های متعددی که امسال از او نمایش داده شد سکوت اختیار کردند اما بنظرآنها فیلم «ناخدا» ساخته‌ی «امیر شروان» را سرفصل تازه‌ای برای کاریر سینمائی او بشمار می‌آورند.

ناصر ملك مطیعی که همراه با بهروز وثوقی جایزه سپاس را در سال ۴۹ دریافت کرد، در سال ۵۰ بخاطر ایفای نقشی صمیمانه و دلچسب در فیلم ساده و روان «سه قاپ» ساخته‌ی «ذکریا هاشمی» برنده بهترین هنرپیشه مرد سال شد.

● بیك‌ایمانوردی (بندری)

پولسازترین وپرکارترین بازیگر مـرد سینمـای ایـران ، «بیكـ ایمانوردی» امسال جدا رقیب خطرناکی برای سایر بازیگران‌مرد بشمار میرود. وی یکبار بخاطر فیلم «ایوب» ساخته‌ی «فریـدون ژورك» کاندید دریافت جایزه‌سپاس شد، اما جایزه را بدست نیاورد.

بیك‌ایمانوردی هنرپیشه مورد علاقه توده مردم است ، از نرمش وانعطاف فراوانی برخوردار است، بعلاوه آنکه استعداد قابل‌توجه‌ای برای نقش‌های کمدی و جنائی دارد ومورد توجه بودن بیك جهت تماشاگران فیلم‌های ایرانی ، اورا به حدیك سوپراستار رسانیده است.

بیك‌ایمانوردی در فیلم «بندری» ساخته «کامران قدکچیان» نقش متفاوت و تازه‌ای را رو می‌کند و به‌عقیده صاحب‌نظران سینمائی ، بیك در سپاس پنجم صاحب امتیاز خواهد بود . **ادامه دارد**



● فردین (جهنم+من)



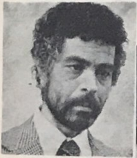
● پرویز فنی‌زاده (رگبار)



● همایون (تیلی)



● بیك‌ایمانوردی (بندری)



● بهروز وثوقی (بلوچ)



● منوچهر وثوق (زن‌باکره)

● عزت‌الله‌انتظامی (قیامت‌عشق)



● سعید راد (صادق کرده و تنگنا)





* گوگوش» و «عـزت‌الله
فیلمبرداری فیلم «بی‌تا» در حال



* صحنه پرها ، درفیلم «بی‌تا» که درآن دوربین با خویشتن‌داری وآرامش شاهد تحول روحی عظیمی درپایان یك زندگی است .

«بی تا» نماینده سینمائی است که

* نکته مشخص در همه فیلمهای جدید

● با وجود تفاوت های زیادی که بین فیلمهای سینمای جدید و واقعی ایران وجود دارد ، اگر بخواهیم یك نکته را که در همه آنها مشخص است و وجود دارد مورد تاکید قرار دهیم، «شهامت» سازندگان آنها در جستجو وعمل در راه‌های تازه‌ئی است که قبلا هیچ کارگردان و فیلمسازی در این کشور بدنبال آنها نرفته بود . مثلا داریوش مهرجوئی در «پستچی» این شهامت را دارد که از قصه‌گوئی قراردادی برای تعقیب آدمهای فیلمش صرف‌نظر کند ویك زبان تمثیلی برای نمود مسائل اساسی جامعه بکار گیرد . بهرام بیضائی با «رگبار» تجربه غنی نئورئالیزم را در چهارچوب سینمای ایران و جامعه ایرانی پیاده میکند و در این راه حتی یك لحظه ازجنبه‌های تجارتی و ابتذالات بقیه فیلمهای باصطلاح اجتماعی که در اینجا ساخته شده کمك نمیگیرد . آربی آوانسیان با «چشمه» به تجربه وآزمایش محض در تصویر و ریتم می‌پردازد وسعی میکند دنیائی بوجود آورد که فضایش به هیچ‌چیز دیگر جز سینمای محض مدیون نیست .

همه این تلاش‌ها نمونه ونشان دهنده فداکاری یك عده جـوان فیلمساز است که برای مهیا کردن محیط جهت پذیرا شدن آثارسینمائی برتر و برای آنکه ثابت‌کند که سینمای ایران میتواند اولا در عرصه جهانی سینمائی شایسته وثانیا اساسا شایسته این مملکت و زمینه وسابقه عظیم و غنی فرهنگیش باشد براحتی وباشهامت به تمام فرمول‌هـای قراردادی کار سینما در ایران باسابقه ۳۵ ساله‌اش با بی‌اعتنائی پشت‌پا میزنند وحتی یك لحظه بدنبال امتیاز دادن به سلیقه‌های قدیمی برای آنکه در عوض کیسه‌ای بیاندوزند نیستند .

حالا اولین ثمره های این کوشش‌ها البته وخوشبختانه دارد جوانه میزند که نمونه‌اش فروش خوب «پستچی» در سینما کاپری است که نشان داد مردم سینماروی ما برخلاف آنچه فیلمسازان قدیمی تصور میکردند طالب فیلم خوب هستند و ازآن استقبال میکنند .

فیلم انتخابی دوم سینما کاپری «بی‌تا» ساخته هژیر داریوش،باز فیلمی است که با توجه به‌شرایط فیلمسازی ملی ما ، در تهیه‌اش شهامت قابل توجهی در سطوح مختلف بکار رفته ــ مثلا ، در حالیکه سینمای ما اساسا قصه پرداز است وسعی میکرده مردم را به‌چنین سبك قصه پردازی و روایت دهی عادت دهد، سازنده فیلم «بی‌تا» باتعمد داستانی بی‌نهایت ساده ، باحداقل ماجرا و «آکسیون» ظاهری را انتخاب‌میکند تا با استفاده از کم‌اهمیت بودن حوادث صوری بتواند از مرز داستان سرائی گذشته و در عوض به‌لحظه‌ها، صورت‌ها واهمیت وارزش‌احساسی آنها بپردازد ، واین کاری است که به‌نفس سینما نزدیك‌تر است ، و شهامت فیلمسازی‌را نشان میدهد‌که حاضر نیست بخاطر موفقیت تجارتی از نوع سینمائی که خود دوست دارد صرفنظر کند، و درعین حـال انتخاب عمدی یك داستان به‌حداقل رسیده درجائیکه همه به‌دنبال سوژه‌های «بزرك» و «مهم» و دهان پر کن هستند بطور مطبوعی نشانه فروتنی و خویشتن‌داری است که سینمای ما به‌آن نیز احتیاج دارد. منظور ما این نیست که سینمای سوژه، سینمای «تز» ومسائل مهم را تخطئه کنیم ، بلکه میخواهیم بگوئیم که ارزش سینمائی هیچ اثری ارتباط مستقیم با اهمیت وعظمت ظاهری سوژه ندارد ، والا اگرچنین بود هرکسی که راجع به جنك بین‌المللی ، یا نژادپرستی یاچیزهائی از این قبیل فیلم بسازد دیگر خود بخود یك شاهکار ساخته است !! و چقدر دیده‌ایم فیلمسازانی را که اهمیت سوژه فیلمشان را سپربلای پرداخت سینمائی قلابی یا بی‌ظرافت یا ناشیانه‌شان کرده‌اند .

و اتفاقا آنچه در «بی‌تا» توجه را جلب میکند (وسوژه کوچك فیلم باعث میشود که توجه به این مسئله بیشتر و بهتر باشد) پرداخت سینمائی آن است . فیلم یکدست ، ساده ، بی‌نهایت ساده ، وآرام پیش



انتظامی» در فاصله دو صحنه از مطالعهسناریوی فیلم .



* یك صحنه از «بی‌تا» ....چه درنورپردازی و چه درلحظات اکسپرسیونیستی کار «هوشنك بهارلو» موفق است.

اعتنائی به‌قصه‌پردازی ندارد

ایرانی شهامت آنها در جستجوی راه‌های تــازه است . و «بی‌تا» تازه‌ترین این جستجوهاست .

میرود . سبك ومیزانسن فیلم به‌رود کوچکی میماند که باآبی بسیار زلال به‌آرامی جریان دارد . در سرتاسر فیلم یك‌زاویه غیرعادی یــا چشمگیر دوربین ، یك حرکت تند و خشن زوم یا دوربین ، یــك کادربندی عجیب وغریب دیده نمیشود . در این پرداخت فروتنی، آرامش ، اطمینان و بالاتر از همه صمیمیت همه باهم حس میشوند . کارگردان در پی خودنمائی یا گول زدن هیچکس نیست ، واین‌عجیب است ، و شهامت هم میخواهد ، که دراین دنیای شلوغ وپرسروصدا، تو آرام آرام فقط نجوا کنی ـــ درست مثل اینکه کسی بتواند یك‌آهنك تند «پاپ» بخواند اما در عوض ترجیح بدهد که یك شعر کودکانه را زیرلب به لالائی بگوید .

و اتفاقا همین سبك آرام وبی‌ادعا، چقدر خوب احاطه وشناخت تکنیکی سازندگان فیلم را نشان میدهد . دکوپاژ «بی‌تا» یکــی از صحیح‌ترین ، نرم‌ترین و «طبیعی» ترین دکوپاژهائی است که تابحال در آثار ایرانی دیده‌ایم . دوربین‌و هنرپیشه درتمام لحظات طوری باهم «اخت» دارند و بیکدیگر مرتبطند که هیچوقت نمیتوان گفت آیا این را بخاطر آن تنظیم کرده‌اند یا آن را به خاطر این‌ـــ درکار تصویر ، هوشنك بهارلو چنان تسلطی از خود نشان میدهد که باوجود آنکه کارش را در «پستچی» تحسین کرده‌ایم معهذا باز غافلگیــر میشویم . بخصوص اگر توجه داشته باشیم که کارگردان بخاطر القای افکاری خاص قسمت اعظم مناطق فیلمبرداری را فضاهائی تنك و بسته و کوچك انتخاب کرده ، متوجه دشواری کار فیلمبرداری «بی‌تا» میشویم . هوشنك بهارلو چه از نظر نورپردازی (در صحنه‌های روشن با نور نرم و درچند صحنه دارای نور اکسپرسیونیستی) و چه ازنظر کادر بندی‌ها و زیبائی‌های تصویری و انجام حرکات غیر مزاحم دوربین از این آزمایش سربلند بیرون میآید .

احاطه فنی فقط محدود به تصویر نیــست . بعد از «آرامش در حضور دیگران» ناصر تقوائی ، «بی‌تا» دومین فیلم ایرانی است کــه دارای کیفیت صوتی قابل توجهی است ، و در واقع نیز با توجه به اهمیت فوق‌العاده «سکوت» در این فیلم ، حق هم همین بود که باند صدای این فیلم با دقت و حوصله تنظیم شود . کاری که دراین فیلم با «ساوندافکت» شده در مقایسه با محصولات سینمای جهانی کــاری عادی و طبیعی است اما در محدوده سینمای خودمان درسی بــرای دیگر فیلمسازان است که توجه داشته باشند که صدا امروزه از ارکان اساسی بیان هنری یك فیلم است وباید در پرداخت آن دقت وظرافت بکار برد .

اما این عکس‌ها و این صداها در این فیلم در خدمت چه‌چیزی هستند ؟ بدون شك در خدمت بیان احساس ، وبرای ما تماشای احساس، که یك سلسله کلوزاپ های درخشان امکانش را به ما میدهند . در حقیقت ، «بی‌تا» فیلم کلوزاپ است . هژیر داریوش شانس آورده که هنرپیشه‌ای مثل گوگوش داشته ، گوگوشی که همه ما میشناختیم ، اما با وجود بازی‌اش در اینهمه فیلم، هنوز به استعدادش بعنوان یــك هنرپیشه سینما پی نبرده بودیم . سینمای ایران تابحال هنرپیشگان مرد مسلط و پرقدرتی داشته ، اما این اولین بار است که یك هنرپیشه زن چنین مهارت دراماتیکی از خود بروز میدهد . «کلوزاپ»ها در «بی‌تا» در خدمت این وظیفه هستند که به این استعداد دراماتیك ، به این چهره واقعی وصمیمی واین وجنات صورت‌گویا و موثر شهادت بدهند ، و در عین حال شادی‌ها ، شیطنت‌ها ، تقلب‌ها ، وبالاخره رنج‌ها و ناکامی‌ها و سرانجام مرك روحانی کاراکتری را نشان بدهند که یکی از «پر» ترین ، «سه‌بعدی» ترین و واقعی ترین آدمهائی است

بقیه در صفحه۴۵

مرد آواز ایران، اینجا بود



از : سعید صالحی

اختصاصی برای «فیلم وهنر» از : آمریکا

● از چند روز قبل توسط آگهی‌های متعددی که در تابلوهای اعلان دانشگاه کالیفرنیا نصب شده بود، از ورود «عارف» خواننده خوش الحان روز ایران وبرنامه اودر «سن‌فرنسیسکو» مطلع شدم.

برای من که تمام راهها به «هنر» ختم می‌شود ، چیزی ارزنده تر از طنین نوای موسیقی وطنم آن هم ازفراسوی مرزهای متعدد وجود ندارد که دلتنگی وطن را از روی قلبم بردارد ــ لذا برنامه اوگرانبها ترین هدیه‌ای بود کەدراین واپسین روزهای سال مسیحی جاری دریافت میداشتم ، و خوشحالی من بیشتر از آنجهت بود که در خطسیر برنامه‌های متعدد او در امریکا، از شهری کەمن هم در آن ساکن‌هستم (سن‌فرنسیسکو) او برنامه اجــرا می‌کرد و من می‌توانستم آوای‌گرم اورا بانوای اصیل ودلپذیرموسیقی وطنم، یکجا بشنوم.

خوشبختانه بعد مسافت باعث نشده که ایرانیان مقیم آمریکا از اوضاع اجتماعی و هنری ایران بی اطلاع بمانند ــ چه به عینه همه دیدند که ترانه‌ها و آهنگهایی را که از «عارف» تقاضا می‌شد، تماما مجموعه صفحات «عارف» را تــا آخرین آهنگهایی که او در فیلم مثلا «فریب» خواننده تشکیل می‌ــ دادند. بهرحال برای دیدنش و ترتیب گفتگویی به محل اجرای برنامه‌اش می‌روم.

طبق رسم کلی تمام برنامه‌های بزرك ، وقبل از بروی صحنه آمدن هنرمند اصلی ، معمولا یکــی دو برنامه کوتاه اجرا می‌گردد که یك پیش درآمد کلی برای برنامه اصلی به‌حساب می‌آید. لذا پس از دقایقی که ارکستر حاضر در محل ، صرف وقت میکند و آهنگهای معروف روز را می‌نوازد «عارف» با آن چهره دوست داشتنی، صحنه رااشغال می‌کند و باآهنگهای فیلم «غلام ژاندارم» با آن طنین دلنشین و تاثیر گذارش، برنامه‌اش را افتتاح میکند.

حاضرین در محل که قطعا مدتها درانتظار برنامه «عارف» که پیغام آور ایران عزیز بود، بودنــد با مشاهده او روی صحنه ، مــجال تصمیم بــه «عارف» و اعضــای ارکسترش را نمی‌دادند و ســالــن اجرای برنامه اورا با ذکــر نام ترانه‌ها و آهنگهایش و تحسین از او، به لرزه افکنده بودند. «عارف» نیز در مقابل باآن لباس شیك و بسیار ساده‌اش ،بانهایت خوشرویی پاسخگوی محبت دوستدارانش که اکثرا از مسافت‌های دور بــرای دیدن او وبرنامه‌اش آمده بودند، میشد و کم‌کم منهم در میان آن شلوغی وصدای جمعیت که «عارف» را همراهی میکردند و مجال سکوت وتعمق باقی نمی‌گذاشتند ، حــل میشدم که بیاد مصاحبه و گفتگو بااو افتادم کــه قرارش را قبلا گذاشته بودم.

بالاخره پس از ســه ساعت برنامه مفصل و جالب «عارف» که همه را با خاطره‌ای خوش راهی خانه‌هایشان ساخت، خود را به او که در حلقه دوستدارانش گرفتار آمده بود و گرم خــوش و بش کردن بود می‌رسانم وپس ازمعرفی گفتگوی کوتاهم را باباو شروع میکنم. طبعا نخستین سئوالم‌پیرامون سفر او به امریکا دور می‌زند که چنین پاسخ می‌گوید:

«امروز پس‌از چند شب برنامه در «لوس آنجلس» طبق قــرارــ دادم به «سن فرنسیسکو» آمدم و چون وقتم محدود و گرفته است دو شب برنامه بیشتر نمی‌توانستم اینجا اجراکنم‌وفردانیزراهی «واشنگتن» هستم، آخرین برنامه‌ام را نیزآنجا اجرا کرده وراهی ایران می‌شوم. درامریکا خوشبختانه ایرانیان عزیز بامحبت فراوانی مرا پذیرا شدند و من نیز تا حدامکان وتوانائیم که به حرفه‌ام مربوط میشد، در شادی بخشیدن بآنها کوتاهی نکردم‌وبهر حال امیدوارم که برنامه‌های من مورد پسند همه واقع شده باشدزیرا همین برای من کافی خواهد بود که سفرم به‌اینجا توام با موفقیت بوده باشد» ــ که بود.

«از «ژینوس» همسر «عارف» که ملاحت دلپذیر یك زن شــرقی اصیل‌را دارد وناظر صحبت من با «عارف است ازنمایشات هنری‌امریکا که دیده است سئوال میکنم ، میــ گوید:

«ازبرنامه جالب آن‌مارگرت» در «لاس‌وگاس» دیدن کردیم و چون برنامه‌ها فشرده بود امکان بیشتر فراهم نشد تا برنامه‌های‌بزرك دیگری را ببینیم ولی برنامه «آن مارگرت» بی‌نهایت تماشائی بود و البته این نخستین شوی او پس از حادثه سقوط سی‌فیتی‌اش بشمار می‌ــ آمد که همه خبرش را دارند.»

در این فــاصله علاقمنــدان «عارف» اورا از ما دور می‌سازند واز «ژینوس» میخواهم در مقابل کمی از ایران در روزها و ماههای اخیر برایم صحبت کند زیرا هرچه باشد تازه رسیده است و ماهم دور افتاده وطن ! واو با خوشرویی‌تمام تاحدی مرا در جریان اوضاع‌هنری ایران تاآنجا که اطلاع دارد می‌ــ گذارد و ضــمنا از صمیمیت و وفاداریش به «عارف» سخن میراند که در طول برنامه شاهد او که در

بقیه درصفحه ٤٦

● صحنه‌ای از برنامه «آن‌مارگرت» درلاس‌وگاس





● ایمانوردی پرکارترین هنرمند ۹ ماه گذشته



● بابا نان داد پرفروش‌ترین فیلم ۹ماه گذشته درسال ۵۱



● پوری بنائی و فروزان پرکارترین هنرمندان ۹ ماه گذشته بودند

نظری اجمالی وگذرا به سینمای ایران

پائیز امسال فیلم یک میلیونی نداشتیم!

در ۹ماه گذشته ۶۸ فیلم جدید ایرانی در تهران نمایش داده شد.



● «پستچی» داریوش مهرجوئی ، فیلم برتر سه فصل گذشته



● سینمای ایران که طی چند سال گذشته با عرضه فیلمهای پرفروش میرفت که با راه پیدا کردن بازارهای خارجی پشتوانه خوبی برای اقتصاد مملکت گردد در ماههای اخیر به‌یکباره قوس نزولی پیمود و از آن شور و حال گذشته افتاد .

در فصل پائیز که درواقع سزون سینمائی است و باید نسبت به‌فصلهای دیگر سال‌فیلمهای بهتر و پرفروش‌تری نمایش داده شود هیچکدام ازفیلمهای ایرانی فروششان به‌مرز یکمیلیون تومان نرسید درحالیکه تابستان و بهار فیلمهای یکمیلیونی زیاد داشتیم . درماههای اخیر که سینمای ایران از نظر تجاری سقوط کرده تهیه کنندگان و دست‌اندرکاران سینمای ایران را دل‌سرد نموده و دیگر مانند گذشته حال و حوصله فیلمسازی ندارند .

فیلمهای ایرانی که از ابتدای امسال تاکنون برای اولین‌بار نمایش داده شده‌عبارتند از ۱— مهدی مشکی و شلوارک داغ ۲ — یك اصفهانی در نیویورك ۳— صمد وسامی ، لیلاو لی‌لی ٤— رضا هفت خط ٥— قلندر ٦— حسن دینامیت ٧— علی سورچی ٨— آبشار طلا ٩— توبه ١٠ —قدیر ١١ —کافر ١٢ — صلاح‌الدین ایوبی ١٣— باشرفها ١٤— رگبار ١٥ احمد چوپان ١٦ — فرشته نجات ١٧ — جدال در کویر ١٨ — فرار از زندگی ١٩ — خانه‌قمر خانم ٢٠— آخرین نبرد ٢١ — تیلی ٢٢ — خاطرخواه ٢٣ — اتل‌متل‌توتوله ٢٤ — مرغ تخم‌طلا ٢٥— خواستگار ٢٦ — اعجوبه‌ها ٢٧— مرداجاره‌ای ٢٨ — گذراکبر ٢٩ — سرزمین دلاوران ٣٠ — فتنه چکمه‌پوش ٣١ — فدائی ٣٢ — بخاطر دخترم ٣٣ — پخمه ٣٤ — خیلی هم‌ممنون ٣٥ — آشوبگر ٣٦ — قمار زندگی ٣٧ — شهر آفتاب ٣٨ — ساحره ٣٩—مطرب ٤٠ — غریبه ٤١ — ظفر ٤٢ — حکیم باشی ٤٣ — بابانان داد ٤٤ — لج و لجبازی ٤٥ — بلوچ ٤٦ — مرد ٤٧ — میخك سفید ٤٨ — فتانه ٤٩ — کاکل‌زری ٥٠ — سرکار غضنفر ٥١ — قایقرانان ٥٢ — یك جوغیرت ٥٣ — ساعت فاجعه ٥٤ — پستچی ٥٥ — جهنم‌باضافه من ٥٦ — گروهبان ٥٧ — حسن سیاه ٥٨ — عباسه و جعفر برمکی ٥٩ — استوار وپاسبان ٦٠ — صادق کرده ٦١ — نواب ٦٢ — همیشه قهرمان ٦٣ — فاتح‌دلها ٦٤ — آبنبات چوبی ٦٥— عطش ٦٦ — طغرل ٦٧ — بی‌تا ٦٨ — ناتجیب .

● ازمیان٤٥فیلمی که در فصل بهار وتابستان نمایش داده شد فیلمهای‌مهدی مشکی وشلوارك داغ ، یك اصفهانی در نیویورك ، صمد وسامی لیلا و لی‌لی ، خاطرخواه ، ظفر، حکیم باشی ، بابانان داد و بلوچ هرکدام بیش از یکمیلیون تومان در اکران اول‌تهران فروش داشته ولی از ٢٣ فیلم فصل پائیز هیچکدام فروششان به‌مرز یکمیلیون تومان نرسید و پرفروش‌ترین فیلم فصل پائیز که «گروهبان» باشد حدود نهصد هزار تومان فروش کرد و بعد ازآن فیلمهای مرد باهشتصد و پنجاه هزار تومان ، پستچی هشتصد وپنجاه هزار تومان ، حسن‌سیاه هشتصد وپنجاه هزار تومان و صادق‌کرده هشتصد هزار تومان قرار دارند .

● پستچی ، رگبار ، تیلی ، صادق‌کرده، بلوچ و بی‌تا از فیلمهای خوب ۹ ماه گذشته سینمای ایران بوده‌اند و بابانان داد خاطر خواه ، مهدی مشکی وشلوارك داغ و بلـوچ پرفروش‌ترین آنها میباشد .

جدول راهنمای فیلم

آس‌فیلم

۱ — **زن باکره** — منوچهر وثوق — ارغوان — مرتضی عقیلی و کارمن اسکولی — کارگردان ذکریا هاشمی

۲ — **تختخواب سه‌نفره** «رنگی» نصرت‌کریمی — ایرن — لرتا — جهانگیر پارساخو — دیانا — شهرزاد و توران مهرزاد — کارگردان نصرت کریمی

۳ — **تعقیب** — ذکریا هاشمی — کارمن اسکولی، بهرام وطن‌پرست، حالتی و مرتضی‌عقیلی کارگردان احمدهاشمی

آریانا فیلم

٤ — **بدکاران** — مختار — وجستا — دلیله — علی‌محزون — تجدد کارگردان احسانی

اسکارفیلم

۵ — **پاپوش** — بیك ایمانوردی — مرتضی عقیلی — هاله — فرشید فرزان و شیراندامی کارگردان اسمعیل‌پورسعید

٦ — **مناجات** — ایرج قادری — ملوسك — مرتضی عقیلی — حلال وبهمن مفید. کارگردان عزیزالله بهادری

۷ — **مروارید** — منوچهر وثوق — هاله — حلال ومرتضی عقیلی کارگردان پورسعید

آژیر فیلم

۸ — **خورشید درمرداب** — سعیدراد — فخری خوروش — محمدعلی کشاورز و مستانه جزایری کارگردان م. صفار

۹ — **معشوقه** — بهمن مفید — کتایون، شهروز رامتین و لی‌لی — کارگردان رضا صفائی

۱۰ — **تهران درساعت ۱۲** — همایون — فریبا خاتمی — علی‌آزاد، اسدزاده — کارگردان نادر قانع

ایران اکران

۱۱ — **بالاتر از خطر** — لی‌لی — فیروز — اسدالله‌یکتا وگریگوری‌مارك، کارگردان قدرت‌الله بزرگی

۱۲ — **هلوی پوست کنده** — لی‌لی — گرشا — والی‌زاده — سهیلا — آرزو وسرکوب — کارگردان عباس دستالچی

آریی

۱۳ — **ضعیفه** — بوتیمار — مرجان — علی تابش — فرشته مهیان — ابراهیم فخار — محمد بانکی — کهنموئی — کارگردان ناصر رفعت

۱٤ — **خشم قهرمان** — بوتیمار — کتایون — فیروز — سرکوب وحسین گیل — کارگردان ناصر رفعت

پارس فیلم

۱۵ — **تولدت مبارك** — وحدت — وجستا — ژاله کریمی — توتیا و رضاکرم‌رضائی — کارگردان نصرت‌الله وحدت

۱٦ — **اسیر** «رنگی» فخرالدین — همایون — نازی و جمشید مهرداد — کارگردان تورکرعنان اوغلو

۱۷ — **جنگجویان کوچولو** «رنگی» ایلوش — وجستا — کریستین — بلور — اردوان مفید و جمشید مهرداد — کارگردان دکترکوشان

۱۸ — **سرجوخه جبار** — فردین — دلارام — ملوسك — مهدوی و جمشید مهرداد — کارگردان امان‌الله منطقی

۱۹ — **گدای میلیونر** — بیك‌ایمانوردی — شهناز تهرانی — فرخ ساجدی — همایون اشکان وساسان — کارگردان محمود کوشان

پانوراما

۲۰ — **طغرل** — سعیدراد — دلارام — شهین — میری و محمدعرب — کارگردان سیامك یاسمی

۲۱ — **مردی درطوفان** — سعیدراد — مرجان — سیمین غفاری — رمضانی‌فر و گریگوری مارك — کارگردان خسرو پرویزی

۲۲ — **زنجیری** — فرخ ساجدی — نیلوفر — اردوان مفید — اسدزاده و گلستانه — کارگردان خسرو پحیائی

۲۳ — **پریزاد** «رنگی» ارحام‌صدر — فروزان — سمیری وفرخ‌ساجدی — کارگردان سیامك‌یاسمی

۲٤ — **شهر قصه** «رنگی» کارگردان منوچهر انور

پارسافیلم

۲۵ — **قیامت عشق** — عزت‌الله انتظامی — فرشته جنابی — مهین شهابی — خسرو شجاعزاده — بنی‌احمد — کارگردان — هوشنك حسامی

۲٦ — **آقا مهدی کله‌پز** — فریده نصیری — منوچهر صادقپور — آرزو — بهمنیار — صادق بهرامی ومیری — کارگردان منوچهر صادقپور

۲۷ — **نعمت نفتی** — آغاسی — سیمین‌غفاری — شهناز — مهری ودادیان — آرزو وسرکوب — کارگردان عباس کسائی

پیام

۲۸ — **بی‌تا** — گوگوش — سناءالدین ضیائیان و عزت‌الله انتظامی — کارگردان هژیر داریوش

۲۹ — **تنگنا** — سعیدراد — نوری کرائی — عنایت‌بخشی — کارگردان امیرنادری

۳۰ — **شیرتوشیر** — پرویز کاردان — فخری خوروش — فرشته جنابی — الهه‌الهی — نادرعلی‌محزون وشیراندامی — کارگردان — منصور پورمند

تینافیلم

۳۱ — **عاصی** — ناصر ملك‌مطیعی — پوری بنائی ومنوچهر وثوق — کارگردان سعیدمطلبی

۳۲ — **شورش** — نصرت‌کریمی — همایون — بهرام وطن‌پرست و مرتضی عقیلی — کارگردان رضا میرلوحی

تولید فیلم

۳۳ — **شیرعلی مردان** — مختار — مرجان — فرشته جنابی — شیراندامی وبهمن مفید. کارگردان عبدالله غیابی

سازمان تخت جمشید

۳٤ — **عطش** — ایرج قادری — کتایون — شیراندامی — کارگردان ایرج قادری

۳۵ — **بی‌قرار** — پوران — ایرج قادری — خوروش — سپیده — کارگردان ایرج قادری

۳٦ — **تلافی** — پیمان — غزاله — مهری ودادیان — کهنموئی — یدی — کارگردان عبدالحسین بلور

دیاموند فیلم

۳۷ — **خیالاتی** — همایون — مستانه‌جزایری — سرکوب — خوشبخت — آرزو — کارگردان منوچهر نوذری

۳۸ — **قزاق** — سعیدراد — بهارك — شهروز رامتین — جلال — کارگردان ناصر محمدی

● برغم همه گرفتاریهائی که اخیرا برای تهیه‌کنندگان فیلم پیش آمده و بحران سخت اقتصادی که گریبانگر سینمای امروز ایران شده است معهذا فیلمهای دردست تهیه وآماده نمایش ایرانی نزدیک به یکصد فیلم است وباآنکه بطور تقریب هرماه ۱۰ فیلم بنمایش درمی‌آید، معهذا مثل این است که ۱۰ فیلم جدیدجای آنها را پرمیکند. البته ذکر یک نکته لازم است که تعدادی ازفیلمهائی که نامشان دراین لیست آمده چندسالی است همچنان دراین لیست قراردارند زیراتوقیف آنها یا ابتذال بیش ازحدشان مانع نمایش شده‌است. درهرحال لیست حاضر جامعترین جدولی است که تنظیم شده و درآن بمعرفی فیلمهای آماده نمایش و دردست تهیه مبادرت گردیده واز ذکر نام آثاری که جزو برنامه تهیه‌کنندگان قراردارد اما از مرحله حرف پا فراتر نگذاشته خودداری شده‌است.

سازمان سینمائی ژورک

۳۹ – بندری – بیک‌ایمانوردی – جمیله رمضانی‌فر – حسین‌گیل – مرسده‌ی کامیاب – ابراهیم نادری – کارگردان کامران قدکچیان

۴۰ – ناجورها – ناصر ملک‌مطیعی – مرجان – شهلا – گرشارثوفی – حسین‌گیل و قدکچیان کارگردان فریدون ژورک

سپیرافیلم

۴۱ – دشنه – بهروز وثوقی – فروزان – حسین‌گیل – سرکوب – ابراهیم نادری – کارگردان فریدون گله

۴۲ – نانجیب – منوچهر وثوق – پوری بنائی – سرکوب – کارگردان عباس کسائی

سپنتا

۴۳ – شیربهاء – پوری‌بنائی – امیرجعفری – منوچهر طایفه – سرکوب – کهنموئی وبهمن مفید – کارگردان روبرت اکهارت

۴۴ – باجناق – سیروس افهمی – منوچهر طایفه – لیدا داشور – دلیله – کارگردان قاسمی‌وند

۴۵ – موهان – ذکریا هاشمی – ایرن – مرتضی عقیلی – جلال – کارگردان روبرت اکهارت

شرکت سهامی سینما تئاتر رکس

۴۶ – تنها مرد محله – پوری بنائی – شیراندامی – فرنگیس‌فروهر – آرش و مرتضی عقیلی – کارگردان داود اسماعیلی

۴۷ – صمد وفولاد زره‌دیو – پرویز صیاد – نوری کسرائی – عبدالعلی همایون – شهنازتهرانی – کارگردان جلال مقدم

۴۸ – ستارخان – علی نصیریان – عزت‌الله انتظامی – پرویز صیاد – کارگردان علی‌حاتمی

۴۹ – پدر که ناخلف‌افتد – پوری بنائی – جمشید مشایخی – سعید کامیار – کارگردان محمدکریم رکنی

۵۰ – تجاوز – داود رشیدی – بهزاد فراهانی – منوچهر فرید – کارگردان – حمید مصداقی

۵۱ – حریص – بیک‌ایمانوردی – مرسده کامیاب – سیمین غفاری ورمضانی‌فر – کارگردان ایرج رضائی

۵۲ – صبح روزچهارم – سعیدراد – وجستا – جلال – شهرزاد – حسن رضائی – کارگردان کامران شیردل

۵۳ – ناخدا – ناصر ملک‌مطیعی – فروزان – احمد معینی و منوچهر وثوق – کارگردان امیرشروان

۵۴ – خروس – «رنگی» سعیدراد – داود رشیدی – سپیده – منوچهر احمدی و ایرن – کارگردان شاپور قریب

۵۵ – نفرین – بهروز وثوقی – فخری خوروش – کهنموئی وجمشید مشایخی – کارگردان ناصر تقوائی

۵۶ – کاکاسیاه – بیک‌ایمانوردی – فروزان – احمد معینی – کارگردان امیرشروان

فردوسی، فیلم

۵۷ – حلقه‌های ازدواج – سهرنیا – گرشا – متوسلانی – مریم پروین – مژگان – لیلابهاران کارگردان عزیزالله بهادری

۵۸ – خانم خیلی حقه‌ای – جمیله – بابک ومیری – کارگردان احسانی

۵۹ – یک کلاغ چهل کلاغ – ارحام صدر – جمیله – عادل روحی – فریدون نریمان و میری کارگردان امیرشروان

فیلمکو فیلمز

۶۰ – دشمن – ناصرملک‌مطیعی – کارگردان خسروپرویزی

عصر طلائی

۶۱ – علی کنکوری – مسعود اسدالهی – شهناز تهرانی وکرم رضائی – کارگردان مسعود اسدالهی

۶۲ – مردان خلیج – ناصر ملک‌مطیعی – مرجان – امین امینی – شهروز رامتین وقدکچیان – کارگردان نظام فاطمی

۶۳ – ایرام فرنگی – بیک‌ایمانوردی – مرتضی عقیلی – عبدالعلی همایون – حسین حسینی – ناتاشا – کارگردان نظام‌فاطمی

میثاقیه

۶۴ – فرزند شمشیر – «رنگی» فخرالدین – پوری بنائی و همایون – کارگردان حسن‌ساسانپور

۶۵ – سه‌تفنگدار در استانبول – سپهرنیا – گرشا – متوسلانی – جهانگیر غفاری

۶۶ – خاک – بهروز وثوقی – فرامرز قریبیان – فرزانه‌تائیدی – جعفر والی – کارگردان مسعود کیمیائی

۶۷ – برهنه تاظهر باسرعت – کارگردان خسرو هریتاش

مشعل

۶۸ – مستاجر – ارحام‌صدر – آرمان – پروین ملکوتی – آقاخانی – سیمین – کارگردان آرمان

۶۹ – صخره سیاه – نیلوفر – جهانگیر غفاری – ابراهیم فخار – اسدالله‌یکتا – حسن رضائی – کارگردان مازیار بازیاران

نقش‌جهان

۷۰ – مرد دو زنه – وحدت – ارحام صدر – ژاله کریمی – سرور رجائی – اسدزاده – توتیا – صفاپور – کارگردان وحدت

۷۱ – خوشگذران – وحدت – فروزان – کارگردان وحدت

یزدفیلم

۷۲ – عروس و مادرشوهر – منوچهروثوق – پروین ملکوتی – مهری ودادیان – بهمنیار – اسدالله یکتا – کارگردان جواد طاهری

متفرقه

۷۳ – آرامش در حضور دیگران – ثریا قاسمی – اکبر مشکین – کارگردان ناصرتقوائی

۷۴ – تنها وگلها – ارغوان – متین – پروین ملکوتی – مرتضی احمدی – کارگردان ابوالقاسم ملکوتی

۷۵ – شلاق – ایرج قادری – ارغوان – یدی – اسدزاده و بوتیمار – کارگردان منوچهر قاسمی

۷۶ – چوب خدا – آرزو – اشراق – اکبر هاشمی – کارگردان محمد سخن‌سنج

۷۷ – دختر فالگیر – داریوش طلائی – رضوان – مینا – یدی – اسدالله‌یکتا – کارگردان سیروس جراح‌زاده

۷۸ – بلند پرواز – شهین – داریوش‌طلائی – اکبر هاشمی – کارگردان احمد صفائی

بقیه در صفحه ۴۳





● «وحدت» جلوی دوربین و «عزیز رفیعی» هنگام فیلمبرداری صحنه‌ای از فیلم که قبلا «وحدت» توضیحات کافی درباره‌اش داده است.

گزارشی از پشت صحنه فیلم

امان از وحدت

ماجرای بادمجان و عزیز رفیعی و اشتباه



● ماه گذشته برای یك کار شخصی برای مدت دو روز به‌اصفهان رفته بودم ، ولی برخلاف حسابی که پیش خودم کرده بودم همان‌روز اول کاری که در اصفهان داشتم انجام شد و چون خیالم ازطرف «بنده منزل !» راحت بود تصمیم گرفتم یکروزی را که فرصت دارم در اصفهان بمانم و در تنهائی و دور از محیط کار و زندگی استراحت نمایم .

شب بمنزل یکی از بستگانم که در اصفهان زندگی میکند رفتم و چون او مجبور بود صبح خیلی زود از خواب بیدار شود وبدنبال کار وکاسبی برود مهم ناچار صبح زود ببهانه آنکه کار دارم «چون نمیخواستم به تنهائی در خانه بمانم» بخیابان آمدم .

ساعت ۷ صبح در چهار باغ قدم میزدم ، هوا هنوز آنطور که باید و شاید سرد نشده بود ولی بهرحال آدم احساس سرما میکرد ، دستهایم را در جیب شلوار فرو برده بودم ، جلوی سینما چهارباغ که فیلم ایرانی «فرار از زندگی» را نمایش میداد ایستادم و بتماشای عکسهای ویترین مشغول شدم . سینما نقش جهان که روبروی آن قرار دارد فیلم هندی «گیی» را نمایش میداد با مشاهده‌ی این وضع تاسف خوردم که سینمای هندوستان چرا حتی در شهرستانها هم دست ازرقابت با سینمای ایران برنمیدارد وبطوریکه روز قبل در اصفهان شنیده بودم فیلم گیی بیشتر از فرار از زندگی در اصفهان کار کرده است . بگذریم بفکر افتادم که آنروز وقتم را چگونه بگذرانم که بناگاه یادم آمد اینروزها «وحدت» و اکیپی همراه او در اصفهان سرگرم ساختن فیلم «مرد دو زنه» هستند بی‌مناسبت نبود سری به آنها بزنم چون هم بعد از مدتی دیدارها تازه میشد !! وهم شاید آنروز آنها فیلمبرداری داشتند و من میتوانستم مطلبی برای مجله درست کنم ولی آدرسی از آنها نداشتم در این فکر بودم که چگونه میتوانم وحدت و دوستانش را پیدا کنم که بیاد «سمرقندی» افتادم .

سمرقندی مدیر سینما نقش جهان است که در ضمن از دوستان بسیار خوب هنرمندان تهرانی در اصفهان است و هروقت هنرمندان به اصفهان میروند اغلب با او درتماس هستند ومن حتم داشتم که او از محل اقامت وحدت و دیگر هنرمندان فیلم مرد دوزنه باخبر است و من نیز چون سالهاست که با سمرقندی دوست وآشنا هستم و هروقت به اصفهان میروم کلی وقتش را میگیرم بسینما رفتم و از کارگر آنجا که شبها در سینما میخوابد شماره تلفن منزلش را گرفتم ..

صبح ساعت ۷ و ربع بود که از تلفن عمومی روبرو سینما نقش‌جهان به منزل سمرقندی تلفن کردم . خانمش او را که هنوز خواب بود بیدار کرد و او باهمان صمیمیت همیشگی از پشت تلفن اصرار داشت که بمنزل او بروم ولی من گفتم :

ــ چون کار دارم عصر میآم سینما می‌بینمت .

بهرحال آدرس وحدت را خواستم و او گفت که خود وحدت در هتل اصفهان اقامت دارد . هتل اصفهان کمی بالاتر از سینما نقش جهان قرار دارد بعد از تشکر و وعده دیدار برای عصر به هتل اصفهان رفتم ...

متصدی مربوطه تلفنی با وحدت تماس گرفت و سپس مرا به‌اطاق او راهنمائی کرد .

وحدت میخواست دوش بگیرد و سپس همراه عزیز رفیعی فیلمبردار فیلمش که پیش او میآمد صحنه‌ای را که آنروز فیلمبرداری میکردند آماده نمایند . برای کار بمنزل آقای سلطانی صاحب موسسه گز سلطانی میرفتند .

چند دقیقه‌بعد عزیز رفیعی آمدو وحدت«بادمجانی» راکه‌گوشه‌ای پنهان کرده بود یواشکی در جیب کت او جاداد . عزیز وقتی دست در جیبش کرد تا سیگار دربیاورد مانند آدمهائی که دچار برق‌زدگی شده باشند بادمجان را درآورد و با شتاب بگوشه‌ای پرتاب نمود .





● در تصاویر بالا ، ژالـه کریمی باتفاق وحدت و ارحام‌صدر در دو صحنه از فیلم «وحدت» کنار عزیز رفیعی هنگام اداره یك‌صحنه مشاهده میشود .



مرد دوزنه در اصفهان

وقتی که بچه‌دار نشود!

لبی مردم اصفهان در مورد ژاله کریمی

«ظاهرا عزیز رفیعی از بادمجان بدش میآید و سالهاست که همکارانش گاه و بیگاه به این مناسبت معرکه پا میکنند ، آنهم شوخی بامزه‌ای بود از طرف وحدت که کلی خندیدیم . رفیعی با اوقات تلخی ظاهری سیگاری آتش زد و حالت تهوع بخود گرفت و گوشه‌ای نشت . بعد از این شوخی بامزه وحدت صحنه‌ای را که میخواست آنروز کارگردانی نماید برای عزیز تشریح کرد .

ساعت از ۸٫۵ گذشته بود که همراه آنها به منزل سلطانی رفتم... همه آماده‌ی کار بودند .

سرور رجائی ، ژاله کریمی ، توتیا و ارحام صدر ویك طفل شیرخوار ، آسیستان رفیعی و کارگر های فنی دوربین فیلمبرداری و پروژکتورها را آماده کرده بودند و باقر خسروی آسیستان وحدت صحنه را ...

وحدت در فیلم «مرد دو زنه» ایفاگر نقش مرد متمولی است‌که زن دارد ولی زنش بچه‌دار نمیشود و چون او شدیدا میخواهد که بچه‌دار شود و زنش را هم خیلی دوست دارد ناچـار زن دیگری میگیرد ولی اتفاقا آن زنهم بچه‌دار نمیشود آخرالامر میرود وبچه‌ای را به فرزندی قبول میکند که این کار ماجراهای شیرین و جالبی را بدنبال دارد .

در آن صحنه وحدت بچه‌را بخانه آورده بود ولی نمیتوانسـت او را آرام کند ... بعد از فیلمبرداری این صحنه ، درجلوی خـانه صحنه‌ی دیگری از ارحام صدر وسرور رجائی فیلمبرداری شد در حالیکه پشت در جمعیت انبوهی از علاقمندان ارحام صدر و وحدت صف کشیده بودند و ناظر جریان فیلمبرداری بودند . جالب این بود که عده‌ای ژاله کریمی را بجای فروزان اشتباه گرفته بودند و از او بجای فروزان امضاء میخواستند ولی او مرتب میگفت :

ــ بابا من فروزان نیستم ... من ژاله کریمی هستم .

برخلاف عده‌ای از ستارگان که هروقت باهم بشهری بـرای فیلمبرداری میروند و اغلب با یکدیگر قهر هستند ژاله و توتیاصمیمانه با یکدیگر دوست هستند و این بخاطر برنامه منظم ودرستی است که وحدت در کارش دارد . از فرصت استفاده کرده و پیش ارحام صدر رفتم واز حال وکارش پرسیدم .

ارحام ، بدون شك یکی از پرکارترین هنرمندان ایرانی است که در سال علاوه بربازی در چند فیلم ، روزانه چندکار مختلف‌اداری وغیر اداری را در اصفهان انجام میدهد ــ مردم اصفهان علاقه‌ی فراوانی به او دارند و او نیز برای آنها احترام خاصی قائل است و شاید بهمین مناسبت باشد که هیچگاه بفکر این نیفتاده که کارهایش را در اصفهان رها نماید و بتهران بیاید . ارحام میگفت :

ــ بقدری به شهر خودم وهمشهریهای خودم علاقه دارم‌که باوجود گرفتاری زیاد که از این بابت دارم هیچوقت دلم نمیخواهد دل ازآن بکنم و کارهایم را کنار بگذارم و این بخاطر قدرشناسی مردم شهـر خودمان است که با محبتهای خود خستگی روزانه را درمیآورند ...

صحبتهای ارحام تازه گل انداخته بود که وحدت او را برای فیلمبرداری پلانی از فیلم فرا خواند . کناری ایستادم و همانطور که بارها روی صحنه تئاتر ازبازی جالبش لذت برده بودم ناظر بازی او در برابر دوربین فیلمبرداری شدم .

ارحام بقدری بکارش تسلط دارد و بقدری بانرمش بازی میکند که کافی است فقط یکبار به او بگویند ، از او چه میخواهند .

پلان بدون تکرار و معطلی فیلمبرداری شد و دوربین از خیابان به حیاط آورده شد . هوای نیمه ابری آنروز کم‌کم کاملا گرفته و ابری شده بود و آنها دیگر قادر بکار فیلمبرداری در هوای آزاد نبودند وسایل را جمع وجور کردند وبداخل آپارتمان بردند تاصحنه

بقیه در صفحه ٤٧

پوری بعد از ناهار، گارسون را صدا میزند وچای میخواهد. آنگاه رو بمن میکند و میگوید:

— ازت گله دارم.

— برای چی؟

— برای اینکه هفته گذشته نوشته بودی که هنگام پرت شدن از کوه، کدخدای دهکده برای تسکین درد بمن تریاك داد. عده‌ای ممکن است خیال کنند که من معتادهستم.

باخنده در جوابش میگویم:

— ای بابا، کی این حرف را زده. حتی بچه‌های شیرخوره هم که گوششان درد می‌کند دود سیگار ویا تریاك در گوششان فوت می‌کنند. اگر هیچکس نداند، حداقل اطرافیان تو خوب میدانند که تو حتی سیگار هم نمی‌کشی، چه‌برسد به چیزهای دیگر..

صحبت دراین باره و درباره بعضی از هنرمندان که شیرین‌داری بیش از حد میکنند بدرازا می‌کشد و گفتگو دراین باره را برای وقت دیگری میگذاریم و هر دو از رستوران بیرون میآئیم و

پول خیلی زیادی پس‌انداز کرده‌ای؟

پوزخندی میزند:

— کدوم پول. من هرچه درآمد دارم‌خرج خانواده‌ام‌میکنم. من خرج یك خانواده را میدهم. تابحال هیچوقت هم حرص پول جمع کردن نداشته‌ام. بعضی ها روی عقیده این شایعات را می‌سازند.

پوری بساعتش نگاه میکند و میگوید:

— بعد از ظهره... فکر میکنی برای اینهفته باندازه کافی مطلب داشته باشی.

— چرا، اگر زیاد نیادخوبه. فقط میخواستم بعنوان آخرین سئوال گفتگوی اینهفته‌مان بپرسم که آرزوی تو چیست؟

— دوست دارم یکدختر تپل و قشنك داشته باشم.

می‌پرسم:

— چرا دختر؟

— برای اینکه وقتی بزرگشد غمخوار مادرش میشود.

***

او بزنم. مثل اینکه گاهی اوقات «سکوت» بنفع آدم تمام میشود. پس از چند لحظه که او تمام حرفهایش را زد و گله‌هایش را کرد، من با خونسردی گفتم: — خب، امروز تشریف بیاوریدبدنباله مطلب را ادامه بدهیم.

خنده‌اش گرفت، شاید از پرروئی و سماجت من و شاید هم از صمیمیت من. آنوقت آرام‌گرفت وملایم گفت:

— یه‌وقت ناراحت نشی‌ها... آخه میدونی چیه... تو با صمیمیت ورمیداری حرفهای منو مینویسی، آنهم حرفهای خصوصی را که فقط برای تو زدم... ولی مردم یا «دوستان» خیال میکنند که مسئله بصورت مهمی بوده‌است.

بهش جواب‌میدهم: — برعکس افکار شما، مردم درباره شما طور دیگری قضاوت میکنند. درنامه‌هائی که برایتان بدفتر مجله می‌رسد، بهتان لقب دختر معصوم سینما میدهند، آنوقت شما چطور این حرف را میزنید. برداشت‌مردم

سیاسی را حل‌وفصل نمایند، بلکه میخواهند که او درباره خانواده، خودش و کارش حرف بزنند. حرفهای گنده، گنده، بقول دوستان مال‌آدمهائی است که‌بنحوی نبض سینما را در دست داشته‌باشند و یا در سرنوشت سینما و ساختن یك فیلم مسئولیت سنگینی بعهده بگیرند درحالیکه پوری میتواند فقط درباره نقشهائی که باومحول میشود حرف بزند و یا تلاشی که‌او برای بازی در فیلمهای خوب‌بخرج میدهد.

ساعت دو بعدازظهر با پوری وعده ملاقات میگذارم.

۸

در طول دو هفته گذشته، تعدادی نامه برای پوری بدفتر مجله رسید. اگر یادتان باشددر هفته اول نامه‌ای از آقای مهندس «بهرام ــ ف» چاپ کردیم. آقای «بهرام ــ ف» از پوری خانم خواستگاری کرده بودند و قول داده بودند که اگر خانم بنائی

من ازدواج نمی کنم که بعداً طلاق بگیرم!

گفتگو از: م. صفار

قسمت سوم

دوباره بطرف میدان ونك پیاده حرکت می‌کنیم.

۶

از پوری می‌پرسم:

— این روزها چکار می‌کنی؟

— تا چند روز دیگر برای بازی در فیلم «زنبورك» بشیراز میروم. فکر میکنم برای مدت یکماه آنجا باشم. این فیلم رافرخ غفاری میسازد. من به غفاری‌ایمان دارم. میدانم که فیلمش از آثار برجسته خواهد شد.

در باره دستمزدی که می‌گیرد سئوال میکنم، جوابش اینطور است:

— من هیچوقت با تهیه‌کنندگان برسر مبلغ چانه نزده‌ام. همیشه قرارداد سفید امضاء میکنم.

با خنده در جوابش میگویم:

— عده‌ای میگویند که تو

از پوری‌جدامیشوم وقرارمان برای روز دوشنبه هفته بعد میشود. گویا قرار است پوری روز بیست و پنجم برای بازی در فیلم‌زنبورك به مسافرت برود. اینست که دیدار دفعه بعد مسلما خیلی طولانی خواهد شد. زیرا در دیدار بعدی او باید تمام حرفهای زندگیش را بزند.

۷

واه، واه... چشمتان روز بد نبیند. امروز صبح، پس از انتشار مجله، وقتی به‌پوری تلفن زدم که برای ادامه گفتگویش یکدیگر را ملاقات کنیم، داد وهوارش‌گوش فلك را کر میکرد.

پشت تلفن میگفت: — چند مرتبه گفتم که درباره من وبهروز حرفی ننویس.

من حرفی نداشتم در جواب

ازحرفهای شما مثبت است.

میگوید: — خدا کند اینطور باشد.

لحظه‌ای سکوت ایجاد میشود وبعد می‌پرسد: — خب، امروز میخواهی چی بپرسی؟

راستش خودم هم نمیدانم با پوری چه حرفی باید بزنم. معمولا حرف وبحث موقعی ایجاد میشود که آدمها یك مقدار بیشتر با هم برخورد کرده باشند واز وقایع و اتفاقات خاطرات مشترك داشته باشند. معهذا حرف زدن با پوری چندان سخت هم نیست، چرا که هرحرف او، میتواند ادامه یك حرف تازه باشد. گاهی اوقات باخودم می‌اندیشم مگر مردم ازیك هنرمند چه‌چیزی‌میخواهندبخوانند. من خوب‌میدانم که هیچوقت مردم انتظار ندارند که پوری ویاامثال او بنشینند و مسائل اقتصادی و

بایشان جواب مثبت بدهند،زندگی راحت ومورد دلخواهی برای او فراهم خواهد کرد. ما عین نامه آقای مهندس را به خانم بنائی دادیم، وقسمتی از آنرا در مجله چاپ کردیم‌که خواندید. از پوری خواستیم تا جواب آقای مهندس رابدهد. با خودمان گفتیم: «زمانه را چه دیدی، شاید این نامه باعث تشکیل یك زندگی مشترك باشد» اما هفته گذشته پوری دراین مورد جواب داد:

«والله من فعلا خیال‌ازدواج ندارم. من یکبار ازدواج کرده‌ام و از ازدواج اولم هیچ خاطره خوشی ندارم. حتما اطلاع دارید که من برای فرار از زندگی گذشته‌ام یکبار دست بخودکشی‌زدم که خوشبختانه نجات پیدا کردم. من معتقدم که اگر ازدواجی‌صورت می‌گیرد، حتما باید پایه وبنایش



*** مـن گاهی اوقات شعر میگویم ... اما نه شعر نو و نه شعر کهنه !**
*** امان از دست مردم که فورا برای آدم حرف درمیآورند**
*** پاسخ پوری بنائی به آقای مهندس «بهرام ـ ف»**
*** من هیچوقت دوست ندارم در راهرو های دادگاه حمایت خانواده قدم بزنم !**

عشق باشد ، توصیه من بدخترها و پسرها اینست که اول یکدیگر را بشناسند و ببینند که توافق اخلاقی و روحی با یکدیگر دارند یا نه ؟ وگرنه پس‌از ازدواج‌چیزی‌نخواهد گذشت که کارشان بمتارکه خواهد کشید . یکروز که من برای انجام کار یکی از دوستانم بدادگستری رفته بودم باعده‌ای زن و شوهـر برخورد کردم‌که بایکدیگر اختلاف پیدا کـرده بودند و میخواستند بدادگاه حمایت خانواده بروند تا تکلیفشان معلوم شود . وقتی‌ازآنها سئوال میکردم که چرا میخواهید ازهم جدا شوید ، همه‌شان یکزبان میگفتند که ما باهم «توافـق» و «تفاهم» نداریم . حالا منهم‌دوست ندارم که یکی ازآن آدمها بـاشم که برای فرار از زندگی مجبور باشم در راهروهای دادگاه حمایت خانواده قدم بزنم .»

۹

ساعت دو پوری را می‌بینم . همچنان ساده و صمیمی آمده‌است. اینبار یك عینك درشت بچشم دارد. اول که باهـم روبرو میشویم ، بروبر یکدیگر را نگاه می‌کنیم . بعدش بحرف میآید و میگوید :ـ خواهش میـکنم ایندفعه مسائـل خصوصی را ننویس .

سری تکان میدهم واو می‌ـگوید : ـ هردفعه تو ازمن سئوال میکنی ، بذار منهم یه سئوال ازتو بکنم .

ـ بفرماین .

ـ تو خودت اوقات بیکاریت را چگونه تلف میکنی !

جوابش ساده است : ـ من اصلا استراحت ندارم . ازآنموقع کەخودم را شناختم مینوشتم‌وحالا هم مینویسم . باید برای مولـدن وزیستن تلاش کرد . اگر یکروز تلاش نکنیم کلاهمان پس‌معرکـه است . مدتیه کەعلاوه برکار نوشتن شروع به فیلمسازی هم‌کرده‌ام .

ـ فیلمت چطور شده .

ـ واله اونهائی که دیده‌اند میگویند خوب شده ، باید دیدمردم چه میگویند . درضمن بهتر است شما دور اینجور سئوالها را ازمن خیط بکشین .

ـ چرا ؟

ـ چون‌ممکنست سردبیرمجله، یا رفقا فکر کنن که چون مـن دستم توکار مجله است میخواهـم برای خودم تبلیغ کنم . ازقدیم گفته‌اند کوزه‌گر همیشه از کوزه شکسته آب میخورد ، حالاحکایت ماست . همه فیلم میسازند ، من و دوستانم چند صفحه ، چند صفحـه برایشان مینویسم ، اما برای فیلم من دراین مجله بیش از یك صفحه نوشته نشد .

ـ اینم یه‌جورشه . بهتر نیست‌بریم بیرون .

می‌خندد و جواب میدهد :

ـ مگر اینجا چه اشکالـی دارد . بیرون هوا ابری و سرد است و امکان دارد باران ببارد .

جواب میدهد : ـ من پائیز وزمستان را دوست دارم . تو این فصل آدم‌بیشترمیتوونه باخاطراتش زندگی کنه . چون غمهای زندگی اینقدر زیاده که با روزهای شاد بهار نمیشه بهش فکر کرد . فقط پائیزه که آدمو بگذشته‌ش برمی‌ـگردونه . کاش من میتوونستم مثل شما آن چیزهائی را که فکرمیکنم بنویسم .

هردو از دفتر بیرون میآئیم ودر هوای ابری و نیمه بارانـی توخیابان راه می‌افتیم .

بقیه‌در صفحه ٤٥



کارگاه شادمانی

باشرکت تضامنی برادران آپاراتچی

خرما در آب

بکارگردانی : روحمدیو — هاشمسکی

کارگردان : واسه فردا سه ، چهارتا گونی خرمای فرد اعلاء میخواهیم که بدنیست امروز بری دنبالش . ببین دقت کن که حتما خرماش ، رسیده باشه‌ها !

مدیرتهیه — خرما؟ واسه‌ شادی روح مرحوم‌ابوی میخواهی‌خیرات کنی ؟ فردا که شب جمعه نیست .

کارگردان — خیرات چیه پسر حواست کجاست‌فردا میخواهیم صحنه افتادن گونی خرما درآبرو بگیریم .

مدیر تهیه — خوب‌مردحسابی خرما دیگه میخوای چکار سه تا گونی میخریم توش شن می‌ریزیم و بعد ولش می‌کنیم توآب .

کارگردان — (با تعجب) جی ؟! این از اون حرفهاست مگه میشه ؟ پس اصالت و صداقت فیلم و فیلمساز را که من باشم چطور نشان بدهم . جواب منتقدین‌رو چی‌چی بدم . من میخواهم فیلمم سوای همه‌ی فیلمهای فارسی باشه.

مدیر تهیه — ترا خداسخت نگیر آخه کی می‌فهمه توی گونی که درش بسته است ما چی ریختیم.

کارگردان — گیرم کسی متوجه نشه آخر مرد ما که نباید تقلب کنیم ، جواب وجدانمان را چی بدیم .

مدیر تهیه — بیخودی واسه فیلم خرج درست نکن ، خدا — نه تهیه کننده خوشش نمی‌یاد .

کارگردان — دیدی‌نمی فهمی، شعور سینمائی نداری نمیتونی‌درك کنی ، هرچه فیلم پرخرج‌تر باشه ارزشش هم بیشتره ، حالا برو خرماهارو تهیه کن .

مدیر تهیه — ؟!!!

کارگاه — بخاطر اینهمه صمیمیت و پایداری فیلمساز جوان سینمای ایران مجتمع منتقدین کارگاه پیشاپیش تصمیم دارند با پیشداوری های خود با اوصافی از قبیل بی‌نظیر ، شاهکار ، افتخار آفرین ، تاج سینمای ایران ، تجلی یك نبوغ ، بزرگترین و غیره با این فیلم مواجه شوند .

بخش آهنگهای درخواستی

اکنون آهنك «تو بافیلمات این روزا» را بنا به‌تقاضای عموم تماشاچیان عزیز برای همه‌ی تهیه کنندگان فیلمهای فارسی پخش‌می‌کنیم .

تو که با این همه فیلم ، داری‌مارو خر میکنی
بکن ، بکن
ماهارو از راه در میکنی
بکن ، بکن
ملت بازیگوش ما ، تازگیها بلا شدند
آخه میگی چکار کنند !
تا بیای بخود بیای ، از چنگت‌رها میشند آخه میگی چکار کنند!
اگه با گوگوش وآغاسی ، تماشاچی رو قر نزنی
باید اونو زنجیر بکنی تو
آخه چون تازگیها ، با بی‌مزگیهای بیجا
مارو دلگیر میکنی تو
تو با فیلمایت این روزها، داری مارو گول میزنی
بزن ، بزن
که چه خوب گول می‌زنی
بزن ، بزن

نمایش عبرت‌انگیز آزادی

با شرکت : بارید طاهری

آزادی «بارید طاهری» تهیه کننده ورشکست شده فیلم هنری «رگبار» از زندان— خبر بهجت‌انگیز هفته قبل بود .

بازپرس — آقا ، شما متهمید که فیلم هنری تهیه نموده‌اید وبا اینکار خود به سینمای فارسی لطمه زده‌اید و این سینما برای اعاده حیثیت خود از شما شاکی است آیا بگناه خود اعتراف می‌کنید ؟

طاهری — بخدا ما بیگناهیم آقا ، مقصر اصلی «بهرام بیضائی» بود که مرا تشویق باینکار کرد و من جوان بودم ، فریب خوردم.

بازپرس — مگر شما تهیه‌کننده نیستید ؟

طاهری — چرا آقا !

بازپرس — پس‌چرا درانتخاب کارگردان مطالعه و دقت نکردید؟ مگر نمی‌دانستید که «بیضائی» دارای سوابق روشنفکری است ؟

طاهری — چیز هائی شنیده بودم ولی فکر نمی‌کردم تا این‌حد روشنفکر باشد .

بازپرس — با این وجود او را انتخاب کردید .

طاهری — آخر او نسبت به دیگران ارزان‌تر بود حتی موقع قرارداد بستن خیلی حسن‌نیت‌نشان داد بیعانه هم نگرفت .

بازپرس — موقع فیلمبرداری هم متوجه نشدی که فیلمت هنری است ؟

طاهری — ابدا ، چون همه چیز توی آن بود .

بازپرس — زد و خورد هم داشت ؟

طاهری — بله قربان

بازپرس — چاقوکشی هم داشت ؟ یعنی منظور اینه که «قیصر»ی بود

طاهری — بعله

بازپرس — عشق و عاشقی هم بود ؟

طاهری — چه‌جور هم

بازپرس — کافه و عرق‌خوری هم داشت ؟

طاهری — بعله

بازپرس — تنهائی آنمها را هم مطرح میکرد

طاهری — بعله

بازپرس — با این‌اوصاف پس فیلمت چرا کار نکرد ؟

طاهری — خودمون موندیم که چرا ؟ من فکر میکنم قدری

بقیه در صفحه۴۷



— بنده خدارو برق گرفته
— نه بابا زبونش اینطوریه !



سینمای تجارتی در گفتگوئی با امان‌منطقی

اولین شرط یك اثر هنری عامه پسند بودن آن است.

● من وقتی فیلم «غلام ژاندارم» را می‌بینم خجالت می‌کشم
● من در هرزمینه‌ای که فیلم بسازم از همه موفقتر خواهم بود.
● من‌اصلا به‌پول فکر نمی‌کنم ● هدف من ازفیلمسازی رفع احتیاج مردم است.

● در مورد دکوپاژ قبل‌از فیلمبرداری می‌گفتید ...

منطقی: گفتم که فن سینما فقط آنچه که دیده می‌شود نیست بلکه دکوپاژ قبل از فیلمبرداری است، آن صحنه‌هایی است که من رج می‌زنم. گاهی اتفاق می‌افتد که هنرپیشه‌ی اول فیلم فقط یك روز وقت دارد ودر این فاصله تمام پلانهای مربوط به‌او در آن صحنه فیلمبرداری می‌شود واو می‌رود در حالی که من جهت مقابلش را روز دیگری می‌گیرم. این نشانه‌ی تسلط من است. یعنی این ادعا را می‌توانم داشته باشم، که فن فیلم را خوب بلدم. و بهمین دلیل هرفیلمم یك سبکی دارد. مثلا از نظر نوع فیلم برداری وانتخاب زوایا باهم فرق دارند . اینها آگاهانه انجام شده است ونتیجتا در سرتاسر فیلم «بابا نان داد» یك پلان از فیلم «غلام ژاندارم» نیست . در حالی که اکثر کسانی که دراین مملکت فیلم می‌سازند، کارهایشان شبیه هم‌است. چون کارشان براساس یك مشت مسائل آموخته شده است و برپایه‌ی فن استوار نیست. پس شمااطمینان داشته باشید که اگر روزی من ناچار شوم فیلمی طنز آلود بسازم، موفقتر از همه خواهم بود، چون می‌دانم کمی‌توانم هرنوع احساسی را درتماشاچی برانگیزم. احساس خشم، عشق، یا عصیان ... اتفاقا راحت‌ترین کار ایجاد عصیان است که باآن مخالفم چون معتقدم که هروقت مردم، عصیانگر شده‌اند، در واقع ویرانگر شده‌اند. درحالی که هیچوقت ، کسی از ویرانی نتیجه‌ی مثبت نگرفته است.

● در حرفهایتان به جنبه‌ی تجاری فیلمها تکیه کردید، علت اصلی روی آوردن شما از فیلم ها ی‌تبلیغاتی به فیلمهای سینمایی همین مورد و درآوردن پول بیشتر نبود ؟

منطقی: نه، من اصلا به فکر پول نیستم. می‌دانید چرا من در «پارس فیلم» کار می‌کنم، چون در آنجا امکانات بیشتری برای کارگردان وجود دارد، و گذشته ازاین ازتجربیات دکترکوشان به‌نحوخوبی من بهره‌برداری می‌کنم. این مرد، خیلی باتجربه است، واقعا در کار فیلم مجرب است و من از اوخیلی درس گرفته‌ام. علت ماندن من در پارس فیلم همین است، در حالی که رقمی بیش از چهاربرابر آن مقدار که من فعلا از پارس فیلم می‌گیرم برای فیلمسازی به من پیشنهاد شده ومن قبول نکرده‌ام. پس من اصلا به پول توجه ندارم. فیلم تبلیغاتی به مراتب برای من از فیلم سینمایی بیشتر پول می‌آورد. همین حالا هم به من می‌گویند که این کار را بکنم. در حالیکه هدف من رفع احتیاج مردم است .

● پس هدف اصلی شما از فیلمسازی بیشتر رفع احتیاج مردم است.

منطقی: بله، من می‌خواهم برای مردم، یك داروی مسکن باشم حالا اگر کسان دیگری هم می‌خواهند داروهای دیگری باشند ، نمی‌دانم. من اجتماع را مریضی می دانم که احتیاج به عمل جراحی دارد، البته یك عده‌یی هستند که شکم پاره می‌کنند، آنها هم کارشان درست است ولی این عمل درلحظه‌ی شروع، دارویی مسکن می‌خواهد که عمل را ممکن کند... کار من ساختن واستفاده از آن داروست، و فعلا ترجیح می‌دهم که این‌دارو را بسازم.

● بنظر شما چطور عامه از یك فیلم استقبال می‌کند واز یك فیلم دیگر نه ؟

منطقی: ما فرض می‌کنیم که یك فیلم، انقلابی برانگیخت ویك رفرم بزرك اجتماعی ایجاد شدنتیجه چیست ؟ نتیجه‌ی همه‌ی تلاشهای انسان ، در هر راهی که انتخاب می‌شود آسودگی مردم است وگرنه اگر قرار باشد که بشر از اول عمر تا به‌آخر در جنك و جدل باشد که بی‌فایده است. و حالا من هم همین نتیجه را گرفته‌ام. من مردم را آسوده می‌کنم، راحتشان می‌کنم ومی‌گویم که این غمی که دارید، بی‌ارزش است.

بنظر من اولین شرط برای ارزش یك اثر هنری اینست که عامه پسند باشد، کما اینکه می‌بینیم که تمام آثاربزرك عالم عامه پسند بوده‌اند . مثلا شاهنامه‌فردوسی، این اثررا درتمام قهوه‌خانه‌ها می‌خواندند درتمام خانه‌ها می‌خواندند و خیلی جاهای دیگر، ولی هرکسی یك برداشتی دارد و طبعا برداشت یك کاسب بابرداشت فلان استاد دانشگاه متفاوت است.

یا مگر آثار حافظ عامه‌پسند نیست، پس مابگوئیم که چون آثار حافظ را مردم زیاد می‌خوانند پس کارش بی‌ارزش است ؟

ما نباید بهر فیلمی که‌فروش خوبی کرد، مهر تجارتی بزنیم و بگوئیم مزخرفست.

بیشتر آثار چون براساس قواره‌های متداول ومردم فهم نبوده شناخته نشده‌اند ودر عوض بسیاری از آثار عامه فهم جاودانه شده‌اند.

● به عقیده‌ی شما فیلم «بابا نان داد» فیلم جاودانی خواهدبود؟

منطقی : از یك‌دید بله.. یعنی فیلم بابانان داد ، اگر سی سال دیگر هم به این صورت بسازند ، مردم خوششان می‌آید. چون چیزی نیست که باعث اذیت و آزار و خستگی بیننده بشود. در حالی که وقتی من پهلوان مفرد را می‌بینم خجالت می‌کشم. اتفاقا پهلوان مفرد را همین چند روز قبل دیدم و خجالت کشیدم. غلام ژاندارم را هم کهمی‌بینم، ناراحت می‌شوم ولی البته کمتر بادیدن «بابا نان داد» هم ناراحت می‌شوم، چون «آب‌نبات چوبی» بنظر من از آن خیلی‌بهتر است ...

تمام

شیر

یك فیلم خوب

● در سینمای تجاری، سینمائی که سه چهارم آثارش را مبتذلاتی اشك‌انگیز و با کمدیهای تهوع‌آور تشکیل میدهند ،وجود تهیه کننده‌ای که همه تلاشش دوری از این روال و چنین جمعی است، مغتنم و هدفش فی‌الواقع جای‌سپاس دارد، چه در شرایطی که باتهیه نوارکهای کم خرج و مبتذل ، می‌تواند انبانی جهت خود بیاندوزد نه‌تنها هزینه گزاف برای تهیه محصولات خود متحمل میشود، بلکه به‌ریسك اضطراب آوری نیز دست میزند، ریسك تهیه فیلمهای نو ، در زمینه‌ای جدی، با حرف وپیام هائی دور از ذهن تماشاگر عامه و سهل‌پسند، آثاری که عدم توفیقشان نه‌تنها توقف فعالیت سازنده‌اش را در پیش دارد، بلکه شکست گام‌های موثر در راه اعتلای هنرواقعی است.

«دکتر طبیبیان» علیرغم جوانی‌اش، باصطلاح ازخیلی پیرها دلدارتر است، اوازاینکه سرمایه‌اش را در طریق تهیه آثار سنگین و جدی بگذارد هراس ندارد وآزادی کامل را به کارگردانش میدهدتا افکار، ایدهها و مسائلش را در مواجهه با اجتماع درقالب تصویر ادا کند ، «آقای هالو» نمونه‌بارز درخشان فعالیت این تهیه کننده جوان‌بود که «داریوش مهرجوئی» آن را ساخت، میدانیم که این فیلم ۵ جایزه سپاس بدست آورد وحالا از همین تهیه کننده بزودی فیلم «شیرتوشیر» را می‌بینیم که شاید دروهله‌اول تهیه فیلمی با مشخصات آشکاری که دارد ، غیر منتظره آید ولی حقیقت جز اینست.

مروری برفعالیت تهیه‌کنندگان در سینمای‌ایران، واقعیتی‌را بازگو میکند، این واقعیت که تهیه کننده فیلم ایرانی به سابقه آثاری که به وجود آورده، فقدان هدف و قصد معین خود را در همه حال در کارنر سینمائی اش ، بروز داده، اگرچه غالبا درزمینه‌تجاری فعالیت



* پرویز کاردان‌نقش اصلی فیلم را ایفا کرده که تیپ آشنائی است و در این تیپ خود ، خوب جا افتاده است . در نقش یك مرد ساده و دست وپا چلفتی کارش فوق‌العاده درخشان است .



شیر تو شیر

از سینمای خوب

کرده، معهذا فرصت‌هائی که می‌توانسته‌طی‌آنها «طریق» و«روالی» در کارش باشد به سهولت از دست داده ودراین بین‌کمتر تهیه‌کننده‌ئی را می‌یابیم که درشروع هرفیلمش، هدف و قصد قبلی خود را بازگو کند واساسا خود بداند فیلمی را که دارد میسازد، به چه منظور و جهت چه دسته‌از تماشاگرانی است.

«دکتر طبیبیان» از معدود کسانیست که این «شم» و«درایت» را دارد واز پیش به ماهیت اثرش و حتی نودرصد نتیجه اثرش وقوف دارد، بالفرض ضمن آن که برای تماشاگر مطلع وآگاه فیلم می‌سازد، از طریق دیگر نیز سعی در ایجاد یك سینمای سالم و سینمائی متفنن دارد. سینمائی که‌در ایران متاسفانه علیرغم اضطرارموجودیت محسوش کمتر تلاش در جهت سالمش صورت گرفته و آنچه نیز انجام شده غالبا ناقص، ناپخته و ابتدائی و کمتر ثمر داده است و فیلم «شیرتوشیر» یکی از بهترین نتایج رواج سینمائی سالم و متفنن است.

«شیرتوشیر» فیلمی در این زمینه است، تا آن حد به عامه می‌پردازد که می‌باید و آنقدر عمیق میشود که‌شایسته است ... بازیگرانش ساده عمل می‌کنند واگر لحظات خنده‌آوری هست. نه بخاطر شکلك های مهوع ونه به جهت جملات و کلمات مبتذل است و در خنداندن ازتاکیدهای‌تصویری وقدرت بازی گری هنرمندانش یاری گرفته است.

داستان فیلم را «بهبهانی و پورمند» برای سینماتنظیم کرده‌اند واز ظرائف فراوانی آن را برخوردار کرده‌اند.

حکایت مردی است ساده و بقول عوام «دست‌ویا چلفتی» که برحسب تصادف، در تنگنا، ناچار از ازدواج با سه زن، با تیپ‌های متضادی میشود وبرای حفظ هرسه تدابیر زیادی بکار می‌بندند که لحظات بشدت خنده‌آور و در عین حال متاثر کننده‌ای را سبب میشود. داستان فیلم درست برگرد



همان مسایلی که ممکن است در زندگی زناشوئی مردم ماپیش بیاید، می‌گردد ودر آن سعی شده که خصوصیات آدمها به آن صورتی که هست و مسایل سنتی این مردم حفظ گردد، این نوع داستان به تجربه ثابت شده که همیشه مورد توجه مردم ما قرار می‌گیرد ، چرا که مردم جزییات این قصه را درست نزدیك به حقیقت می‌بینند .

«پرویز کاردان» نقش اصلی این فیلم را بازی میکند که تیپ آشنائی است و در این تیپ خود خوب جا افتاده است، «کاردان» در نقش یك مرد ساده و دست ویا چلفتی ، کارش فوق‌العاده درخشان است.

سایر نقش‌های این فیلم را این بازیگران بعهده دارند که هر کدام در کارشان محبوبیت ومتبحر هستند، هنرمندان فیلم «شیرتوشیر» که نخستین تجربه سینمائی «منصور پورمند» (نویسنده و کارگردان بیشتر فیلمهای مجموعه سرکار استوار) می‌باشد، اینها می‌باشند:

فخرش خوروش ــ فرشته جنابی ــ الهه الهی ــ مفیدی و یداله شیرالدامی.

فیلمبرداری فیلم را «هوشنك بهارلو» انجام داده است که اخیرا کار درخشان او را «در پستچی» شاهد بودیم واز همین هفته نیز نمونه دیگر وارزنده کارش را در «بی‌تا» مشاهده خواهیم نمود.

موزیك متن فیلم را «بابك بیات» ساخته که طی فیلم نشان میدهد ، برای اینکار مستعدست.

تهیه کننده فیلم همانطوریکه اشاره رفت «دکتر طبیبیان» است و وی فیلمرا برای استودیو کاسپین تهیه کرده و «سازمان سینمائی پیام» نیز عهده‌دار توزیع فیلم در تهران و شهرستانها می‌باشد.

«شیرتوشیر» که از این‌هفته روی پرده سینماهای تهران می‌آید درآن دوآهنك جالب از «پوران» و«داریوش» نیزهست که قطعا از پرفروشترین صفحات روز خواهد شد.



تپلی از خودت بگو

*** من دو سال بخاطر تپلی کار نکردم و دیگر نمی‌خواهم چنین اشتباهی را مرتکب بشوم * آیا به‌بهانه فیلم هنری ساختن من باید کم دستمزد بگیرم * برای تپلی عده‌ای فقط بمن «به به» و «چه‌چه» گفتند اما مگر با این حرفها می‌توان زندگی کرد ...**

گفتگو از : جمشید ارمیان

● سالهای بی‌تفاوتی در سینمای ایران برای «همایون» زیاد بوده است. طی این سالها ، او در هرجور فیلمی بازی کرده و نقش های بی‌اثر وکم ارزشی در این فیلم‌ها برعهده گرفت وشایدهیچکس هم متوجه این نکته نبود که «همایون» بلکه بتواند بهتر از این بازی کند، بهتر از این استعداد داشته باشد ودست آخر بتواند نمایشگر یک دگرگونی درایفای نقش‌هایش باشد.

تااین که «تپلی» ساخته شد و به بازار آمد و اتفاقا مورد توجه هم قرار گرفت . اما این موضوع از طرفی هم موجبات خوشحالی همایون را فراهم ساخت و هم اورا تا حدودی از مسیر دستمزدی که قبلا میگرفت یعنی قبل از ایفای نقش «لنی» در«تپلی»، دور کرد، بعبارت دیگر باو دستمزد کم‌پیشنهاد دادند چون فیلم هنری بود:

«من پس از تپلی قرار شد که دیگر درفیلم‌های الکی بازی‌نکنم. بعد که‌قرار شد بازی کنم بمن گفتند چون فیلم هنری و قشنگ است باید دستمزد کم بگیری ! بنده بیایم سالی یکی دو فیلم هنری بازی‌کنم آنهم با دستمزد کم ؟»

پس باین ترتیب «همایون» ترجیح داد که دوباره همان شیوه وسبک سابق و قدیمی‌را پیش بگیرد باین نحو که:

«حالا میخواهم به جبران اشتباه یکی دوسال گذشته در چند فیلم پشت سرهم بازی بکنم. من دو سال تمام کار نکردم آنهم بخاطر فیلم «تپلی» یعنی میخواهم بگویم در سطح «تپلی» کار نکردم. اولا مگر ما چندتا کارگردان هنری ساز داریم و درثانی آیا این فیلمی که آنها در عرض یکی دوسال میسازند رلش حتما بمن میخورد؟ من دیگر نمیخواهم فقط دوسال یکبار ، آنهم در چنین فیلمی بازی کنم . آدم باید هرجور کاری بکند، هم هنری وهم تجاری ، تا خودش را تامین کند والبته یکی دوتا فیلم هنری هم در عرض سال‌بازی بکند که‌اگر دستمزد کم هم باو دادند بجائی بر نخورد!»

اما در عین حال همایون از موفقیت فیلم تپلی هم خیلی راضی شد، هرچند که از نظر مادی باو فشار وارد آورد، اما نمی‌تواند خوشحالی خود را از موفقیت فیلم پنهان نگاهدارد.

«واقعا خوشحال شدم. مثل این بود که برنده شده بودم. بااین که خدا دوباره بمن بچه جدیدی داده بود. این موفقیت درهرصورت خوشحالی زیادی برای من ببار آورد. آنقدر که در سینما از بازی این نقش احساس رضایت کردم در تلویزیون احساس رضایت‌نداشتم چون آنجا محدودیت داشتم وهمیشه آرزومیکردم این‌نمایشنامه‌هم روزی فیلم بشود و من بتوانم بهتر خودم را نشان بدهم، البته اگر چیزی بارم هست !

آرزوی همایون طولانی بود، چون بقول خودش ده سال گذشت تا آنکه سرانجام فیلم تپلی وسیله «میرلوحی» ساخته شد و در این مدت همایون روی نوشته‌های جان اشتاین‌بک بخصوص «موش‌ها و آدم‌ها»ی این نویسنده کار کرد ، مطالعه کرد تاآن که توانست به آرزوی ده ساله خودش برسد،ولی:

«... اما این فیلم ۵۰٪ مرا راضی کرد. میشد بهتر از این ، آنرا تهیه کرد، امکانات کافی نداشتیم. به هوای خراب شمال برخورد کرده وامکانات کاری و محیط بدبود مثلا کارخانه دراختیار ما نبود و نمی‌توانستیم توی دکور هم آن محیط را خلق و بازی کنیم. بهرحال من فکر میکنم پنج یا ده سال دیگر بتوانم آنرا با برداشت بهتر و جالب‌تر دوباره فیلم کنم. البته‌باید اضافه‌کنم که‌برداشت میرلوحی هم خیلی خوب بود، اما خود او وبچه‌های‌دیگرهم درحدود پنجاه درصد از این فیلم راضی هستند.»

موفقیت نسبتا تجاری «تپلی» موجب شد که برای ایفای چنین نقش‌هائی به «همایون» روی بیاورند ولی این پیشنهادها نه تنها هرگز جامه عمل نپوشید بلکه‌باعث شد که ضرر مادی دیگری هم به همایون وارد بشود، یعنی این که همایون مجبور شد سه پیشنهادی را که در مورد سه فیلم بقول خودش «سطح پائین» باو شده، رد کند و دوسال فیلم بازی نکند.

«فقط یک عده‌ای بخاطر تپلی بمن «به به و چه‌چه» گفتند و دیگر هیچ. پس چه فایده‌ای‌برای من داشت ؟»

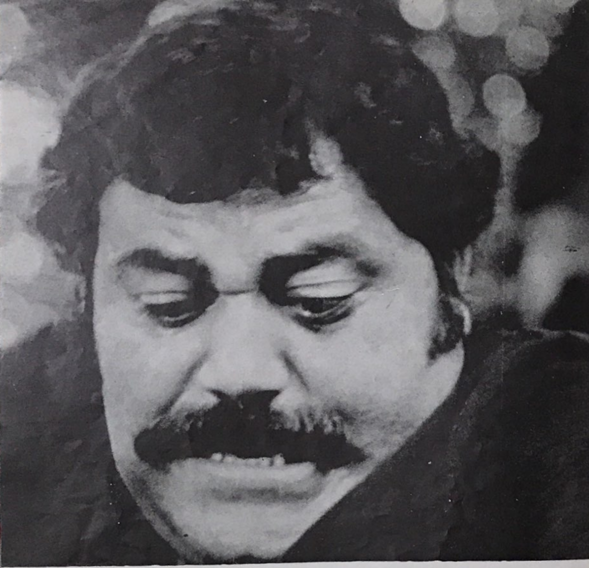
***

همایون قبل از آن که در سینما به فعالیت بپردازد، ایفاگر نقش‌های کمدی درتئاتر بوده‌است. خودش نمیداند چگونه یک کمدین شد، فقط مساله جلو رفتن درتئاتر برایش مطرح بود وبس. این بود که در تئاتر به‌ایفای نقش‌های کمیک پرداخت، باز بقول خودش «این نقش‌ها رویمان ماند». اولین کار حرفه‌ای همایون در تئاتر نمایشنامه «هزار ویک شب» بودکه درسال ۱۳۳۶ روی صحنه آمد و باین ترتیب کار او در تئاتر تاسال ۴۳ بطول انجامید و دراین مدت بیش از پنجاه نمایشنامه بازی کرد که خودش در مورد آن سالها میگوید:

«اولین کار حرفه‌ای من‌هزار ویکشب بود. بعداز دوماه بازی در نمایشنامه «عاشق گیج» رقص‌مهوش را هم به آن اضافه کردند و سه چهار ماه هم با او بازی کردیم، اکثر نمایشنامه‌های من تجارتی‌بود وتنها من سه‌چهار پیس را دوست داشتم: موش‌ها و آدمها که در تلویزیون بازی کردم ــ علی‌بابا در تگزاس ــ عاشق بازنشته و عاشق گیج .

من واقعا عاشق تئاتر بودم و هنوز هم این عشق در رگ وپی من باقی مانده. گرچه من بیشتر در تئاترهای سوژه‌ای وبه‌اصطلاح فی‌البداهه بازی میکردم ، اما شدیدا به‌آن عشق می‌ورزیدم . من پول آبگوشت و چائی هنرپیشه‌ها را می دادم که‌پیس علم بشود وروی صحنه بیاید.

هنوز هم عشق تئاتر از سرم بیرون نرفته. من‌اکنون حاضرم در نمایشنامه خوبی بامشکل‌ترین رلها مجانی بازی کنم چون سینما آن حدی که تئاتر مرا ارضاء کرده، راضی نکرده است. سالهائی که در تئاتر بازی‌کردم‌جزو بهترین روزها وسالهای زندگی من محسوب می‌شود. واقعا روزهای خوشی بود. آن محبت و علاقه بچه‌ها در پشت سن هیچوقت فراموش شدنی‌نیست.»



در مورد کمدی و هنرمندان کمدی همایون میگوید:

«کمدی بازی کردن کار مشکلی است . خنداندن مردم با موندهای مختلف خیلی سخت‌است. آکتور کمدی باید بداند که چگونه و چه جور می‌تواند مردم را بخنده بیاندازد. هنرپیشه درام اگر کمی نرمش داشته باشد و بیانش گرم باشد چون قبلا تمرین کرده بهتر می‌تواند تماشاگر را جلب کند.

اما هنرپیشه کمدی همان‌لحظه و آن، اجر و مزدش را میگیرد یعنی اگر مردم فورا خندیدند ، پاداش خود را گرفته. من بعضی شبها پشت صحنه‌از خودم می‌پرسیدم چرا امشب مردم نخندیدند و علتش چه بود ؟

من کمدی را از دریچه چشم مردم می‌بینم . کمدی را من‌خیلی دردناك می‌بینم. کمدی در سینما یك‌جور است در تئاتر جور دیگر. کمدی تکنیکی داریم و کمدی فی‌البداهه. کمدی تکنیك مثل فیلم های «پیتر سلرز» کمدین باید شیرین و جذاب باشد. تماشاچی‌باید اورا قبول داشته باشد. مثلا مردم ظهوری را یك کمدین می‌شناسند. واز اول تا آخر فیلم از دست او ریسه میرفتند . یا نورمن ویزدم‌که خودش را میسازد.

من عاشق لورل وهاردی بودم وپیرو کارهای این دونفر وتفکری به سینما آمدم. پیس‌های تفکری را هرشب میدیدم و کیف می‌کردم.»

نظر همایون در مورد بازیگرانی که قبلا در تئاتر بوده‌اند و حالا در سینما به فعالیت پرداخته‌اند، یك نظر تائیدآمیز است چرا که :

آنهائی که اکنون در سینما موفق هستند از تئاتر آمده‌اند یعنی خون تئاتر در رگهای آنها بوده و هنرپیشه‌های تئاتر اکثرا موفق بوده‌اند مثل نصیریان، انتظامی ، فنی‌زاده ، میرلوحی، عقیلی ، وطن پرست و... من فکر نمیکنم کسی بتواند از گرد راه برسد و بگوید من می‌توانم این رل را خوب بازی کنم. ولی متاسفانه الان هرکسی جلو دوربین می‌آید، قبلا تمرین نکرده و صبح در یك فیلم بازی می‌کند وبعداز ظهر در یك فیلم دیگر!! این کار یك‌جور انجام وظیفه شده».

همایون در مورد موقعیت سینمای کمدی در ایران نظر خوشبینانه‌ای دارد و معتقد است‌که فیلم‌های کمدی هنوز فروش خوب

بقیه درصفحه ٤٤


ژاله کریمی ستاره فیلم مرد و دو زنه



در محافل سینمائی اروپا چه خبر؟

از : فریدون م. صالح
خبرنگار فیلم وهنر در آلمان

● از این هفته هرچند یکبار دراین صفحه از لابلای مطبوعات اروپا جالبترین خبرها و رویداد‌های سینمائی برای علاقمندان جمع آوری وترجمه میشود که امید است مورد توجه آن دسته از خوانندگان عزیزی که خواهان مطالب بحث روز محافل سینمائی هستند قرار گیرد.

در فصل سینمائی امسال که مدتی از شروع آن گذشته فیلم‌های جالبی روی اکران سینماهای اروپا آمده و خواهند آمدکه جا دارددر اینجا نامی از آنها برده شود ، زیرا انتظار دیدن فیلم‌های خوبی دراین فصل میرود که بطور یقین در موقع نمایش مورد جر وبحث منتقدین سینمائی قرار خواهند گرفت منجمله‌فیلمی است‌از (آلبرتو لاتوادا) بنام (گناه) با شرکت سوفیالورن که در آن رل راهبه‌ای را بازی میکند که فریب رئیس اتحادیه کارگران صنایع ایتالیا را خورده واز اوحامله میشود. داستان فیلم از روی یك نوشته تاریخی از قرن نهم اقتباس شده است.



✽ رمی‌آشنایدر در صحنه‌ای ازفیلم «لزاز وروزالی»

دزدان هوائی وسرقت هواپیما ها که این روزها در همه‌جای‌دنیا مد روز شده موضوع مورد بحث فیلمی است بنام **(آخرین ایستگاه جهنم)** باشرکت (چارلتون هستون) ـ این فیلم در تهران بانام «سرقت هواپیما» روی‌پرده است ـ وهم ـ چنین موضوع انتخابات درامریکا درفیلمی‌بنام (کاندید، بیل‌مک‌کی) مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد.

از زمانی که فیلم (پدر خوانده) ، **مارلون براندو** درباره زندگی اعضاء خانواده مافیا، با فروش سرسام‌آورخود، مورد توجه زیاد مطبوعات دنیا قرار گرفته و مدتی مورد بحث بود فیلم‌های مافیائی هم مد روز شده از جمله فیلمی بنام **(دلقکی که دشمنانش را زنده لای دیوار میگذارد)** که از شرکت‌های ساختمانی یك شهر ایتالیائی تعریف میکند وهمچنین فیلمی بنام **(رئیس مافیا)** باشرکت **(ماریو آدورف)** که در آن رل یك گانگستر ناچیز و کوچکی را بازی میکند که مورد سوء ظن و تعقیب عده‌ای آدمکش قرار میگیرد وهمین امر باعث میشود که‌بصورت یك جانی خطرناك وبی‌رحم در بیاید.

از فیلم‌های سرگرم کننده و پرماجرا که‌امسال انتظار دیدن‌آنها میرود میتوان از فیلم **(بوی شیطان با آوآماریا)** باشرکت‌ریتاـ **هیورث و روبرت میچم** نام‌برد و همچنین **چارلز برونسون** ، **جك پالانس و لی‌وان کلیف** باز روی پرده سینما بعنوان (مردان بی‌باك) خودنمائی خواهند کرد.

علاقمندان خواننده معروف اپرا (آناموفو) او را در فیلمی بنام **(کنسرت برای یك هفت‌تیر)** خواهند دید همچنین (پول‌براینر) بازیگر یك فیلم پلیسی است بنام **(مرگ با پاشنه بی‌صدا میاید)** ـ **راکوئل ولش** درفیلم (بب‌کانزاس سیتی) و **اورسولا آندرس** درفیلم (محل ملاقات ، فرودگاه لندن) مورد ستایش علاقمندان خود قرار خواهند گرفت.

از فیلم‌های جاسوسی و پر هیجان امسال میتوان از فیلم (عقرب) باشرکت برت‌لنکستر، آلن دلون ، **پل‌اسکافیلد** نام برد ـ و همچنین علاقمندان‌موسیقی میتوانند امسال **هورست بوخهولتز** را در رل سلطان والس وین (یوهان اشتراوس) ببینند.

در فیلم پلیسی **(رئیس)** از **(ژان پیرمل‌ویل)** سازنده فیلم (دایره سرخ) آلن‌دلون رل یك پلیس پاریسی را بازی میکند که جانی باهوشی را بایستی دستگیر کند، رل مقابل دلون را در این فیلم **(کاترین دنوو)** بازی میکند.

از فیلم‌های نقاشی متحرك و سرگرم کننده‌ایکه امسال نمایش داده خواهد شد میتوان از فیلم **(لوکی کوك)** نام برد که فیگور اصلی این فیلم لوکی کابوی‌معروف است که از سایه خودش سریعتر تیراندازی میکند. از موسسه والت دیسنی فقید فیلمی جالب توجه‌شان داده میشود بنام **(جادوگران‌جور در تختخواب های پرنشان)** که از زندگی یك کدبانوی انگلیسی حکایت میکند که بوسیله نامه درس جادوگری خوانده و یك جادوگر آماتور میشود که البته اتفاقات و ماجراهای جالبی بوجود میآورد.

در زمینه فیلم‌های سکسی با وجودیکه بازار آن هنوز گرم است فیلم های کمتری نسبت بسال‌های گذشته در فصل سینمائی امسال‌عرضه میشود که چندتائی از آنها قابل توجه هستند منجمله فیلمی بنام (قصه‌های جالب پاسولین) و فیلم امریکائی (شکایات پاورتنویز).



✻ هربرت راس باراکل‌ولش‌ستاره سکسی ازدواج میکند .



✻ ادری‌هپبورن و معشوقه‌فرانسوی تازه‌اش هربرت‌دگیونش!



✻ سوفیا لورن در راهبه آلبرتولاتوادا



✻ رابرت‌ردفورد (کاندیدا بیل‌مك‌کی)

خبرهائی از ستاره‌های محبوب

● این طور که از ظواهر امر پیداست ، مثل اینکه از شوکی که‌ادری هپبورن ستاره ٤٣ ساله امریکائی از ازدواج اخیر خود با رواتشناس ایتالیائی (آندره‌ادوتی) به او دست داده بود رهائی پیدا کرده‌است چون این روزها همه‌جابا میلیونرفرانسوی (هربرت‌دگیونش) درمحافل ظاهر میشود. دراین عکس آدری هپبورن با دوست جدید خود در سنتژان کاپ فرانت دیده میشود بطوریکه در محافل سینمائی گفته میشود گویا عشق شدیدی بین آندو بوجود آمده که حتما منجر به‌ازدواج آندو خواهد شد .

● راکوئل ولش ستاره ٣٦ ساله امریکائی‌برای اولین‌باربارفیق جدیدش، کارگردان ٥٣ ساله‌امریکا هربرت رس در مقابل دوربین عکاسان جراید قرار گرفت. راس کارگردانی آخرین فیلم راکوئل ولش‌را بنام (آخرشاپلاس) بعهده دارد، آنهم با پافشاری ولش چون قبلا قرار بود این فیلم را (تونی پرکینز) کارگردانی‌نماید.

دراینجا عکس این دو که خیال دارند بعد از اتمام فیلم باهم ازدواج کنند در تعطیلات آخر هفته در (پتزا) دیده میشوند .

گزارش فیلم

از : پیرایه

بیگانه‌ای که دوستش داریم

کارگردان : دان‌سیگل

دخترکی در حالی که سبدی در دست دارد ازجنگل وهم‌انگیزی شبیه دنیای خواب میگذرد و وارد قسمت واقعی جنگل می‌گردد (این فصل آغاز فیلم است) برخورد دخترك با گروهبانی شمالی به‌منزله بیداری جنسی دخترك است «ایمی» ۱۲ ساله با بوسه‌ی آقای شمالی نخستین احساس جنسی خود را تجربه می‌کند . و از خواب و دنیای بچگی قدم بدنیای جوانی و واقعی می‌گذارد و این بیداری برای دیگر دخترها هم بوجود می‌آید و آنهاهم مانند دختر افسانه‌ای داستان پریان با ورود گروهبان شمالی از خواب بیدار می‌شوند ... «ایمی» در جنگل در پی یافتن قارچ است که به «گروهبان»شمالی برمی‌خورد.

قارچ‌های خوراکی و قارچ‌های سمی همیشه کنار هم می‌ـ روبند مثل خوبی و بدی مثل مرك وزندگی . زمین وعوامل طبیعی دیگر در سمی بودن یا نبودن قارچ‌ها موثر هستند وگرنه قارچها به تنهائی نه بد و نه خوب هستند واین سخن فیلمساز در مورد آدمها است و درطول فیلم خوبی وبدی کنارهم در نهاد کاراکترهای فیلم بچشم می‌خورد . سخن دیگر دان‌سیگل در مورد مرك وزندگی است که همیشه از آغاز تولد مرك همراه زندگی بوجود میآید هرموجودی که زاده میشود به یقین خواهد مرد . مثل قارچ‌های خوب که همزاد سمی دارند و زندگی که مرك همزاد او است «گروهبان شمالی»همراه «ایمی» به پشت در باغ مدرسه‌میآیند و مرد به مدیره مدرسه میگوید که به کمك خداوند و دخترك نجات یافته است . نجات از مرك‌شکنجه واسیر شدن . اما حقیقتا او مرك را مغلوب کرده است . بهشتی که «گروهبان شمالی» در قلب این سرزمین جنك‌زده توسط دخترك بآن راه یافته است واقعا جای امن وراحتی است . در پایان کار می‌بینیم که فرشته نجات به فرشته مرك مبدل میگردد و بهشت «گروهبان» به جهنم عذاب و درد مبدل میشود (صحنه قطع پای گروهبان) . وپس تله مرك او در همین بهشت گسترده میگردد .. «گروهبان شمالی» مرد باهوش و زرنگی است و زود موقعیت خود را درمی‌یابد و خیلی خوب باهردختری رفتار متناسب با روحیه‌اش را دارد به مدیره مدرسه درباره زخمی شدنش و خودش دروغ می‌گوید . بصحنه گفتگوی این دو دقت کنید که چطور گروهبان «جان» از پیله‌ای که خانم «مارتا» مدیره مدرسه بدور خود تنیده است گذشته و راهی به دنیای درونی او پیدا می‌کند این رخنه را مابخوبی در فصل رویا شبانه «مارتا» می‌بینیم تاثیری که گروهبان «شمالی» بروی او دارد علیرغم رفتار ظاهری «مارتا» شدیدتر از دیگران است و بخاطر این شدت تمایل انتقام او شدیدتر از دیگران است . «گروهبان» «ادوینا» دختر ساکت و محجوب را هم با زرنگی فریفته خودش می‌کند (به صحنه خوردن صبحانه و سپس قدم زدن در ایوان توجه کنید درهردو مورد «جانی» خود را به ضعف و ناتوانی میزند تا کمك و دلسوزی «ادوینا» را جلب‌کند و با «کارل» هم همان‌طور که او می‌خواهد کنار می‌آید اما «گروهبان» با تمام زرنگی که برای حفظ خود وموقعیتش دارد دچار اشتباه می‌گردد اولین‌بار این اشتباه را در مورد «کارول» و «ادوینا» مرتکب میگردد بستن دستمال آبی توسط «کارول» اخطاری است برای «گروهبان» که از شدت طمع خود بکاهد و فقط یکی از دخترها را برای دوستی انتخاب کند اما محرومیت در سالهای جنك باعث عدم توجه باین اخطار می‌گردد برای او تمام دخترها می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند او نه‌تنها جسما خیال استفاده از آنها را دارد بلکه از وضع خاص هرکدام درصدد بهره‌برداری برمی‌آید .

پس از خوردن شراب همراه «مارتا» و اطمینان از تحکیم موقعیت‌خودنزد مدیره مدرسه‌رفته وماگروهبان رادر رویای‌خوشی فرو می‌بینیم سه زن در سنین متفاوت او را از عشق ولذت سیرآب می‌کنند و او حاکم بلامنازع این بهشت است . «جانی» می‌خواهد به رویایش تحقق ببخشد . وسوسه «کارول» «گروهبان» را به بستر او می‌کشاند و او بار دیگر اشتباه می‌کند و این بار برایش گران تمام می‌شود «کارول» با بستن دستمال آبی بدر مدرسه و باخبرکردن سربازان از وجود «گروهبان شمالی» در مدرسه در صدد انتقام برمی‌آید اما «ادوینا» دچار خشم آنی می‌گردد و «جانی» را از پله‌ها پائین می‌ـ اندازد و بشدت آرزوی مرك او را می‌کند (اما بعدا ما می‌بینیم او تنها کسی است که در توطئه مرك «جانی» دخالتی ندارد و تنها کسی، است که در مرك او گریه می‌کند.) سکوت وآرامش «مارتا» در این صحنه عجیب است در حالیکه ما دررویای او شاهد هم‌بسترشدن «جانی» با او سپس معاشقه جانی با هردو «مارتا» و «ادوینا» و بعد از‌آن‌معاشقه «مارتا» و «ادوینا» باهم بوده‌ایم . این سکوت آرامش قبل از طوفان نیست ؟ خشمی را که «ادوینا» ظاهر می‌کند «مارتا» بروز نمی‌دهد اما دست به‌کاری میزند که دیگران حتی از دیدن آن دچار وحشت می‌شوند . دیگران کم و بیش آدم‌های سالمی هستند اما «مارتا» یك زن استثنایی است زنی که با برادرش همبستر گردیده شخصیتی سوای دیگران دارد او انتقام توجه به زن دیگر را از مرد چه برادر وچه‌غیره با نقشه‌های شیطانی میگیرد (ما نمی‌دانیم واقعا بسر برادر «مارتا» چه آمده است .)

ـ «مارتا» ظاهرا برای نجات زندگی «جانی» تصمیم به قطع پای او میگیرد و دیگران را قانع می‌کند اما درحقیقت او از «جانی» یك نیمه‌مرد می‌سازد به صحنه شام خوردن جانی با دخترها برمی‌گردیم و بیاد سخنان «جانی» درباره پاهایش می‌افتیم «جانی» به پاهایش مباهات می‌کند کارهائی که او با پاهایش می‌کند مردان دیگر کمتر بآن مبادرت می‌کنند از جمله رقصیدن ، هیچ‌کس به تنهائی نمی‌رقصد در انجام عمل رقص همیشه به‌وجود دو نفر نیازهست یك زن ویك مرد «جانی» بفکر تشکیل کلاس رقص است دخترها از این فکر استقبال می‌کنند بدون شك پاهای «جانی» برای همه از جمله «مارتا» سمبل مردانگی و رقصیدن او با دخترها عمل جنسی است چیزی که «جانی» به اتکاء آن در مدرسه حکومت خواهد کرد ... «مارتا» در واقع فرصت می‌یابد که نه تنها انتقام هم‌بستر شدن «جانی» و «کارول» را بگیرد بلکه با این عمل او را برای همیشه در اختیار خواهد گرفت کمتر زنی به مرد یك‌پا توجه جسمانی می‌یابد مگر دختری با اخلاق خاص «کارول» که حتی با مرد بدون پا یا شاید بدون «دست» ویا هرشکلی که مرد داشته باشد هم‌خوابه می‌گردد . «مارتا» عشق «ادوینا» را جدی نمی‌گیرد . و نمیداند که «ادوینا» واقعا «جانی» را دوست دارد ...

در صحنه‌ی قصابی «مارتا» او واقعیت دیگر وجودش را نمایان می‌سازد کار فیلمساز در جان دادن به‌صحنه دیدنی است گرچه بهره‌های پشت تماشاچی یخ میزند ... «مارتا» به آنچه باعث برتری «جانی» است لطمه میزند و «جانی» در مقابله با این وضع سخت متزلزل می‌گردد و جنبه دیگر شخصیتش ظاهر میشود وقتی «جانی» در کشوهای کمد «مارتا» به اسرار پنهانی او دست می‌یابد برای اولین بار دست زشت پر از جای زخمهای سوختگی او را می‌بینیم (این دست را در آغاز ورود او در دست «ادوینا» که نبضش را گرفته است دیده‌ایم دست از دود انفجار سیاه شده است وپوست واقعی‌اش دیده نمی‌شود شاید پوست سالمی زیر این سیاهی باشد وشاید هم نه) و درمی‌یابیم که او کار بدی را شروع کرده است و خشونتی که بعد از آن از اوبروز می‌کند در واقع بگردن «مارتا» یا شراب نیست (این را بعدا «جانی» می‌گوید) هرکسی جمع اضداد است «جانی» نمی‌تواند استثنا باشد فقط شدت و ضعف خوبی وبدی در اشخاص فرق می‌کند ... «جانی» لاکپشت محبوب «ایمی» را در عین خشم پرتاب می‌کند مرگ لاکپشت نفرت «ایمی» را برمی‌انگیزد گرچه فقط گریه می‌کند . اما بعدا برای دام مرگی که «مارتا» برای «جانی» می‌گستردطعمه می‌آورد. «جانی» و «ادوینا» هردو نفرت خویش را پنهان نمی‌کنند . اما «مارتا» و «ایمی» تنفر خویش را نگاه میدارند و انتقام لطمه‌ای را که خورده‌اند می‌گیرند .

«ایمی» فرشته نجات «جانی» مبدل به فرشته مرگ او میگردد اگر گردش اولیه «ایمی» باعث نجات «جانی» میشود رفتن این‌بار او به جنگل به خاطر تهیه تدارک مرگ او است «ایمی» دخترک مهربان کمک‌کننده و دوستدار حیوانات و پرستار کلاغ زخمی که در خاک سپردن پای قطع شده «جانی» شرکت نمی‌کند تحت شرایط وعوامل خاصی به قتل او کمک می‌کند .. «جانی» نهانی‌ترین اندیشه‌های«مارتا» را بازگو می‌کند و به اسرارش دست می‌یابد و این عفونت مرگ دارد آن هم از بدترین نوعش و اشاره به لکه‌های سیاه روح درست حکم لگد کردن زخمهای عمیق جسمی را دارد کوچکترین اشاره به زخم آه از نهاد انسان برمی‌آورد حالا اگر کسی آنرا زیرپای خود فشاردهد دیگر حدی برای درد نیست «جانی» «مارتا» را می‌آزارد (به‌صحنه‌ای که«جانی» دخترها را ازهمه‌چیز مطلع می‌کندتوجه کنید) اما«مارتا» بازهم خونسردیش را از دست نمی‌دهد نفرتش را فرو می‌خورد وضع موجود ترحم دخترها را باو جلب می‌کند «مارتا» جواب‌سیلی «ادوینا» و جواب سخنان «جانی» را سرمیز شام و در صحنه آخر دوختن کفن «جانی» میدهد اما به طریقه خودش . بازمینه‌سازی که می‌کند برای دخترها راهی به جز کشتن «جانی» نمی‌ماند . برای «ادوینا» و «جانی» مسئله به خوبی تمام میشود شام آشتی‌کنان و دوستی است «جانی» از غذای محبوبش لذت می‌برد «ادوینا» شریک این لذتمی‌ـ گردد اما «مارتا» شاید به خاطر علاقه‌ای که به «ادوینا» دارد وشاید هم به خاطر احتیاجی که باو در اداره مدرسه دارد ازمرگ اوجلوگیری می‌کند «جانی» در مقابل چشمان خونسرد دخترها مسموم میشود و آنها آرام به خوردن ادامه میدهند وقتی هم که دخترها بدنبال«ادوینا» و جانی قصد رفتن می‌کنند به فرمان «مارتا» از رفتن منصرف می‌شوند. و او را رها می‌کنند که در تنهائی بمیرد ما را بیاد صحنه ورود جانی می‌اندازد که همه دخترها به بهبودی و نجات «جانی» کمک می‌کنند .

دخترها خونسرد مشغول دوختن کفن هستند در حالیکه جانی با چشمان باز آنها را نگاه می‌کند . راستی اینها همان دخترها هستند که او را روی دست تا ساختمان مدرسه حمل کردند و او بارضایت خود را بدست آنها سپرده‌بود (زیباترین سربازان دشمن) «ادوینا»تنها دختری که در مرگ «جانی» گریه می‌کند چاره‌یی جز تسلیم ندارد و «مارتا» انتقام سیلی خوردنش را از او می‌گیرد «ادوینا» در این اندوه تنهاست دیگران دفن کردن «جانی» را خیلی راحت انجام میدهند و معلوم است که نبودن او وقفه‌ای درزندگی‌آنها ندارد درس فرانسه باید خوانده شود برای «ادوینا» دیگر بازگشتی نیست شاهزاده او را بیدار و سپس او را دراین بیداری تنها رها کرد دختر های دیگر باز به خواب زمستانی میروند تا بازهم شاید رهگذری راهش را گم کند و برای زمانی چند آنها را از خواب بیدار کند. اما «ادوینا» را دیگر خوابی انتظار نمی‌کشد «جانی» برای او واقعا شاهزاده رویاهایش بودند . فقط یک مرد .. در پایان فیلم بعد از دفن «جانی» بوسیله دخترها نمای بیرون مدرسه در یک پلان از دور بنظر میرسد وما رایاد ورود «جانی» بهمین محل می‌اندازدآن‌زمان سرزتر و زنده‌تر بود و حالا گرفته و عبوس بنظر میرسد . بهشتی که می‌تواند گورستان باشد و فرشتگانی که می‌توانند دژخیمان مرگ باشند . فیلمساز در پرداخت آنچه اندیشه او درباره دنیا ومردم آنست موفق است. پرداخت «دان سیگل» کاملا سینمائی و جذاب است حرکات دوربین در خدمت تم فیلم بکارگرفته شده است . کارگردان یک سینماگر حرفه‌ای است . فیلم یک لحظه بی‌تحرک نیست (چه تحرک ظاهری چه باطنی) و ذهن تماشاچی را در تمام مدت فیلم دراختیار می‌گیرد (حتی تماشاچی های وطنی را) و این جوهر سینما است که فیلمساز بآن دست یافته است سینمای خالص ، ناب و هوشمندانه .

ایرج صابری

بزرگمرد کوچک

ساخته‌ی : آرتورپن

● «آرتور پن» فیلمسازی است نه چندان جوان که با افکاری‌نو از تاتر به سینما آمده است ـ البته در سینمای او کمتر بعلائق‌تاتری وی‌برمیخوریم .

نخستین کار او در سینما ، فیلم «تیرانداز چپ‌دست» است ـ وسترنی غیر متعارف که تمایل سازنده‌اش را به سنت‌شکنی آشکار میسازد .

«پن» آشکارا سعی می‌کند خود را از تاروپود قراردادهای رایج سینمای امریکا برهاند وکوشش او برای حفظ واقعیت ونوعی رئالیسم، به سینمای او سنگینی وسکونی غیرعادی میدهد . روی این نظر کارهای اولیه او را ابتدا نه تماشاچی می‌پذیرد ونه تهیه‌کننده و «پن» سرخورده مجددا روانه تاتر و تلویزیون میشود .

مراجعت مجدد او به سینما با اعانت سوپراستارهائی چون «مارلون براندو» امکان پذیر میگردد و اینبار اوهم کمی نرمش از خود نشان میدهد . «تعقیب» نخستین فیلم پرفروش اوست که موقعیتش را در سینما مستحکم میسازد و با فیلم «بانی وکلاید» او بعنوان یک فیلمساز تاپ‌روز شناخته میشود و مشرین سینما را بیاد فیلمهای گذشته او می‌اندازد «پن» در سینمای خود تمایل فراوانی برای لمس ودرک واقعیتهای زندگی نشان میدهد و برای حصول این منظور او به‌تجلیل از خشونت می‌پردازد و آنرا بعنوان عاملی پذیرفته شده در زندگی مطرح می‌نماید . این فیلم او ظاهرا حالت بیوگرافی دارد و قهرمان او «جک کراب» (داستین هوفمن) پیرمردی است یکصد وبیست و یکساله ـ و تمام فیلم نمایش خاطرات وشرح زندگی اوست .

«پن» برای حفظ و رعایت رئالیسم درسینمای وسترن‌تنها چاره‌ای که بنظرش رسیده ـ این بوده‌که قهرمان فرسوده خود را جلوی دوربین و کار ضبط‌صوت بنشاند و او را به‌بازگو نمودن خاطرات گذشته‌اش وادارد ـ وما می‌بینیم که «جک‌کراب» در کودکی‌خانواده خود را در طی یک یورش سرخپوستان از دست میدهد وخود بدست

بقیه در صفحه ۴۷

نقد و منتقد در ایران ...

از : ایرج صابری



منوچهر جوانفر:

* من در ایران کسی را بعنوان منتقد قبول ندارم .

* من فکر می‌کنم در آینده نقد فیلم بکلی از بین برود .

* منتقد باید تکلیف خودش و خواننده را نسبت به فیلم روشن نماید .

* محافظه‌کاری پرویز دوائی را در نقد فیلم نمی‌پسندم .

جوانفر — بعقیده من سینما را نمیتوان عینی قضاوت نمود — یعنی اینکه ازآن دور شد وبی‌آنکه تحت‌تاثیرش قرار گیریم بخواهیم آنرا بررسی نمائیم واین کاری‌است غیرممکن . سینما مثل هر هنر دیگری از طریق حواس وعواطف روی ماتاثیر می‌گذاردوهر نتیجه‌ای که ما ازآن میگیریم تابع‌احساسات و عواطف ماست . روی این نظر برای‌من مطرح نیست که کسی نظر مرا قبول داشته باشد یانه و برای همین دیگر نمی‌نویسم چون نظرم را خصوصی و برای خودم میدانم .

سینمای دلخواه من

درمورد سه کارگردان من شدیداً متعصبم — متعصب به مفهوم بدوی و جنگلی آن که تابع هیچ منطقی نیست من هیچوقت نمی — گویم کار فلان فیلمساز خوب‌است یانه ؟ برای من یك کارگردان ، یافیلمساز هست یا نیست مثلاً«مایك نیکولز» را فیلمساز نمیدانم . نه فیلمش را می‌بینم و نه‌درباره‌اش میخوانم و نه‌فکر می‌کنم .

«هیچکاك» «فورد» «برگمن» فیلمسازانی هستند که من کارهای آنها را می‌پسندم و از هر فیلمی که ساخته‌اند لذت برده‌ام — و ممکن است شما بگوئید مثلاً «فورد» فیلمساز خوبی نیست . من با شما بحث نمی‌کنم چون این نظرشماست و اجباری نیست که حتما نظر مرا قبول نمائید — و شاید علت اینکه من دیگر به‌انتقاد ، اعتقادی ندارم روی همین اصل باشد که نمی — خواهم نظرم را بدیگران بقبولانم —چون معمولا منتقد نظر شخصی خود را بیان می‌کند و مفاهیم‌فیلم فقط از نظر او معنا پیدا می‌کندو دلیلی ندارد که همه آنرا قبول نمایند واین خیلی خودخواهانه‌است که منتقد بخواهد نظرش را بهمه تحمیل کند .

فکر می‌کنم تمام منتقدین گرفتار نوعی خودخواهی هستندو میل دارند از تماشاچی متمایز باشند .

بعضی از منتقدین ، مثل‌اینکه نمیخواهند درك و شعور خواننده خود را بالا ببرند و بیشتر می — خواهند خودرا عرضه نمایندونشان بدهند که تا چه حد می‌فهمند بنظر من این دسته از منتقدین موفق نخواهند بود منتقد باید خودش قبلا فکر کند که آیا مطالبی راکه بعنوان نقد مطرح می‌کند آیا مفید وفایده‌ای هست یانه بعضی‌ازمنتقدین مثل بعضی از فیلمسازان میگویند ما برای خودمان می‌نویسیم و این خواننده است که باید خودش را بسطح من‌برساند بعضی‌ازفیلمسازان همچنین حرفهائی می‌زنند . باید بگویم که این دسته از فیلمسازانو منتقدین زیاد در کار خود دوام نخواهند آورد .

مد در انتقاد

اصولا انتقاد هم در دنیا تابع مدی است و در هر دوره‌ای به‌عاملی از سینما توجه شده است. وحالا سینمای سیاسی مورد توجه است . حال سینمای سیاسی وچطور سینما ، سیاسی میشود خودمسئله‌ای است که برای من قابل هضم نیست ومورد دیگر سینمای جهان سوم است که تازگی مد شده — بنظر من تمام اینها فقط حرفوسوژه‌ای است برای مطبوعات بی‌آنکه ربطی بسینما داشته باشد راجع به سینما نباید زیاد نوشت ، چون‌بزرگترین وقوی‌ترین قاضی و تعیین کننده سرنوشت سینما ، تماشاچی است .

قاطعیت منتقد

— منتقد باید بخودش صداقت داشته باشد ، یعنی اینکه اگرفیلمی را پسندید ، رك و راست بگوید فیلم خوبی بود و من از آن لذت بردم . بدون آنکه تحت‌تاثیر نظرات وعقاید دیگران و یا فیلمساز باشد. و دیگر اینکه همیشه بایك احساس مثبت بافیلم مواجه شود ، نه‌اینکه فقط بخاطر انتقاد و ایراد گرفتن فیلم را ببیند . چرا باید انرژی صرف نمود تا اینکه ثابت نمائیم فلان فیلم بد است . اگر «دوائی» مثلا از «هیچکاك» خوشش‌می‌آید، بنویسد ، اشکالی ندارد ولی اگر بخواهد ثابت کند‌که «مایك‌نیکولز» فرضا فیلمساز بدی است ، بنظر من کارش اشتباه است .

چطور میتوان فیلمی راقضاوت نمود که ازآن متنفریم مهم‌تراینکه، منتقد باید تکلیف خودش را با فیلم وخواننده روشن نماید ، نباید محافظه‌کار باشد . خواننده پس از خواندن نقد باید به‌کیفیت فیلم پی‌ببرد که فیلم را ببیند یانه ؟

موردی راکه‌در کار«دوائی» نمی‌پسندم اینستکه همیشه سعی می— کند در نقد ، محافظه‌کار باشد .

منتقد اگر خواننده خود را بلاتکلیف نگه دارد ، بنظر من ناقد خوبی نیست .

من کار هیچ منتقدی را در ایران قبول ندارم و برای خودم معیارهائی دارم که باآنها متکی هستم و تنها کسیکه بعنوان منتقد می‌شناسم «رابین‌وود» است .

زوال نقد فیلم

— ... منتقد بین فیلمساز و تماشاچی فقط بنفع خودش کار می‌کند . واین درست نیست اگر بگوئیم که منتقد باید در تفهیم سینما بمردم کمك کند — چون اگر کسی فیلم را نفهمد ، باانتقاد هم نمی‌فهمد .

تماشاچی عادی که برای فهمیدن به سینما نمی‌رود و مسلما انتقاد فیلم را هم نمی‌خواند و کسانی هم که علاقمند جدی سینما هستند خودرا صاحب‌نظر میدانندو زیربارنظر منتقد نمی‌روند . من فکر میکنم در آینده نقد فیلم بکلی از بین برود و تفسیر جای آنرا بگیرد — تفسیر باین معناکه کارهای یك فیلمساز بررسی شود وحالا بیشتر منتقدین بجای نقد

بقیه درصفحه ٤٥

فیلمسازی آماتوری

از : فریدون . م . صالح

«۳۶»

البته موارد استثنائی زیادی در اینگونه مواقع وجود دارد که فیلمساز مجبور میشود برای اینکه لطمه‌ای به‌قوانین فیلمسازی وصحنه‌ها نخورد تغییراتی در مطالب کتاب بدهد و یا بعضی از آنها را حذف کند و بهمین جهت همیشه وقتی از روی کتاب یا رمان معروفی فیلمی تهیه میشود ، این فیلم با اصل کتاب تفاوت چندی داشته و تماشاچی که قبلا کتاب را مطالعه نموده وبعد فیلم را می‌بیند اغلب ناراضی از سینما خارج میشود و حق هم دارد چون فیلم برخلاف انتظارش میباشد و آن تصویری که با مطالعه کتاب پیش خود مجسم کرده بود، در فیلم نمی‌بیند وحتی نویسندگان این کتاب ها نیز بعد از اینکه فیلم کتابشان را می‌بینند از اینکه فیلم برخلاف آنچه که منظور آنها درکتاب بوده میباشد ناراحت‌میشوند ولی‌متاسفانه دراین‌گونه مواقع فیلمساز چاره‌ای ندارد جز اینکه تابع قوانین فیلمسازی باشد وآنها را در فیلمش رعایت کند چون غیر ممکن است‌که بدون توجه به این قوانین فیلمی را مطابق کتاب یا رمانی موبمو تهیه کرد ، آنوقت دیگر هیچ‌کس حاضر بدیدن چنین فیلمی نخواهد شد .

بنابراین اگر فیلمساز آماتوری خواست از روی کتابی فیلمی‌تهیه کند بهتر است همیشه قوانین فیلمسازی را رعایت کند . بطور مثال اگر در کتابی نوشته شده‌باشد (درآنروز آفتاب دریا چنان آرام بود که کوچکترین موجی دیده نمیشد بطوریکه حتی نسیم ملایمی که میوزید نمیتوانست این‌آرامش‌را بهم بزند) درآوردن این‌جمله بصورت یك پلان مشکل بزرگی در برخواهد داشت وآن نشان دادن این نسیم ملایم است و اینکه نمیتواند آرامش دریا را بهم بزند . این جمله‌ممکن است در کتاب در جائی که بکار برده شده معنی زیبائی داشته باشد که خواننده خود را جلب نماید اما در فیلم چیز خسته‌کننده‌ایست . در ضمن فیلمساز بایستی اول راهی پیدا کند که این نسیم ملایم را نشان بدهد که آنهم بدون استفاده از یك شیء خارجی (مثل یك‌قایق‌بادبانی) که بتواند بکمك تکان خوردن بادبان آن احساس وزیدن نسیم را بتماشاچی منتقل نماید ، ممکن نیست و ازطرفی این برخلاف نوشته کتاب خواهد بود وباز منظور کتاب تامین نمیشود ، بنابراین بهتراست که از این جمله ، با وجودیکه به‌اصل کتاب لطمه میزند، صرف‌نظر کرد.

منطق فیلم (Filmlogic) وفیلم دراماتورگی Filmdramaturgi

در وحله اول وقتی فیلمسازی با این کلمه‌ها برخورد میکند ، شاید باعث وحشت او شده وخیال کند که حال با مسائل پیچیده‌ای روبرو خواهد شد . در حالیکه اینطور نیست و در حقیقت کلمات Filmlog ic و Filmdramaturgi برخلاف ظاهر آنها چیز فوق‌العاده ساده‌ای هستند .

منظور از (منطق فیلم) این است که فیلمساز مکان وقوع داستان، زمان آن و صحنه‌ها را که خود آنها را بخوبی میشناسد برای تماشاچی قابل درك بنماید و بفیلمش یك سلسله مراتب منطقی بدهد . یا بعبارت دیگر در موقع فیلمبرداری وقتیکه دکمه کار دوربین را فشار میدهد قبلا هدف از فیلمبرداری صحنه را بخوبی دانسته وبداند که این صحنه یا پلان متعلق بکدام قسمت از فیلمش بوده و آنرا چگونه تهیه کند که با سایر پلانها و صحنه‌ها مطابقت داشته باشد .

تماشاچی که فیلم های زیادی در سینما و تلویزیون دیده است‌کم وبیش با (منطق فیلم) آشنائی دارد و بطور اتوماتیك با دیدن دوپلان پشت سرهم ارتباطی به آنها میدهد . مثلا دریك پلان یکی از خیابانهای نیویورك نشان داده میشود که شخصی میخواهد وارد خانه‌ای بشود و بدر این خانه نزدیك شده و درحال باز کردن آن است و درپلان بعدی داخل یك خانه نشان داده میشود که آن شخص وارد خانه شد. برای تماشاچی هیچ راهی وجود ندارد بجز اینکه در خانه‌ای را که در پلان اول از خارج دیده باسالن داخلی خانه‌ای که در پلان دوم می‌بیند متعلق بیك‌خانه بداند . در حالیکه در حقیقت ممکن است هیچ اینطور نباشد و درخانه‌ای که از خارج نشان داده شده اصلا ارتباطی به صحنه داخلی خانه پلان دوم نداشته باشد وممکن است این صحنه داخلی در تهران فیلمبرداری شود ولی این پلان طوری گرفته شده و باپلان قبلی تطبیق کرده(بخصوص ازلحاظ وضع لباس و آرایش وحالت هنرپیشه‌ای که درآن‌بازی میکند) که تماشاچی‌صحنه داخلی را هم در نیویورك فرض کند .

یا اینکه در پلانی یك ترن با سرعت ازجلوی دوربین عبورمیکند و در پلان بعدی یك کوپه قطار باچند نفر مسافر نشان داده میشود در اینجا باز تماشاچی اجبارا کوپه قطار را متعلق به‌ترنی که قبلا دیده میداند واین دو پلان را بهم ارتباط میدهد در حالیکه ممکن است کوپه قطار توسط دکوراسیون داخل استودیو فیلمبرداری شده واصلا ارتباطی با ترنی که نشان داده شده نداشته باشد — در اینجا فیلمساز طوری این دو پلان را تهیه نموده وبهم ربط داده وآنها را بجابکار برده که برای تماشاچی چنین احساسی بوجود آمده‌است واین نکته‌ایست که فیلمساز میتواند استفاده‌های زیادی از آن بنماید که برای روشن شدن این موضوع و درك بیشتر آن ازیك مثال ساده استفاده میشود .

صحنه‌ای در دست تهیه داریم بدین صورت که : یك مرد شکارچی به جنگلی برای شکار میرود وتمام روز ، وقت خود را صرف گشت و گذار ودنبال شکار میگذراند . موقع غروب چون هوا تاریك شده و برگشتن برایش مشکل بوده و ازطرفی فوق‌العاده خسته میباشد تصمیم میگیرد در گوشه‌ای اطراق کرده وشب را درآنجا بگذراند . هنوز هوا کاملا تاریك نشده بود که او بخواب عمیقی فرومیرود ولی بعداز مدت کوتاهی یك مار خطرناك پای او را نیش میزند و او راوحشت‌زده از خواب بیدار میکند. حال چه اتفاقاتی بعدا رخ خواهد داد برای ما جالب نیست . اصل موضوع ، مار و شخصی که گزیده شده ، مطرح میباشد و صحنه‌ای که در دست تهیه داریم (مرد خفته ومار را که پای او را نیش میزند) نشان میدهد .

پیدا کردن یك مار زهردار که بتواند رل خودش را مطابق (نوشته فیلم) انجام داده و درضمن درست درموقعیکه کارگردان به‌آن دستور میدهد وانمود به نیش‌زدن مرد شکارچی بنماید ، در عمل امری مشکل و غیرممکن بنظر میرسد ! واگرهم ماری پیدا کنیم‌که دندانهایش را کشیده باشند ، شاید این مار دیگر تمایلی به‌گاز گرفتن ونیش زدن نداشته باشد ! هرچند این موضوع کمی مسخره وشوخی جلوه میکند ولی اگر در آن تعمق شود خواهیم دید مسئله‌ایست بسیار جدی که اشکال تهیه چنین صحنه‌ای را کاملا بیان مینماید . اما فیلمسازی که با (منطق فیلم) آشنائی داشته ومیداند که چگونه پلانها وصحنه‌ها را بهم ربط بدهد که تماشاچی رویدادهای آنها را دریك مکان و مربوط به‌یك حادثه حس کند ، کار تهیه این‌صحنه برایش فوق‌العاده ساده و آسان خواهد بود .

ادامه دارد

تریبون آزاد

بخدا، مرغ همسایه غاز نیست

● دوازدهم آذر ماه ساعت ۵ر۹ شب بود که باتفاق دوستان راهی سینما شهر قصه شدیم تا طبق معمول برنامه یکشبه سینه کلوب را که همه هفته یکشنبه شب، فیلمی برای اعضاء خود نمایش میدهد ببینیم.

نمایش با فیلم کوتاه «بادجن» ساخته آقای ناصر تقوائی شروع شد و فیلم اصلی (داستان یك زن) و یا بنام دیگر «قصه یك زن» بود بکارگردانی لئونارد ویرکوبچی، طبق روال همیشگی بعد از نمایش فیلم، عده‌ای برای بحث و گفتگو درباره فیلم مزبور نشستند اصولا میبایست بحث در مورد این فیلم صورت میگرفت ولی از آنجا که سوژه و داستان فیلم تکراری بود و قبلا فیلمهای زیادی نظیر این فیلم دیده شده بود ــ بحث به بیراهه کشید و درحالیکه در آن مجلس فیلم ایرانی و خارجی ربطی بهم نداشتند چند نفر از اعضاء (باصطلاح روشنفکر) سینه‌کلوب بدون هیچ دلیلی و علتی فیلم ایرانی را به مسخره گرفتند و بخیال خودشان بسازندگان و هنرپیشگان فیلم ایرانی بیشخند تحویل دادند. چرا که حس خارجی پسندی و بخصوص‌تظاهر بغرب گرائی، گویا آن عده را ازدیگران روشنفکرتر و یکسروگردن بالاتر می‌نمایاند.

چند نفر از دست اندرکاران فیلم ایرانی هم در آنجا حضور داشتند که جای تاسف است نخواستند به آن چند نفر فضولباشی، با دلیل و منطق جوابی بدهند و انگار نهانگار که این دوستان بستگی مستقیمی با صنعت سینمای ایران دارند.

در آن لحظه واقعا دلم بحال صنعت سینمای ایران سوخت، چرا که مشتی غرب‌زده و متظاهر هنوز هم که هنوز است مرغ همسایه را غاز میدانند و با توجه باینکه اخیرا فیلمهای ایرانی درجشنواره‌ها و فستیوالهای جهانی موفقیتهای بی‌نظیری کسب کرده‌اند بخاطر خود نمائی هم که شده فیلم ایرانی را هیچ میشمارند.

چرا دوست داریم همیشه تظاهر کنیم؟ چرا میخواهیم خودمان را غیر از آنچه که هستیم نشان دهیم؟ چرا با تظاهر بنوعی روشنفکری که جز ناسپاسی و قدرنشناسی چیزی دربرندارد با دیدن اینهمه فیلم بنجل خارجی، بازهم قصد کوباندن صنعت‌سینمای ملی خود رامیکنیم؟ مگر چند سال از عمر این صنعت جوان گذشته است‌که میخواهیم یکشبه راه صدساله را بپیماید؟

این خارجی پسندها وقت وبی‌وقت صنعت سینمای ایران را با صنعت سینمای کشورهای آمریکا و شوروی و نظیر اینها مقابله میکنند و چقدر بی‌انصافی است که فنجان را بافیل سنجش کردن و درکفه ترازو گذاشتن، در حالیکه صنعت سینمای ملی ما بنوبه خود از بعضی از کشورها پیشرفته‌تر است و در این دوسال اخیر جهش چشمگیرش تا آن حد بود که فیلمهای ایرانی یکی پس از دیگری (طویل وکوتاه) به فستیوالهای مهم راه یافتند و با دریافت جوایزی ممتاز، ولو یك دیپلم، پیشرفت صنعت سینمای ایران را بسایر ملتها نشان دادند و جادارد که ما با غرور وسرفرازی با همین چند فیلم خوب، از سینمای

بقیه‌در صفحه ٤٥

«سینما ــ دنیای ناشناخته»

● سینما هنر «فریب» است که هنرخود چیزی جز فریب نیست. سینما زندگی اغراق شده، زندگی هموار وزیبا است. سینما رویای رنگینی است ... و فقط وقتی به غایت خود رسیده که نیاز بی‌خوابان را برآورد ... سینما هنگامی یك عذر موجه شایسته برای موجودیت خود ارائه میدهد که رویای مراوترا بسازد ــ وهنگامی از رسالت خود بدور می‌افتد که تظاهر به بیان واقعیت کند.

جز اینست که هرکس در هستی و وقوف به هستی خود محورتمام این افلاك و کاینات است؟ مگر نه‌اینکه بافنای من وقوف من به‌این کاینات ــ «کاینات برای من» محود و نابود می‌شود؟ پس معیارسنجش واقعیت چیست؟ کدام واقعیت واقعی‌تر از دیگری است. واقعیت من یا واقعیت تو ــ آنچه «من» **حقیقت می‌پندارم و یا آنچه توواقعیت میدانی؟ سینما فصل مشترك همه حقایقی است** که باید به‌یك فریب‌بزرك ختم شود ــ سینما قمار بدون باخت احساس و فرار از چنك شرایطی است که بشر در تکوین آنها دستی نداشته است.

سینما یك «عطش» ابدی است، تشنگی سیراب نشده و نفس‌طلب، تلاش است. تلاش در پی آن سرچشمه جوشان که بخوبی غایت‌هستی و پاسخ معمای حیات میتواند باشد: زیبائی

سینما پرده زربفتی است که دنیای خسته و آلوده ما را از آنچه پشت این پرده رنك و روشنایی و جلال نهفته است جدا میکند. آنسوی پرده شکوه رعب‌انگیز یك هستی سکرآور و جادویی هویداست. واضح و روشن نیست، برقی و درخششی گریزان است ... سینما پاسخ به‌تمنای فروخفته در نهان خانه قلب‌هاست که هرفرد انسان در دلتنگی و تنهایی به بستر سرد خویش می‌برد .... سینما قطره‌ای از آن‌داروی سحرانگیز است که در چشم ما میچکانند تا غبار خستگی را بشوید و دیدگانمان را بیك‌زندگی نهایی شگرف، به‌دنیای فریبنده وشکوهمندی در پشت این در وپیکر و دیوارهای خاکستری باز کند. سینما هزار دیده بی‌خواب و مشتاق است که از یك دریچه به باغ جاودان نظاره میکند، باغی که زیر اشك ابدی ستارگان فرو خفته است. سینما زندگی دوم ماست، یك زندگی همزاد ــ نیمه دوم وجود هرفرد بشر در این پهنه پر فریب، زندگی افسون شده و دست نیافتنی خود را دارد و آنچه بنام «فیلم» میبینیم پیامهای گنگی است که این نیمه گمشده از پشت آئینه میکوشد بما برساند از .. پشت آئینه‌ایکه دریچه دنیای طلسم است وپرده سینما نام دارد.

میشا ایمانی (تهران)

جشنواره‌های فیلم در سال ۱۹۷۲

ترجمه: جمشید اکرمی

«٦»

✲ ونیز Venice

«اوت ــ سپتامبر» ۱۹۷۲

تمایل دم‌افزون جشنواره سینمائی ونیز به آنکه باکوشش هرچه بیشتر تریبونی برای سینمائی با کیفیات والای هنری باشد ونیز توجه ویژه اولیای فستیوال به عناصر غیرتجاری دنیای سینما، در سالهای اخیر پایه‌های بقای فستیوال را به لرزه انداخته و هرساله این سئوال مطرح شده که آیا ونیز همچنان خواهد توانست جشنواره دلپذیر سینمائی خود را حفظ کند، چرا که به جهت بی‌اعتنائی فستیوال به جنبه‌های تجاری سینما، تامین مالی هزینه‌های فستیوال دشوار شده است و دولت هرسال که می‌گذرد با اکراه بیشتر حمایت مالی جشنواره را به عهده می‌گیرد. اما اگر جشنواره ونیز گریبان به‌دشواریهای مالی سپرده است، در عوض هرسال که از عمر آن می‌گذرد، به کارنامه اعتبار فستیوال، فصلهای درخشانتر و فخرآمیزتری افزوده می‌گردد، آنچنانکه اینك از «ونیز» به عنوان معتبرترین جشنواره سینمائی دنیا ــ از نظر توجه به ارزشهای آرتیستیك مدیوم سینما ــ یاد می‌شود. فستیوال هرساله برگزیده‌ای از فیلمهای غیرمتفاوت و تازه ساخت دنیا را برمی‌گزیند و آنها را در سالن سینمای معـروف «لیدو» به نمایش می‌گذارد.

به صلاحدید اولیای فستیوال ونیز از دو سال قبل جوائز رسمی و معروف «شیرهای طلائی» که به فیلمهای برگزیده هیات‌ژوری اهدا می‌شد، حذف شد وبه این ترتیب فستیوال «ونیز» هم تبدیل به‌یك فستیوال غیرمسابقه‌ئی شد.

فستیوال امسال ونیز کمابیش مثل سالهای قبل، فیلمهایش را در بخشهای مختلفی نظیر بخش رسمی فستیوال، بخش فیلمهای سینماگران جوان، برنامه‌های رتروسپکتیو، هفته فیلم منتقدین، هفتـه فیلـم ویژه کشورها به نمایش گذاشت که در قسمت اخیر، امسال برای نخستین بار ایران نیز شرکت جسته بود وپنج فیلم طویل وچند فیلم کوتاه برای شناساندن سینمای ملی ایران عرضه داشته بود.

در میان برنامه‌های رتروسپکتیو امسال، دوبرنامه ویژه فیلمهای چارلی چاپلین و می‌وست از سایر رتروسپکتیوها جالبتر بودند وانظار بسیاری را متوجه خود ساختند.

«کن ولاشین» که خود رئیس فستیوال لندن است، امسال در گزارشی که برای «مجله فیلمز اندفیلمینك» درباره فستیوال ونیز نوشت، نکته‌ای مهم را یادآور شد:

«سی وسومین دوره فستیوال ونیز، فرصتی درخور اعتنا فراهم آورد تا ما تغییرات لازمی در آن نقشه‌ایکه از سینمای دنیا در ذهن داشتیم بدهیم. کشورهائیکه نامشان در جغرافی سینمای دنیا آشکارا از قلم افتاده بود، امسال به خوبی ثابت کردند که سینما حالا دیگـر تبدیل به یك فرم هنری جهانی شده است و محدوده‌های سابق درجهان‌نمای سینما ازمیان رفته است، چرا که امسال فیلمهائی از کویت، ایران، جامائیکا، ترکیه وسیلان به‌آسانی همان ارزشهائی را رونمودند که سینمای باسابقه کشورهای اروپا و امریکا. همچنین فستیوال‌امسال مجال مغتنمی برای شناخت هرچه بیشتر سینماهای نسبتا مهجوری مثل آلمان شرقی و رومانی بدست داد وگرچه به نسبت تعداد فیلمهای شرکت‌کننده، فرصت آدم برای تماشای آنها بسیار اندك بود (هرروز از ساعت ۹ صبح تا ساعاتی بعد از نیمه شب بطور متوسط ده فیلم‌طویل و تعدادی بیش از این فیلمهای کوتاه نمایش داده می‌شد)، مع‌الوصف جشنواره امسال لحظه‌های خاطره‌انگیز بسیاری را در ذهن آدم جاودانه کرد.»

فیلمهای برجسته فستیوال امسال‌اینها بودند، به‌نام پدر (مارکوبللوکیو)، اوضاع بروفق مـراداست (ژان لوك‌گودار)، سالـومه (کارملوبنه)، شرکت با مسئولیت محدود (ساتیا جیت رای)، مسیح وحشی (کن راسل)، پستچی (داریوش‌مهرجوئی)، بازرگان چهارفصل (راینر ورنر فاسبیندر)، ناتالی گرینجر (مارگریت دورا)، کودکی من (بیل‌داگلاس)، آجیت (یلماز‌گونی): سندباد (رولتان‌هوزاریك)، پرتقال کوکی (استانلی کوبریك)، کاباره (باب فوس)، سیدهارتا (کنرادروکر)، دریای بیرحم (خالد صدیق)، گنجینه (لستر جیمز پریز)، کاندیدا (مایکل ریچی)، قدرت وحقیقت (مانولومارکوز)، فلیکس واوتلیا (جولیان میهو)، خواهر عـزیز تابستانی (ناگیزا اوشیما)، دسیسه‌گران (خواکیم پدرودوآندراده) و ترس دروازه‌بان از پنالتی (ویم وندرز)

✲ لوکارنو Locarno

اوت هرسال

به سال ۱۹٦۹ جشنواره فیلم «لوکارنو» بکلی تغییر کاراکتر داد و از یك نمایشگاه خیلی خصوصی فیلم بودن برای پخش‌کنندگان سوئیسی تبدیل به یك فستیوال جهانی برای سینمای جوان شد وبرپای خود زنجیر این محدودیت جسورانه و درعین حال خشنودکننده را بست که فقط کار اول یا دوم یك سینماگر جوان حق شرکت درفستیوال را خواهد داشت. این محدودیت ونیز علاقه و اصرار شدیدیکه اولیای این فستیوال سوئیسی همواره در نمایش دادن فیلمهائی از کارگردانان تازه‌کار و «هنوز کشف نشده» از خود نشان می‌دهند، لوکارنو را بدل به یك پایگاه مطمئن برای سینمای جوان بین‌المللی ساخته است فستیوال هرساله یك «گراندپری» به بهترین فیلم طویل فستیـوال و یـك «گراندپری» نیز به بهترین فیلم کوتاه فستیوال اهدا می‌کند ــ همچنین هیات ژوری فستیوال همیشه دستش باز خواهد بود که جایزه ویژه‌ایهم به اسم «یوزپلنك طلائی» به یك فیلم برگزیده کوتاه یا طویل بدهد.

✲ برگامو Bergamo

سپتامبر هرسال

جشنواره «برگامو»ی ایتالیا اینك یکی از جذابترین فستیوالهای اروپائی به حساب می‌آید که بخصوص به‌کارهای تجربی و فیلمهای سینمائی مولف جوائز نقدی اهدا می‌کند. بزرگترین جایزه نقدی فستیوال یك مبلغ پنج میلیون لیری است که به تساوی بین کارگردان و تهیه‌کننده فیلم برنده تقسیم می‌شود. ورسیونهای فرانسوی، انگلیسی و اسپانیائی (بدون زیرنویس) فیلمها نیز به فستیوال پذیرفته می‌شوند، ولی در اینصورت ترجمه تمام دیالوگ‌های فیلم و یا تفسیری برآنهـا باید که بطور همزمان به گوش تماشاگران برسند. فیلمهای عرضه شده به فستیوال باید که قبلا در جائی نشان داده نشده باشند. این محدودیتی است که از هردو جنبه کمی وکیفی، هرساله تا حدودی آسیبهائی به فستیوال می‌رساند.

جشنواره «برگامو» علاوه برجوایزی که به بهترین فیلمها می‌دهد، بهترین موزیك متن فیلم، بهترین آکتور سال و بهترین آکتریس سال را نیز می‌گزیند.

برنامه این هفته گروه سینما های :

اونیورسال ـ ایران ـ پاسیفیك
تیسفون ـ ساینا ـ مراد ـ
کریستال ـ پرسپولیس ـ
مونت کارلو ـ موناکو ـ دریا
کارون ـ داریوش و
آستارا «تجریش»



نظرها

ترافیك

● از سینمای فرانسه علیرغم کمدی های بی‌سروته لوئی‌دوفونس جای دارد که از کمدی ساز بزرك این سینما ژاك‌تاتی بعنوان فیلم‌سازی آگاه و با ذوق نام ببرم .

ترافیك و یاهمان سری‌ماجرا های «موسیو اولو» بازهم دارای همان تم گذشته است . سینما هنر تصویر است واگر فیلمسازی یافته شود که کمتر از دیالوك کمك بگیرد کار او درخور توجه است.

واز فیلم تاتی این چنین کاملا احساس میشود ، دنیای ماشینی ما وهرج ومرج را که بدنبال دارد بخوبی میتوان مشاهده نمود . این داستان ماشینها و انسانهاست . از موقعی که اتومبیلها از کارخانه خارج میشوند وبه راهها رها می‌شوند . زندگی اتومبیل واثر وافرش براجتماع و در نماهایی دور و نزدیك مشاهده میکنیم تعدادی را به نمایش میگذارند (نمایشگاه آمستردام) و یا تعدادی را در تعمیرگاهها انبار میکنند . وبخوبی این بی‌نظمی وبرهم خوردگی را در وجود انسانها هم میتوان‌جستجو نمود . واز صحنه‌های‌بسیار کمیك فیلم نشان دادن شخصیت‌ها به‌وسیله برف‌پاك‌کن ماشین آنها ا. و یا صحنه تصادف اتومبیلها و کشیش که زانو زده و به‌تعمیر موتور اتومبیلش مشغول شده میتوان نام برد .

سعید فرهمند (مشهد)

جهنم + من

● علیرغم تمام جنجال مطبوعات فردین را درمقام کار ـ گردانی وبازیگری درفیلم (جهنم +من) مشاهده کردیم . و بخوبی استنباط شد که فردین از عهده کارش برآمده بخصوص در مقام کارگردانی ، و فردین بودکه‌داشت فضائی نو برای فیلم بنا میکردولی متاسفانه سناریست فیلم آدمهای قصه‌اش را نپخته به‌میدان می‌فرستد بدون اینکه آنها را پرورش دهد وهمان نویسنده است که وجه تشابهی بین شخصیت‌های سناریو بوجود میآورد که برای تماشاچی خسته کننده است وباعث میشود فیلم حرف خودش را عوض کند .

خوشبختانه در (جهنم+ من) شاهد بازی خوب داود رشیدی ـ شیراندامی وفرزانه تائیدی بودیم وهم چنین از تهرانچی و عبدی انتظار بازی آنچنانی را نداشتیم و بازهم باید به‌کارگردان فیلم‌آفرین گفت در پرداخت بازیگران‌فیلمش.

و فیلمبرداری خوب عالمیان باآن فضای وجالب ودلپذیر بود.

پرویز کاربر (شیراز)

جهنم + من

● جهنم + من نتیجه تجربه فردین است در بازیگری و کار ـ گردانی که در نوع خودش بسیار درخشان جلوه می‌کند بدون شك فردین باشناخت کاملی که‌ازآدمهای اجتماعش دارد در تصویر کردن آنها احساس و اندیشه خویش را دخالت داده در نتیجه پرسوناژهای فیلم کاملا ملموس ودر ارتباط با تماشاگر کاملاموفق است بزرگترین موفقیت فردین در ساختن جهنم+ من کاراکتر پردازی خوب آن است که با حس مذهب که آدمها درپناه آن به‌تزکیه روح خویش نیاز دارند فضای مذهبی به فیلم داده است و بعد میزانسن های فوق‌العاده سنجدیده که ترتیب داده در سکانس افتتاحیه آدمها برای برای یك هدف عازم مشهد هستند درطول سفرآنچه درموردکاراکترها بیشتر بجشم میخورد تضاد دررفتار واخلاق با یکدیگر است که بطرز بسیار خوبی این رابطه بررسی و تحلیل شده است فیلم پرداخت یکدستی دارد هیچوقت افت پیدا نمی‌کند فردین بااین فیلم نشان میدهد که بینش سینمائی خوبی دارد .

غلامحسین عیسی‌زاده(تبریز)

اطلاعیه سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی

چون انتخابات هیئت رئیسه کمیته هنرپیشگان عضو سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی در ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه‌شنبه پنجم دیماه ۱۳۵۱ در محل سندیکا به عمل می‌آید از کلیه هنرپیشگان عضو سندیکا که دارای کارت دائم عضویت هستند دعوت میشود تا با در دست داشتن کارتهای جدید عضویت در این جلسه حضور بهمرسانند.

هیئت مدیره سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی

گیت

یك فیلم تازه از سینمای هند



● راماند ساگار از جمله فیلمسازان موفقی است که درسینمای هند، توانسته است در طی سالهای اخیر فیلمهای موفق و پرفروشی بسازد وی که تاکنون فیلمهای حجاب ، زندگی ، آرزو وفیلم‌چشمها را (باشرکت بازیگران ایرانی) ساخته است که همه آنها از موفق ترین محصولات سینمای هندوستان بشمار رفته و بکسب جوایز متعددی نائل آمده و در فستیوالها نمایش داده شده‌اند. وی اخیرا فیلم «گیت» را آماده نمایش کرده است که خود تهیه کننده و نویسنده و کارگردان آن است.

دراین فیلم راجند راکمار ومالاسینها دو چهره سرشناس سینمای هند شرکت دارند و ایفاگر نقش‌های نخست هستند و هنرپیشگان دیگری چون کوم‌کوم ـ سوجیت کمار ـ نظیر حسین ـ دیزی‌ایرانی درآن بازی داشته‌اند.

پیش‌بینی میشود که نمایش این فیلم نیز نظیر سایر آثار تازه سینمای هندوستان موفقیت زیادی بدست آورد.

رویدادها

مهران صدری



● مهران صدری

● مهران صدری از هنرپیشگان جوان و خوش آتیه‌ای است که در سینما فعالیت دارد و معمولا بازیگر نقشهای کوتاهی است در فیلمها وی که تابحال در ۱۰ فیلم ایرانی شرکت کرده است. اخیرا در فیلم مرد دوزنه وحدت ایفاگر نقش حساسی است. مهران صدری بموازات فعالیت در سینماء بازی در فیلمهای کوتاه مدت و سریالهای تلویزیونی را آغاز کرده است. در زمینـه فعالیت در تلویزیون در سریال هردمبیل که بکارگردانی پرویز خطیبی ساخته می‌شود شرکت دارد و در ضمن در یك فیلم کوتاه ۳۸ دقیقه‌ای نیز بنام شکسته‌پر شرکت کرده است.

پهلوان نایب در کرمان

● تا چند روز دیگر اکیپی جهت فیلمبرداری «پهلوان نایب» به کرمان خواهد رفت. در این فیلم که تهیه کنندگان آن‌سیروس افهمی وهژیروفادار هستند سیروس افهمی ، سهیلا، آرزو، شروین ، قبادی ، ذهتاب و کنعان کیانی شرکت دارند. پهلوان نایب بکارگردانی سیروس افهمی‌توسط بهروز صیادی فیلمبرداری میشود.

منوچهر وثوق به اروپا رفت

● هفته گذشته منوچهروثوق برای مدت‌پانزده‌روز جهت‌استراحت و خرید لباسهای لازم برای‌استفاده در فیلمهای تازه‌اش به اروپا سفر نمود. بامنوچهروثوق‌قبل ازمسافرت به‌اروپا جهت بازی در چند فیلم جدید مذاکراتی بعمل آمد ولـی هیچگونه قراردادی دراین مورد باوی منعقد نگردیده است.

دختر شهرباران

* «فیلم وهنر» پس از چـاپ پاورقـی جنجال برانگیز «دختر تنهای شب» که درتمام محافل و مجالس درباره آن گفتگو میشد، اینك سرگذشت یکی دیگر از چهره هـای سرشناس سینما را تحت عنوان «دختر شهر باران» بچاپ میرساند.

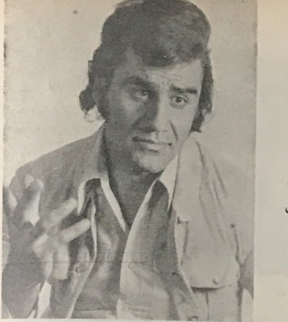
* یك چهره سرشناس مطبوعات ، مدتها درباره سرگذشت «دختر شهرباران» به‌تحقیـق پرداخته ، و با قلمی سحار و شورانگیز آنـرا بصورت یك پاورقی جذاب درآورده‌است.

* به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید حتما داستان «دختر شهرباران» را مطالعه‌نمایند.

آشنائی با :

باقر خسروی

آسیستان کارگردان جوان و تحصیل کرده‌ای باتکنیك و تبحری در حد یك کارگردان



● باقر خسروی آسیستان فیلمهای تازه وحدت و ساریست فیلم «لج و لجباری» از جوانان تحصیل کرده‌است که‌فعالیت هنری خود را از «نهاوند» زادگاهش شروع کرده است. وسالها در آنجا سرپرست برنامه‌های هنری بوده است.

در سن ده سالگی او را با دوده بخاری سیاه کرده وبرای ایفای نقش غلام سیاه در پیس «عباسه و جعفر برمکی» به روی صحنه تئاتر فرستاده‌اند . او در آن زمان در کلاس پنجم ابتدائی درس میخوانده و سرپرست کارهای هنریش آقای «کرم خدا امینیان» که اینك رئیس و دبیر یکی از دبیرستانهای شهرستان نهاوند است میباشد. خسروی از آنموقع بکار های هنری علاقمند شد و سپس در پیسهای فراوانی ضمن تحصیل در دبیرستان بازی کرد که از آن‌جمله میتوان بابك خرم‌دین ، نادرشاه، قمار و سرنوشت ، پدر ناخلف ، خیلی پیسهای دیگر را نامبرد.

وی شش سال قبل با در دست داشتن دیپلم برای ادامه تحصیل و کار بتهران آمد و ضمن کار شبانه به تحصیل ادامه داد و سال گذشته لیسانس در ادبیات شد.

چهارسال قبل بامهدی رئیس فیروز آشنا شد بهاین ترتیب که چون از زمان طفولیت بکارهای هنری علاقه داشت با در دستداشتن سناریو بهاستودیوها مراجعه کرد ولی همیشه ناامید برمیگشت تا اینکه رئیس فیروز سناریوهای او را خواند و چون حس کرد که با جوان تحصیلکرده ومستعدی مواجه شده است به کار تشویقش نمود . فیلم «دلقکها» اولین همکاری او بارئیس فیروز بود که ضمن همکاری نقش رئیس معدن ذغال سنك را نیز دراین فیلم بازی کرده بود.

تور اصفهان و لج و لجبازی که خود سناریوی فیلم اخیر رانیز نوشته بود از دیگر فیلمهائی بودند که خسروی بعنوان آسیستان کارگردان در آنها با رئیس فیروز همکاری داشته است

بافیلم «تولدت مبارك» همکارش را باوحدت آغاز کرد و سپس با فیلم «مرد دوزنه» این همکاری ادامه‌یافت. خسروی که‌توسط رئیس‌فیروز باوحدت آشنا شده‌بود خیلی زود توانست نظر مشکل‌پسند اورا بسوی خود جلب نماید بطوری که وحدت همکاری خود را کماکان بااو ادامه خواهد داد.



* فریدون خسروی کناردوربین همراه عزیز رفیعی هنگام‌خواندن دیالوگها برای وحدت مابین صحنه‌ای ازفیلم «مرد دوزنه»

خسروی هم‌اکنون مشغول نوشتن سناریوی «خورویف» برای وحدت است که قرار است بهار سال آینده جلوی دوربین فیلمبرداری قرار گیرد امکان هست که این فیلم را خود او که درنهاوند فیلمبرداری خواهد شد کارگردانی نماید.

خسروی می‌گوید:

«طی مدتی که افتخار همکاری با وحدت را دارم چیزهای زیادی را از او آموخته‌ام از جمله فهمیده‌ام برای موفق شدن باید حتما پشت‌کار داشت و یا اینکه بر سر مسائل کوچك وبی‌اهمیت نباید از کوره در رفت. وحدت روزی بعداز اتفاقی که افتاد، ضمن‌تعریف از چگونگی آمدنش بتهران و کار در تئاترها در حالیکه آخر شبها حتی یك ریال پول نداشته، و باآن وضع بخانه میرفته، برای من‌صحبت کرده و مرا بکار تشویق نمود.

***

باقر خسروی اکنون ۲۶ ساله است . یکسال قبل ازدواج نموده و بزودی صاحب فرزندی که این روزها درانتظار تولد اوست خواهد شد. از زندگی زناشوئی خود کاملا راضی است . تحصیلاتش را در دبیرستان کوروش کبیر نهاوند به پایان رسانده و سپس شبها در تهران تحصیلاتش را ادامه داده تاتوانسته لیسانس در ادبیات شود.

بقیه‌درصفحه ٤٥

موزیکا

از : پارسا

شجاعی در چشمك

● جمعه گذشته حسن شجاعی نیز ببرنامه چشمك راه یافت و ترانه «ای زبون من» را اجرا کرد برنامه چشمك اخیرا با تنوعی روبرو شده است و در آن از خوانندگان سرشناس رادیو بیشتر استفاده میشود، منوچهر- مهستی- عهدیه - رامش - آغاسی - وفائی از جمله کسانی هستند که در چند هفته اخیر دراین برنامه شرکت کرده‌اند.

فرهنگ‌شریف آهنگساز شد

● فرهنك شریف از نوازندگان معروف تار است که در معرفی و پیشبرد موسیقی اصیل ایرانی به کشورهای بسیاری سفر کرده است. وی اخیرا با ساختن دو آهنك‌تازه برای گلپا، فعالیت جدیدی را در زمینه آهنگسازی شروع کرده است.

ناگفته نماند که فرهنك در ماه آینده لباس دامادی خواهد پوشید و از تجرد بدر خواهد آمد.

سفر ناگهانی گوگوش

● گوگوش هفته گذشته ناگهان راهی سفر ایتالیا شد. باآنکه برای ضبط برنامه چشمك نیز وعده‌کرده بود، معهذا بایتالیا سفر کرد. گویا هدف وی از این مسافرت ضبط آهنگهای تازه‌ای برای کمپانی صفحه پرکنی است.

احتمال زیاد دارد وی پس‌از بازگشت درکاباره میامی باجرای برنامه بپردازد.

مهستی ورامش کارخانه باز کردند

● مهستی و رامش باپرداخت یك میلیون ریال درکارخانه صفحه پرکنی آپولون که متعلق به «بی بیان» است شریك شدند و رسما در سلك فعالیت در زمینه صفحه پرکنی قرار گرفتند. البته شایع است‌که رقمی‌که بی‌بیان برای‌قیمت کارخانه خود تعیین کرده است بیشتر از حد معمول است وامکان دارد این دو نفر دراین کار مغبون شده باشند.

مقصدی گوشه‌گیر

● پرویز مقصدی که سال گذشته موفقترین آهنگها را برای خوانندگان ساخت و نام آنها را سرزبانها انداخت و موجب شهرت بسیاری‌ها شد اینك گوشه‌گیری اختیار کرده و فعالیت خود را محدود بساختن آهنك‌های تبلیغاتی وهمکاری با خوانندگان جدید نموده است. وی باایجاد دفتری‌بنام «آوای شهر» فعلا فعالیت زیادی ندارد واحتمالا برای سال آینده کارهای تازه‌ای ارائه خواهد داد.

رامش درتدارك سفر آمریکا

● رامش اخیرا قراردادی با مدیر کاباره درویش نیویورك‌منعقد ساخته است تا برای اجرای برنامه بآن کشور سفر کند. وی اینك مشغول تمرین چند آهنك خارجی است که در نیویورك اجرا کند. بعداز سوسن و عارف ، رامش خواننده دیگری است که برای اجرای برنامه در چند ماه اخیر بآمریکا سفر می‌کند.

فرخزاد و شو تلویزیونی

● فرخزاد بالاخره موفق‌شد که یك برنامه دوساعته «شو» برای تلویزیون دست‌وپا کند شو تازه فرخزاد «سلام همسایه‌ها» نامدارد ودراستودیو بزرك وجدید تلویزیون ضبط گردید، و قرار است از بهمن ماه پخش آن آغاز گردد. وی در نظر دارد که «سلام همسایه‌ها» را بصورت یکی از جالبترین شوهای تلویزیونی جهان‌درآورد تاتلویزیون بتواند آنهارا بسایر کشورهای آسیایی برای فروش عرضه نماید.



● فرخزاد شو سلام همسایه‌ها» را ضبط کرد.



● گلپا دو آهنك تازه از ساخته های فرهنك شریف‌را خواهد خواند

آهنگ تازه شهراد

● شهراد برای ناسیونال شو آهنك تازه‌ای میخواند بنام «لیلا» که آهنك آنرا ایرج طاهری ساخته است. وی از خوانندگان جدیدی است که با اجرای‌چندترانه موفقیت زیادی بدست آورده و در نظر دارد کار خوانندگی خود را با فعالیت بیشتری ادامه دهد و بهمین علت با آهنگسازان دیگری نیز برای خریدآهنك مذاکره‌کرده است.

ترانه دوصدائی

● تیلا و رامین که باازدواج زوج تازه‌ای را در موزیك بوجود آورده‌اند ، اینك مشغول تمرین‌چند آهنك دوصدائی هستند که بصورت صفحه درآورند. تیلا که قرار بود در سریال «آدم وحوا» شرکت‌کند

بقیه درصفحه ٤٤

شعر از : شهیاد قنبری
آهنك: اسفندیار منفردزاده

نماز

خواننده : فریدون فروغی

تن تو ظهر تابستونو بیادم میاره
رنك چشمای تو بارونو بیادم میاره
وقتی نیستی زندگی فرقی با زندون نداره
قهر تو تلخی زندونو بیادم میاره
من نمازم ترو هر روز دیدنه
از لبت دوست دارم شنیدنه

***

تو بزرگی مثه اون لحظه که بارون میزنه
تو همون خونی که هرلحظه تو رگهای‌منه
تو مثه خواب گل سرخی، لطیفی مثه‌خواب
من همونم که اگه بی‌تو باشه جون میکنه
من نمازم ترو هر روز دیدنه
از لبت دوست دارم شنیدنه

***

تو مثه وسوسه شکار یك شاپرکی
تو مثه شوق رها کردن یك بادبادکی
تو همیشه مثه یك قصه پر از حادثه‌ای
تو مثه شادی خواب کردن یك عروسکی
من نمازم ترو هر روز دیدنه
از لبت دوست دارم شنیدنه

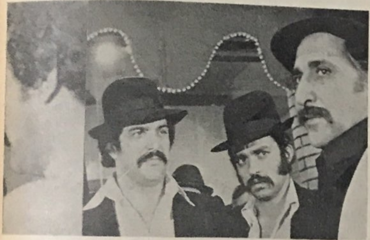
***

تو قشنگی مثه شکلائی که ابرا میسازن
گلای اطلسی از دیدن تو رنك میبازن
اگه مردای تو قصه بدونن که اینجائی
برای دیدن تو با اسب بالدار میتازن
من نمازم ترو هر روز دیدنه
از لبت دوست دارم شنیدنه

تنها مرد محله

ختم فیلمهای جاهلی





● داود اسماعیلی از کارگردانان جوان سینمای ایران است که اینروزها عده زیادی سخت درانتظار نمایش‌فیلم «تنها مرد محله» از اومی‌باشند.

اسماعیلی قبلا فعالیتهائی در زمینه‌ی فیلم‌سازی داشته است ولی خودش تنها مرد محله را اولین کار مورد دلخواه خود میداند زیرا معتقد است در ساختن آن اختیارات لازم و آزادی کامل را داشته و آن چیزی را که خود فکر کرده به فیلم برگردانده است . تجربه‌ی تلخی که او قبلا بعد از ساختن یك فیلم بدست آورده بود برایش بقدری ناگوار و ناخوش‌آیند بود که تصمیم گرفت برای ساختن فیلم بعدی خود تازمانیکه باتهیه کننده آگاه وبااهمیتی روبرو نگردد دست بچنین کاری نزند تا بالاخره اوایل امسال «محمد علی زرندی» که ازسینماگران خوب و قدیمی است بااوباوجود تمام کارشکنی‌هائی که عده‌ای از دشمنان او در کارش پدید آوردند برای ساختن یك فیلم موافقت کرد واین فیلم، همین فیلم مورد بحث «تنها مرد محله» میباشد که قرار است‌همین‌روزها به‌روی‌اکران در آید.

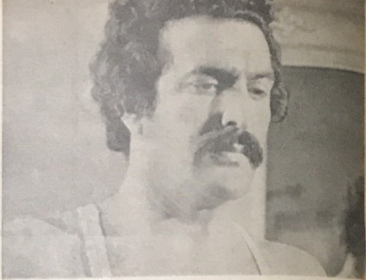
یك جوان ساده دل دهاتی بتهران میآید و با آدمی از مردم جنوب شهر بنام «علی گردله» برخورد میکند.

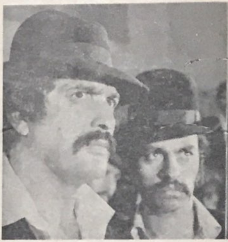
علی گردله که از «مصطفی گابی» حساب میبرد آن مرد دهاتی را برای مقابله با اومناسب می‌بیند بهمین جهت اورا تحت تعلیم خود در می آورد و رموز لوطی‌گری و جاهلی را به او میآموزد

مرد دهاتی ضمن رفت وآمد به‌خانه علی‌گردله باخواهر او آشنا میشود که این آشنائی سرانجام به‌عشق تبدیل میگردد. دراین میان عده‌ای نیز اورا بدام یك رقاصه کافه می‌اندازند. وقتی جوان ساده دل روستائی تحت تعلیم علی گردله تمام‌رموز لوطی‌گری را آموخته است وبرای مقابله بامصطفی گابی آماده گردیده طی حوادثی او و مصطفی‌گابی وعلی گردله و تمام جاهلهای دیگر متوجه میشوند که دیگر زمان این کارها سپری شده و حالا زمانی است که باید «کلاه‌مخملی» را از سر برداشت...

سناریوی «تنها مرد محله» روی این تم توسط «رضا عقیلی» تنظیم شده است ولی سوژه‌ی اصلی آن ازخود اسماعیلی است. اسماعیلی برای پرداخت این سناریو در فیلم «تنها مرد محله» تاحد ممکن تلاش داشته و بامونتاژ خوبی که «رضا میرلوحی» سازنده‌ی فیلمهای تپلی و سرکار غضنفر کرده است تنها مرد محله را در ردیف فیلمهای خوب و قابل بحث و گفتگو درآورده‌است وشاید بهمین دلیل باشد که پوری بنائی «تنها مرد محله» را بهترین فیلم خود میداند وبرای آماده شدن آن مثل آنکه فیلم مال خودش میباشد تلاش مینماید. هفته گذشته بهنگام «میکس» تنها مرد محله برای کاری به هاملت فیلم رفته بودم. پوری بنائی آنجا بود چون دراین استودیو بیشتر کارهای فنی انجام میشود کمتر هنرپیشگان رفت وآمد دارند بادیدن پوری از او پرسیدم:

او را آماده می‌کنند که بزرگترین لوطی محل را بزانو درآورد .... همه درهیجان هستند ، همگی به این مبارزه میاندیشند و بالاخره آن زمان حساس فرامیرسد... و دراین زمان همه لوطی‌ها مغلوب میشوند، مغلوب زمان و دوره‌ئی تازه .... حال لوطی‌ها چه می‌کنند ؟







ــ چه عجب از اینطرفا .

او که میخواست به‌اطاق ضبط برود در حالی که مرا نیز باخود به‌آنجا میبرد گفت:

ــ من بقدری از کار اسماعیلی و فیلم تنها مرد محله راضی هستم که حتی موقع میکس آنهم به‌اینجا آمده‌ام تا باچشم خودم شاهد آماده شدن آن باشم‌زیرا قرار است این‌فیلم بعداز فیلم «طغرل» به‌روی اکران درآید وباید هرچه زودتر پروانه نمایش آنرا گرفت.

در اطاق ضبط، آرشام، مسئول فنی استودیو هاملت فیلم در حالیکه اسماعیلی هم در کنارش‌بود واز سرو وضع هردوی آنها معلوم بود که بیخوابی زیادی دارند، مشغول گذاشتن حلقه‌ای از فیلم و نوارهای سه‌گانه آن «دیالوك ، موزیك و افکت» روی دستگاه میکساژ بود، میخواستم از اطاق خارج شوم که‌اسماعیلی گفت:

ــ اگه وقت داری از همینجا این حلقه فیلم را که‌پرده آخر است تماشا کن.

قبول کردم و همراه او، آرشام و پوری بنائی بتماشای آن مشغول شدیم. این پرده باآنکه ده‌پرده نخست آنرا ندیده بودم و در واقع فینال فیلم بود صحنه‌های جالبی داشت مخصوصا صحنه‌نهائی فیلم که تمام جاهلها کلاه‌مخملی خود را به‌گوشه‌ای پرتاب مینمایند و شیراندامی نیز در اتوبوس به ده باز میگردد وکلاهش را از آنجا به‌هوا پرت میکند و فیلم روی کلاه که میان زمین و آسمان است میکس میشود ...

بعداز بپایان رسیدن میکس پرده آخر که در واقع میکس کلیه‌ی پرده‌های فیلم نیز تمام شده بود از اسماعیلی پرسیدم:

ــ در مورد فیلمت چه فکر میکنی ؟

اسماعیلی باخستگی زیاد گفت:

ــ من‌وآرشام الان چهار شبه که نخوابیده‌ایم الان که میکس تمام شد فیلم برای چاپ کپی اول به‌لابراتوار میرود زیرا قرار است فردا صبح برای گرفتن پروانه نمایش به اداره سینمائی بفرستم ناچارا امشب هم در استودیو بیدار خواهیم بود. من اینروزها بقدری فیلم رادیده‌ام که‌فعلا هیچگونه اظهار نظری درمورد آن نمیتوانم بکنم ولی فکر میکنم با صمیمیتی که عموم همکاران و دوستان من دراین فیلم بامن داشتند خصوصا خانم پوری بنائی که بمن افتخار دادند ورل اول فیلم را بازی کردند و هم‌چنین آقای محمدعلی زرندی تهیه کننده آن واین دوست خوبم «آرشام» که باتلاش شبانه‌روزی‌خودش بالاخره‌آن راآماده‌نمود، توانسته باشم کار دسته جمعی خوبی انجام داده‌باشم. من از بازی شیراندامی ، مرتضی عقیلی ، فرنگیس فروهر و آرش نیز در فیلم خودم راضی هستم. ضمنا ناگفته نماند که بابك موزیك خوبی برای متن فیلم ساخته است ودوست خوبم «میرلوحی» با مونتاژ آگاهانه خود فیلم را تاحدود زیادی بهتر کرده است .

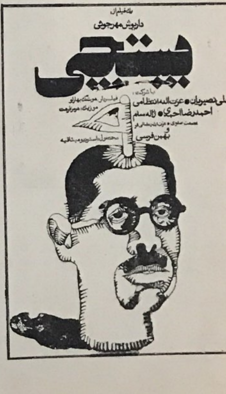
جون میدیدم که اسماعیلی میخواهد همراه آرشام ،حلقه‌های میکس شده فیلمش به لابراتوار برود از او، پوری بنائی و آرشام خداحافظی‌کردم وبرای انجام کاری که داشتم به سراغ «روبیك» رفتم.

برنامه امشب

سینما کسری

نمایش دهنده بهترین آثار برگزیده سینمای ایران و جهان

اثر تحسین‌شده سینمای ایران در فستیوال های بزرگ جهان



پاسخ سردبیر

اهواز ــ آقای محسن مطهری

از الیزابت تایلور در این هفته فیلم «زی» را نمایش میدهند، اکنون کمپانیهای بزرك کمتر از هنرپیشگان معروف در فیلمهایشان استفاده می‌کنند . الیزابت تایلور بعداز جنجال فیلم کلئوپاترا در فیلمهای دیگری با ریچارد برتون همبازی بوده است که میتوان رام کردن زن‌سرکش ــ هتل بین‌المللی ــ مرغ دریائی ــ میعادگاه‌تابستانی را ازآن جمله دانست .

قصرشیرین ــ آقای باقر کرامتی

از اینکه سینماهای شمافیلم‌ـ های با ارزش جهان را نمایش نمیدهند متاسفیم و کاری‌هم نمی‌ـ توان کرد . این درد مبتلا به تمام سینما دوستان واقعی‌در شهرستانهای کوچك ایران است .

کویت ــ آقای سهراب هدایتی

سینمای ایران از بسیاری جهات پیشرفته‌تر از سینمای‌کشور‌ـ های خاورمیانه است ، مهم آن‌است که تهیه‌کنندگان ایرانی دارای سازمانی جهت‌بازاریابی نیستندوالا چه‌بسا اکنون سینمای تمام کشور‌ـ های خاورمیانه در اختیار سینمای ایران بود .

تهران ــ خانم مهرنوش اشهری

۱ــ برای گوگوش میتوانید فعلا بآدرس «جاده پهلوی ــ هتل آریا شراتون» نامه ارسال دارید چون آنجا زندگی میکند . وی مصمم است درتهران باشد و امکان دارد در چند فیلم ایرانی نیزبازی کند ۲ــ بعد از شکست اولین فیلم فریدون فرخزاد ، فیلمسازان ازاو برای بازی در فیلم دعوت نکرده‌اند .

کرمانشاه ــ آقای بیژن‌حامدی

۱ــ اولین فیلم آغاسی«ایوالله» بود که بافروش زیادی مواجه شد و فیلم دوم او نیز «خیلی هم ممنون» نام داشت واین دو فیلم توسط منوچهر نوذری ساخته شده بود . فیلم سوم وی فاتح دلها و فیلم چهارم او «نعمت نفتی» نامدارد ۲ــ عارف بعد از بازی در چند فیلم سینما را کنار گذارده است وگویا بطور دلخواه نتوانسته است دراین راه موفقیت بدست‌آورد .

ساری ــ آقای باقر ندافی

۱ ــ بهروز وثوقی بعد از غریبه فیلم دیگری بازی نکرده بود . در حال حاضر فیلم نفرین را بپایان رسانده و قراراست در فیلم تازه مسعود کیمیائی بنام خاك ظاهر شود ۲ ــ آخرین فیلم فردین سرجوخه جبار و آخرین فیلم ملك‌مطیعی ناجورها است .

خمین ــ آقای علی توسلی

۱ ــ فیلم وهنر در تمام شهرستانها و نقاط کشور دارای نمایندگی است البته اگر در بعضی از شهرستانها مجله منتشر نمی‌شود بعلت بدحسابی نمایندگان است .

۲ــ برای ناصر ملك‌مطیعی‌بآدرس تینا فیلم (بولوار الیزابت ــ خیابان هما) نامه ارسال دارید .

رضائیه ــ آقای مرتضی حجتی

مرجان همسر مهدی‌علی‌محمدی است . وی بافیلم دنیای پرامید وارد کار سینما شد و فیلمهای‌مهم او عبارتست از غلام‌ژاندارم ــ مرد اجاره‌ای ــ مردی در طوفان ــ کاکلزری و همیشه قهرمان .

تهران ــ آقای مرتضی‌مروت

چارلتون هستون بخاطربازی در فیلم بن‌هور ــ جك‌لمون‌بخاطر بازی در فیلم مستررابرتز ــ آنتونی کوئین بخاطر بازی در فیلم شهوت زندگی و زنده‌باد زاپاتا ــ لی ماروین بخاطر بازی در فیلم‌کت‌لو ومارلون براندو بخاطر بازی در فیلم دربارانداز جایزه اسکار دریافت کرده‌اند .

تهرانــ خانم منظر مسعودی

برای پوری بنائی بآدرس فرودین فیلم (بولوار الیزابت ــ خیابان هما) یا سندیکای هنرمندان

نامه بفرستید . وی در حال حاضر پرکار ترین ستاره سینمای ایران است ودر سال حداقل در هفت فیلم شرکت میکند . فیلمهای‌جهنم +من — قایقرانان — یك‌جوغیرت از فیلمهائی است‌که از وی بنمایش درآمده و فیلمهای تنها مرد محله — عاصی — نانجیب — پدر که ناخلف افتد از فیلمهای نمایش نداده او است وی اینك در فیلم زنبورك بکارگردانی فرخ غفاری شرکت دارد .

همدان — آقای محمد کوکبیان

۱ — دستمزد مرتضی عقیلی برای بازی در فیلمها سیصد هزار ریال است ۲— اولین فیلم فروزان انسانها و اولین فیلم آذر شیوا پرستوها بلانه بازمیگردند بود ۳— فیلم آبشار طلا در نواحی کردستان فیلمبرداری شده بود .

مشهد — خانم نرگس حاجبی

مهمترین فیلمهای راج‌کاپور عبارتست از برسات — آه —آواره —آقای ۴۲۰ — پسر آواره—انداز —چوری چوری — آرزوی مادر— اناری — ساده لوح — پرورش— دوشیاد — بامعرفت — عبور از رودخانه گنك — بی‌وفا — سنگام— دیوانه — دوردنیا با ۷۵ روپیه —سوداگر خوشبختی — وی متولد سال ۱۹۲٤ است .

چالوس — آقای باقر سورجی

آریانا فیلم فعلا فعالیت کمتری نسبت بگذشته داردوآخرین فیلمش بدکاران است . زنی بنام شراب — رابطه — رودخانه وحشی —چرخ بازیگر — قیصر — دور دنیا با جیب خالی از آثار این سازمان است .

جهرم — آقای عوضعلی روغنیان

۱ — موزیك متن تپلی یکی از بهترین کارهای منفردزاده است وار قلندر بمراتب بهتر است ۲—از دستمزد دقیق‌فردین درفیلم‌سرجوخه جبار بی‌اطلاعیم ۳ — فیلم‌میعادگاه خشم دریزد فیلمبرداری شده بود وفردین — داود رشیدی — نازنین — سیمین علیزاده — ارغوان — بهزاد فراهانی و ایرج قادری بازیگران آن بودند .

اصفهان — آقای احمد علی اکبری

۱ — برادران مفید عبارتند از بیژن‌مفید —بهمن مفید—اردوان مفید و تمام آنها درکار سینما و تآتر فعالیت دارند ۲ — پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۳۵۱ تاکنون بابا نان داد بوده است و بهترین‌فیلم‌ها پستچی — رگبار ۳ — کار هیچ یك از هنرپیشگان ایرانی درخارج گل نکرده‌است .

آقای محمد رضا توکلی مقدم

این نظر شما است که تصور کرده‌اید هدف نویسنده آن بوده است و چه‌بسا که امکان داردمسائل دیگری مورد نظر او بوده است . درهرحال از اینکه اینقدر بمطالب مجله توجه دارید سپاسگزاریم .

تهران — آقای امانوئل — کارامیان

۱— کارگردان فیلم جدال دراو.کی —کرال (جان‌استرجس) —المرگنتری (ریچارد بروکس)— دکتر دولیتل (ریچارد فلیشر) — انعکاس در چشمان طلائی (جان هوستون) ناگهان تابستان گذشته جوزف‌منکه‌ویچ بود۲— پل‌رودخانه کوای —لورنس عربستان — بن‌هور از فیلمهائی هستند که بیش از ۵ اسکار دریافت داشته‌اند .

یزد — آقای مسعود بقائی

برای اطلاع بیشتری‌ازشرایط دانشکده هنر های دراماتیك میتوانید بآدرس تهران —خیابان ژاله — چهارراه آبسردار —شماره ۲۹۱ نامه بنویسید .

شهرری — آقای محسن خاك دوست

فیلم و هنر کلاس برای هنرپیشگی ندارد که شما در آن شرکت کنید . سعی کنیدگول‌سایر آگهیهائی‌که برای کلاس‌هنرپیشگی مطالعه می‌کنید نخورید چون هدفشان اکثرا کلاهبرداری است . شماره نوروز ۱۳٤۹ نیز درآرشیو موجود نیست .

نقد و منتقد در ایران

چنین کاری را پیش گرفته‌اند و کتاب‌های سینمائی کم‌کم دارد جای نقد فیلم را می‌گیرد.

معیارهای من

ــ زمان بهترین قاضی برای تشخیص ارزش یك اثر هنری است. اگر یك فیلم ویا هراثر هنری در طول زمان فراموش و دفن نشود مسلما اثر بزرگی است. درمورد خودم تعداد دفعاتی که یك فیلم مرا بهسالن سینما می‌کشاند، معیار من برای تعیین ارزش آن فیلم است.

بعضی از فیلمها را هرچه بیشتر می‌بینم، بیشتر از آنهالذت می‌برم، دراینجاست که کنجکاو میشوم تا راجع بآن و سازنده‌اش مطالعه بکنم. مثلا بعضی ازفیلم‌های «هیچکاك» و یا «فورد» را ٤٠ تا ٥٠ بار دیده‌ام شاید، این کار من نوعی دیوانگی جلوه کند، نمیدانم. بهرحال با مخالفین‌نظرم هیچوقت جدال نمی‌کنم، از بهترین خصوصیت یك منتقداینست که با مخالفین خود جدال نکند و ازاین نظر من «بهرام ری‌پور» را تحسین می‌کنم.

ادامه دارد

موزیك

گویا فعلا از این تصمیم منصرف‌شده است و در نظر دارد فعالیت خود را در زمینه موسیقی ادامه دهد.

● گروهی از خوانندگان

نامه‌ای بتلویزیون ملی ایران نوشته ودر آن‌نسبت باستفاده پرویز کاردان از صدای آنها در برنامه خانه‌بدوش اعتراض کرده‌اند. کاردان دربرنامه خود ترانه‌های‌مختلفی ازخوانندگان را هرهفته می‌گنجاند واین باعث گله واعتراض آنها شده است.

تریبون آزاد

کشور خودمان استقبال کنیم تا فیلم ایرانی برای بازار دنیا ساخته‌شود و در قبال ارزهای کلانی که فیلمهای خارجی از این مملکت بیرون میبرند ارزی هم وارد [illegible]

گفتنی «هرچند که بارها گفته شده» با آنهائیکه فیلم ایرانی را بدیده حقارت مینگرند زیاد است آنهائیکه کمترین اطلاعی از بوجود آمدن یك فیلم ندارند و از مشکلات گوناگونی هم که برسر راه تهیه فیلم ایرانی وجود دارد بی‌خبرند و از محدودیتها غافل، غافل هستند که فیلم ایرانی برای بازاری کوچك، همین چند سینمائی که درتهران و شهرستانها داریم ساخته میشود و اغلب فیلمها چه خوب و چه بد ضرر میدهند و از تهیه‌کننده فیلم ایرانی هم حمایتی نمیشود.

در ایران سرمایه‌گذاری برای تهیه یك فیلم، مثل آمریکا و شوروی، فرانسه و انگلستان نیست، فیلم در ایران فقط برای ایران ساخته میشود در حالیکه در سایر کشورها فیلم با درنظر گرفتن بازار جهانی که میتواند تضمینی باشد برای برگشت اصل سرمایه، سرمایه‌گذاری میشود.

لازمست که باین صنعت ملی خودمان فرصتی بدهیم و ازفیلمهای خوب ایرانی استقبال کنیم و بدون هیچگونه افاده فروشی و خارجی پسندی بتماشای فیلم ایرانی برویم و تهیه کننده را بجای حمایت از سرمایه‌گذارهای خارجی، حمایت کنیم. حمایت برای ساختن فیلم‌های خوب که ببازار کشورهای دیگر عرضه شود.

انتقاد صحیح، نقش موثری در بهبود و پیشرد دارد و جای تاسف است که انتقاد بعضی‌ها دوستانه و مودبانه نیست و اغلب تمسخرآمیز است و نیشدار، کاشکی حرفها با حساب زده میشد و قضاوتها یکطرفه نبود و ایرادها برای سازندگی بهتر گرفته میشد تا افکار آن عده هم که گوش بدهن منفی باقان هستند روشن میگردید و اینقدر بد وبیراه نثار فیلم ایرانی که فرهنگ جامعه خودمان را دربردارد نمیکردند.

بامید روزی که دستگاههای دولتی و مسئولان امر، صنعت‌سینمای ایران را حمایت کنند و مردم نیز با استقبال خود از فیلمهای خوب، گامی در جهت پیشرفت این صنعت ملی بردارند.

علی احمدی (تهران)

تپلی

خود را حفظ کرده‌اند.

«سینمای کمدی الان در ایران بهترین وضع را دارد. از ده سال پیش به‌این طرف روی فرمهای مختلف فیلمسازی آزمایش و کارشده اما هنوز کمدی جای خودش را دارد. دلیلش فروش فیلم های آن است فیلمهای وحدت و ارحام صدر...»

از او می‌پرسیم که یك فیلم کمدی باید حاوی چه امتیازات و خصوصیاتی باشد واو جواب‌میدهد:

«در درجه اول بایدخط داشته باشد. قصه داشته باشد. تماشاچی بداند برای چی میخندد نه این که مثلا یکی از قهرمانان فیلم پایش لیز بخورد وبیفتد و دیگری هم روش بیفتد و تغار ماست هم بشکند و روی آندو تقر بریزد. این البته کمدی است اما از این جریان و صحنه چیزی دستگیر تماشاچی نشده. باید در قالب‌کمدی سوژه‌ای لطیف و قشنك به مردم بدهیم که‌آنرا قبول داشته باشند.»

***

دراینجا مرحله دیگری از صحبت‌های خودمان را شروع می‌کنیم از فعالیت‌های تازه همایون پس از «تپلی» حرف می‌زنیم از فیلم «تهران در ساعت ١٢» ساخته نادر قانع و همایون دراین مورد میگوید:

«من این فیلم را بخاطر «دکتر شاهرخ» بازی کردم. یعنی دوستی باعث شد. قبلا هم گفتم که من درست دوسال خودم را حفظ کردم وازجیب خوردم. نرفتم تو این دو سال بخاطر پول خودم را بفروشم، چون میخواستم بازهم فیلمهائی مثل «تپلی» بازی کنم. ولی حالا پی‌میبرم که اشتباه میکردم. برای این مردمی که دوغ و دوشاب یکی است همین جور باید رفتار کرد. من باید شکم زن و بچه‌ام را سیر بکنم پس باید چندتا فیلم صدهزار تومانی بازی کنم و بعدهم برای ارضاء دل خودم سالی یك یا دو فیلم چهل‌هزارتومانی بازی میکنم! من‌اگر مجرد بودم بله، امکان‌داشت که ده سال دیگر هم صبر میکردم تا فیلمی مثل «تپلی» بازی کنم. تپلی فقط برایم یك «بهبه» و «چه چه» داشت وبس والبته همان بازی خودم برایم اقناع کننده بود.

فیلم دیگری که دارم بازی میکنم «خیالاتی» است که یك کمدی افسانه‌ای و فانتزی است و منوچهر نوذری آنرا میسازد. نکته دیگری که باید اضافه کنم آن است که من همیشه خود را فدای دوستی کرده‌ام و هیچوقت نتوانسته‌ام سنك بیاندازم جلوی دیگران پایك دستی برنم والبته بخاطر دوستی بانوذری واین که واقعا این مرد را دوست دارم، در فیلم خیالاتی به نقش «احمد» ظاهر شده‌ام.

فیلم بعدی من «شورش» از «میرلوحی» است که‌بخاطر اعتمادی که باو دارم راضی شدم در این‌فیلم بازی کنم واو گفت که قول‌میدهم از تپلی برایت باارزش‌تر خواهد شد. فیلم بعدی من «جوجو» نام دارد که آنرا برای «پرویزنوری‌و علی عباسی» بازی خواهم کرد که فیلمی است هنری و سنگین درردیف تپلی.»

به پایان صحبت و گپ دونفره خود رسیده‌ایم مثل اینکه همایون کار دارد، چون میخواهد برود، این است که یکی دو سئوال دیگر از او می‌پرسم و به گفتگوی خود پایان می‌دهیم. از او در موردنظر و عقیده مردم درباره خودش سئوال می‌کنم واو جواب میدهد:

«تمام هنرپیشه‌های سینما فیلم خوب وبد دارند و داشتند. هیچ دلیل نمیشود اگر امروز فیلم بدی بازی کردم تماشاگران و مردم از من بدشان بیاید. هیچ بعید نیست که در فیلم بعدیم خوب بازی کنم وتماشاگر را راضی بکنم. آن تماشاگری که بگوید همایون تپلی را بازی کرد و بعد رفت یك فیلم بد بازی کرد، به عقیده من خودخواه است! باید توقع نرمی داشته باشد و خودش را مثلا جای آن هنرپیشه یا من بگذارد ...

بهرحال اگر کسی آمد و فروش فیلمهای هنری را تضمین کرد، من یکی فقط توهمین فیلمها بازی میکنم!

در برنامه من سالی یك فیلم خوب هست که بازی کنم یابسازم. سعی میکنم فیلمهای زیادی بازی کنم که با پول آنها این فیلم‌خوب را بسازم.»

پوری بنائی

۱۰

تو راه میگوید : من قدم‌زدن رادوست دارم . هرموقع کارنداشته باشم از خونه بیرون میام وتنهائی قدم میزنم . تفریح من فقطاینه... باسب سوار ی‌هم خیلی علاقمندم... یه‌اسب دارم که تو مسابقات اسب سواری اول شد . گاهی موقعها صبح ساعت پنج میرم اسب‌سواری.

ـ خوش بحال شما .

همانطور که هرآدمی برای خودش دوست و دشمنی دارد،پوری هم تعدادی زیادی دوست و دشمن داره . عده‌ای روی رقابت کاری بااو شمنی میکنند و عده‌ای روی صمیمیت او دوستی بخرج میدهند. اما دوستی پوری و گوگوش‌زبانزد خاص وعام است . آندو هروقت فرصتی پیدامیکنند پیش هم میروند ودرد دل‌میکنند . هردو یارگرمابه وگلستان هستند . خوش بحالشان. دوستی و صمیمیت چقدر خوبست. اما تاجائیکه میشودگل دوستی و بذر محبت افشاند ، تا موقعیکه میشود گل خنده روی لبها کاشت، چرا بذر کینه و دشمنی بکاریم.» این حرفها راپوری‌میزند. گوگوش هروقت گرفتاری داشته باشد ، پیش پوری میرود و حتی اتفاق‌می‌افتد که گریه هم میکند . پوری شعر هم میگوید . حتی ترانه هم برای گوگوش گفته بود که چند ماه پیش صفحه آن ببازار آمد و خوب هم گل کرد . از پوری می‌پرسم :

ـ شعر هم میگوئی ؟

می‌خندد و به طعنه جواب میدهد :

ـ من نه شاعر موج نو هستم ونهشاعر موج کهنه . اصلا من شاعر نیستم . اما گدگاه وقتی دلم می‌گیره برای خودم یه چیزهائی میگم .

از پوری میخواهم که یکی دو نمونه از اشعارش را برای چاپ در مجله بمن بدهد . او موافقت میکند . اما بلافاصله‌اضافه میکند :

ـ آقاجان ، میخواهی کار دست ما بدهی . پس‌فردا مجله‌ها ورمیدارند و مینویسند که پوری چهارپاره وقافیه و اینجور چیزها نمیداند و اصلا بچه حقی شعر می‌گوید !!

به پوری میگویم :

ـ جنجالهای بی‌مورد لطمه بزرگی به‌هنرپیشه میزند ...

فورا حرفم را قطع میکند و میگوید :

ـ اینهمه میگویم جنجالی ننویس ، برای همین میگویم .

بلافاصله سئوال میکنم :

ـ پس چرا با فردین جنجال عشقی براه انداختی . بتازگی همه میگویند که پوری و فردین با هم عاشق و معشوق شده‌اند . آیا این فقط یك شایعه است یا حقیقت‌دارد.

ـ ای وای ... چه حرفها... بخدا وقتی این حرفها را می‌شنوم شاخ درمیارم . آخر من نمیدانم این جنجالها را چه کسی بپامیکند.

من نمیدانم روی چه‌دشمنی برای من حرف درمیآورند . آدم هرچی سعی میکند که صاف بیاید وصاف برود بازهم نمیشود .

بشوخی میگویم :

ـ حالا چرا داری اینهمه آیه و قسم میخوری . یه‌کلام بگو که تمامش جنجال و شایعس . همانطور که فردین هم تو زن روز گفته بود «خدا لعنتش کند هرکه دروغ بگوید ...»

۱۱

پوری سه روز دیگر برای بازی در فیلم «زنبورك» که«فرخ غفاری» آنرا میسازد به شیراز میرود . درنتیجه گفتگوی‌ما نمی‌تواند ادامه داشته باشد . فکر میکنم سه هفته پیاپی برای زدن حرفهای عادی و عامیانه کافی باشد . برای حرفهائی که سئوال‌و جواب نبود ... بلکه بیشتر به یك گپ دوستانه شبیه بود .

هنگامیکه پوری میخواهد خداحافظی کند . میگوید :

ـ تا یادم نرفته ازتون یه خواهش دارم ...

ـ چه خواهشی .

ـ خواهش میکنم دربارهٔفیلم «تنها مرد محله» یه چیزی‌بنویسین خیلی زحمت کشیدن ، فیلم‌خوبی شده ... فکر کنم خیلی موفق بشه .

ـ اینهم بروی چشم ...دیگر چه ؟

پوری دستش را دراز میکند ومیگوید :

ـ دیگر اینکه خیلی لطف کردی و ترتیب این گپ دوستانه را دادی .

ـ این حرفها [illegible] ... [illegible] عالم رفاقت و دوستی این حرفها گفتنی نیست .

۱۲

پوری رفتشیراز . گفتگویش تمام شد . اما فقط پوری تو این سینما نیست که اینقدر خوب و دوست داشتنی است . دیگران هم هستند ... مثل ایرن... خوروش... و تعدادی دیگر که خوب میفهمند وخوب فکر میکنند . سعی من اینست که هفته‌ای با یکی از اینها صحبت کنم .

باقر خسروی

خسروی هم‌اکنون ضمن ادامه کارهای هنری خودزیر نظر وحدت یك شرکت تبلیغاتی نیز دارد بنام «شرکت دهل» که در آنجا فیلم های تبلیغاتی میسازد و کارهای تبلیغاتی چند سازمان بزرك راانجام میدهد . سازمان او در طبقه پنجم ساختمان ظهوری کمدین معروف در خیابان دیبا قرار دارد.

خسروی میگوید:

«همانطور که در شهرستانها ورزشکارهای خوب زیاد یافت می شود که به تیم ملی راه پیدا میکنند واین‌بخاطر توجهی‌است کهمسئولین ورزشی به‌آنها مینمایند همانطورهم هنرمندان خوبی در شهرستانها پیدا میشود که کسی به آنها توجهی نداره واگر هم خودشان مراجعه میکنند آنها را تحویل نمیگیرند و چه خوب بود مسئولین در این مورد بیشتر دقت میکردند».

وی معتقد است که سینمای ایران در حال پیشرفت و ترقی‌است واگر کارگردانان زیر نفوذ تهیه کننده قرار نگیرند و تراوشات فکری خود را همانطور که می‌خواهند پیاده کنند ، این ترقی و پیشرفت در آینده بیشتر درسینمای مملکت ما محسوس خواهد بود.

«بی‌تا» نماینده سینمائی است

که تابحال در یك فیلم ایرانی ساخته وپرداخته شده ـ باز باید بگوئیم که بعد از نقش معلم در فیلم «رگبار» که فنی‌زاده ایفا میکرد ، پرسوناژ «بی‌تا»ی گوگوش دومین پرسوناژ زنده و حقیقی و پرگوشت وخون سینمای جدید ماست .

آخرین پلان «بی‌تا» مدت‌ها در خاطره میماند . تمام متانت ، آرامش و حالت بیان نجوائی سرتاسر فیلم در این یك پلان خلاصه میشود . تصویر فیکس و منجمد میشود ، وفقط نگاه بی‌تاست که میماند ، نگاهی که به‌آرامی حیرت زده ، وسخت حیرت‌انگیز است و مارا با این فکر به بیرون سالن سینما هدایت میکند که شاهد نمونه‌ئی از «سینمای نگاه» بوده‌ایم .

جدول راهنمای فیلم

۷۹ — **فرجام** — آرزو — جهانگیر غفاری — اسدالله یکتا — رضوان — کارگردان آراکل

۸۰ — **عیال‌وار** — نصرت کریمی — پوری بنائی — نگار — شهرزاد — تجدد — سرور رجائی — مفیدی وتوران مهرزاد — کارگردان پرویز نوری

۸۱ — **خانم‌خانوما** «رنگی» مختار — فریبا خاتمی — سپهرنیا — سارا — منوچهری — کارگردان فتح‌الله منوچهری

۸۲ — **حادثه** — همایون بهادران — ارغوان — محمد کریمی — مژگان — اردشیر پهلوان — تاج — کارگردان جواد ذوالریاستین

۸۳ — **یک‌میلیونر و دومفلس** — سپهرنیا — گرشا — متوسلانی — ژالهسام — کارگردان — محمد متوسلانی

۸۴ — **جنوبی** — فاضلی — شهناز تهرانی — مرتضی عقیلی — کارگردان رضا فاضلی

۸۵ — **طبل بی‌عاری** — پوری بنائی — لی‌لی — بهمنیار و عادل روحی — کارگردان اسماعیل پورسعید

۸۶ — **مامور ما درکراچی** — فاضلی — رکسانا — کارگردان رضا فاضلی

۸۷ — **پاتوکفش ما نکن** — لی‌لی — بنی‌سپرا — سیونا — کارگردان رضا صفائی

۸۸ — **قصر گلی** — لی‌لی — اکبر هاشمی — سلیمه — کارگردان سلیمان رستگار

۸۹ — **پیشتازان** — فرخ ساجدی — منوچهر طایفه — کارگردان منوچهر قاسمی

۹۰ — **چشمه** — آرمان — جمشید مشایخی — کارگردان : اربی‌آوانسیان

۹۱ — **مغولها** کارگردان : کیمیاوی

۹۲ — **گنج** — پرویز صیاد —

کارگردان : ابراهیم گلستان

۹۳ — **زنبورک** — پوری بنائی — پرویزصیاد — عنایت‌بخشی — نوذر آزادی — کارگردان : فرخ غفاری

۹٤ — **هشتمین روز هفته** — ژالهسام — فرزانه تائیدی — سهرابی — کارگردان : رجائیان

مردآواز ایران

گوشه‌ای از سالن ، ناظر برنامه همسرش [redacted] وبهرحال از مصاحبت بااو لذت فراوان می‌برم. سر «عارف» که کمی خلوت می‌شود از برنامه‌های آتی‌اش می‌پرسم که طبعا پاسخ میدهد **«ضبط آهنك واجرای برنامه‌های متعدد در رادیو وتلویزیون و صحنه»**. به شوخی سئوال میکنم قصدشرکت در فیلم دیگری را ندارد که از علاقه‌اش به آواز و تماسش بادنیای فیلم و سینما که وقت او رابخاطر آن می گیرد،سخن میراندکه حقیقت میگوید زیرا اگر چنانچه او به سینمای ایران بپیوندد و به‌اصطلاح دنیای آواز را ترك گوید — چه کسی خواهد توانست جای اورا که یکه‌تاز عرصه آواز ایران است بگیرد.

صحبت طولانی شده بود و «عارف» که سه ساعت تمام حنجره صاف و خوش‌نوازش را به کار گرفته بود خسته بنظر میرسید ، گرچه خود اذعان داشت ولی طبعا به‌استراحت نیاز داشت و من نیز فرصتی برای مرتب‌نمودن این گفتگو — لذا ترتیب عکس او را برای علاقمندانش میدهم و با محبت دست او و همسرش را میفشارم و با آرزوی دیداری دیگر ، از آنها از این زوج دوست. داشتنی جدامیشوم در حالیکه صدای مردانه و پر طنین‌اش هنوزفضای سالن‌برنامه‌اش را دراختیار داشتند.

گزارش فیلم

قبیله شایان اسیر میشود .

دوران نوجوانی او در این قبیله طی میشود وازطرف سرخپوستان به «بزرگمرد کوچك» ملقب میگردد .

او ضمن زندگی با آنها ، خلق‌وخوی سرخپوستی پیدا میکند تا اینکه در طی جنگی بدست سفیدپوستان می‌افتد و مرحله‌جدیدی در زندگی او آغاز میشود که در طی آن مقداری از اعتقادات وپاکی طینت او در مقابل ریا وفریب‌اطرافیانش خصوصا خانم «لوئیزپندریك» (فی‌داناوی) برباد میرود و سپس او را باآدم شارلاتانی بنام «امری ویدر» (مارتین بالزام) همراه می‌بینیم ــ ودر طی این دوره او خواهرش را می‌یابد وخیلی زود تحت راهنمائی او فن تیراندازی را می‌آموزد و در قالب یك تیرانداز حرفه‌ای فرو میرود .

ملاقات او با «بیل هیکاك» (جف کوری) ــ یکی از ماهرترین تیراندازان حرفه‌ای ــ از بهترین صحنه‌های فیلم محسوب میشود و در طی این صحنه او بطور خیلی نزدیك شاهد خشونت کشته شدن ومرك میشود و بلافاصله دست از اینکار می‌کشد وبایك دختر سوئدی ازدواج میکند .

آقای «پن» فرصتی دیگر پیش می‌آورد تا قهرمانش با «ژنرال کاستر» (ریچارد مولیگان) یکی دیگر از شخصیتهای معروف غرب برخورد نماید و باصلاحدید او روانه غرب میشود اما دربین راهمورد حمله سرخپوستان قرار میگیرد وهمسرش اسیر میشود و این بهانه مناسبی است تا وی دائم بین سرخپوستان وسفید پوستان رفت وآمد داشته باشد وسینمای «پن» را ازاین نظر غنی سازد.

«پن» ابتدا سعی می‌کند که توازنی بین خشونت سرخپوستان و سفیدپوستان ایجاد نماید وخود را بیطرف نگه دارد اما بالاخره وسوسه یك سینمای پیامدار و انسانی او را بطرفداری ازسرخپوستان متمایل میسازد و در طی یك صحنه کاملا خون‌آلود وتکان دهنده قتل عام سرخپوستان ، قساوت سفید پوستان را نشان میدهد ونظر تماشاگر را متوجه مظلومیت سرخپوستان می‌نماید .

لحن «پن» در نشان دادن پیروزی تلخ و شوم ژنرال کاستر در این صحنه قابل تعمق است و بنظر میرسد که او قصد دارد این واقعه را درزمان‌های دیگر هم‌تعمیم بدهد .

وبدین‌ترتیب یکبار دیگر باز «پن» قهرمان خود را قربانی خشونت می‌نماید و برای خوشبختی های اندك او پناهگاه های پوشالی میسازد .

در سینمای «پن» علاوه برخشونت ، مشغله جنسی هم اهمیت‌خاصی دارد ــ و عشق های سالم خیلی زود به‌ناکامی می‌انجامد و آدمهای او بیشتر اسیر تن وگرفتار نوعی عشق ممنوع هستند .

از این نظر «پن» خود را بدبین و تلخکام ومایوس معرفی می‌کند .

نشریه هفتگی : **فیلم و هنر**

صاحب امتیاز و مدیر : عبدالمجید رمضانی

ادرس اداره : ابتدای روزولت ــ شماره ۲ ــ آپارتمان شماره ۱۰ ــ شماره صندوق پستی : ۱۹۴۷

تلفن امور اداری : ۸۳۹۹۷۱ تلفن هیئت تحریریه : ۸۳۳۶۳۵

چاپ از : سکه (تلفن ۳۱۳۹۳٤)

گراور از : جواهری (تلفن ۳۱٤۳۱۱ ــ ۳۹۲٤۱۱)

روی جلد : وحدت و ارحام‌صدر بازیگران فیلم «مرد دو زنه»

تابلو وسط : ژاله کریمی ستاره فیلم مرد دو زنه

امان از وقتیکه وحدت

دیگری را برای بعد از نهار آماده نمایند .

در فاصله خوردن نهار و آماده شدن برای کار بعد ازظهر بازار جوك گرم شده بود وجوك‌های دست اول وتازه‌ای بود که وحدت‌تعریف میکرد و همه را بخنده وامیداشت . چون صحنه بعد از ظهر سکسی بود و در اطاق خواب که ژاله کریمی بازی داشت صلاح در آن دیدم که بعد از ظهر سینمائی بروم .

وقتی از سینما بیرون آمدم هوا تازه داشت تاریك میشد ، دوباره پیش وحدت وهمکاران او رفتم وآنها را در تدارك فیلمبرداری صحنه دیگری از فیلم دیدم . ارحام چون شب جائی میهمان بود، درصحنه‌ای که برای فیلمبرداری آماده میشد بازی نداشت و چون از صبح با توتیا کار نکرده بودند صحنه‌ای را که تدارك دیده بودند برای او در نظر گرفته شده بود ...

ناگهان بیادقراری که با سمرقندی گذاشته بودم افتادم و بلافاصله از وحدت و دیگران خداحافظی کردم که بعد از دیدن سمرقندی‌بهتران برگردم .

وحدت میگفت ما حداکثر تا یکهفته دیگر بیشتر کار نداریم و همینطور هم شد و یکهفته بعد وحدت واکیپ سازندهی فیلم «مرد دو زنه» بعد از اتمام کار بتهران بازگشتند .

کارگاه‌شادمانی

بیشتر از دیگران کارمان را جدی گرفتیم و بآن لفت و لعاب دادیم و حالا شدیدا متاسف و شرمنده‌ام و تعهد می‌کنم که دیگر مرتکب اینکار نشوم و در انتخاب همکار چشم و گوش خودم را باز کنم .

بگو ، مگو

● از «مسعود کیمیائی» پرسیدند : چرا در توی فیلمهایت اینهمه درد و رنج موج میزند ؟

گفت : بخاطر زخم معده مزمنی است که دارم .

● «نادیا» را گفتند : چرا دیگر نمی‌رقصی ؟

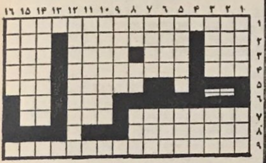
جواب داد : بخاطر اینکه فعلا حامله‌ام .

● به «فردین» گفتند : چرا فیلم اخیرت کار نکرد ؟

گفت : چون هنری بود .

مسابقات

جدول فیلم طغرل



افقی :

۱ـ فیلمی از بیك ایمانوردی ـ بهروز وثوقی ۲ـ اثر معروف مهرجوئی ـ فیلمی از بازیگر طغرل ساخته تقوائی ـ فامیل ساریست فیلم غلام‌ژاندارم ۳ـ اثری از فریدون ژورك ـ کارگردان وسناریست کافر ـ فیلمی از بیك‌ایمانوردی ـ فامیل ایفاگر نقش طغرل ٤ـ شجاعان آنرا فخرالدین و نیلوفر بازی کرده بودند ـ فیلم معروف سه تفنگدار سینمای ایران ـ فیلمی باشرکت فروزان ساخته صابررهبر ٥ـ این فیلم را هم فروزان بازی کرده بود با بهمن مفید ـ چهره منفی فیلمهای ایرانی ٦ـ چهره معروف تلویزیون که بسینما کشیده شد ـ وحشی‌وحشی آنرا جمیله‌بازی‌کرده بود۷ـ با فیلم قیصر معروف شد و اینك از هنرپیشگان پرکار سینما است ـ مردان ... فیلمی با شرکت فردین ـ فیلمی از ناصر ملك‌مطیعی و آفرین ۸ـ منوچهر وثوق و فروزان بازیگران این فیلم بودند ۹ـ نام دو فیلم از بازیگر فیلم طغرل .

طراح : ب ـ انصاری (اصفهان)

دوستانیکه برای ما جدول ارسال داشته‌اند

محمدحسین خالقی (اهواز) ـ رضا یاران (اصفهان) ـ ب . انصاری (اصفهان) ـ قاسم آب حیات (یزد) ـ محمدحسن برجوئی (اهواز) ـ میشا ایمانی (تهران) ـ کامبیز آزاد (تهران) ـ حسین کوکائی (یزد) ـ جاسب البوغبش (اشنویه) ـ جهانگیر صابری (تهران) ـ علی کشاری (تهران)ـ احمد رشیدی‌مهرآبادی (تهران)ـ صادق زلفی (شهرری) ـ سهراب صائمی (تهران) ـ فتح‌اله بنی‌اسدی (شهر ری) .

طرح مسابقه از : عبدالعلی رخشان

مسابقه تازه و ابتکاری

مثبت و منفی

● بعد از برگزاری چند مسابقه ابتکاری و تازه که در طی ماه های گذشته بچاپ رسید اینك مسابقه تازه وابتکاری دیگری را برای شما مطرح خواهیم کرد که طرح آنرا خواننده باذوق ما عبدالعلی رخشان از بروجرد برای ما ارسال داشته‌اند.

علت برگزاری سلسله مسابقات ابتکاری بدان جهت است که سخت مورد قبول خوانندگان مجله قرار گرفته و در هرهفته تعداد بیشماری پاسخ جهت آنها دریافت میداریم.

در هرحال مسابقه تازه ما «مثبت» و «منفی» نامدارد وبدین صورت است که ما هرهفته نام یك هنرمند (کارگردان — هنرپیشه مرد — هنرپیشه زن و غیره) را چاپ می‌کنیم و نام بیست فیلم‌مختلف را در زیر اسم هنرمند ذکر شده چاپ می‌کنیم که ٥ فیلم از بیست فیلم مربوط بکسی خواهد شد که اسمش‌بمسابقه گذارده شده است.

کسانیکه مایل بشرکت در مسابقه هستند می‌بایست نام صحیح ٥ فیلم را نوشته و برای ما ارسال دارند. ما برای هرپاسخ صحیح ١٢ امتیاز مثبت قائل میشویم وبدین ترتیب جمع امتیازات جهت ٥ پاسخ— ده خواهد شد حال اگر از میان ٥ پاسخی که برای ما نوشته‌اید یك یا چند پاسخ غلط باشد ما بازای هرپاسخ غلط دو امتیاز منفی قائل می‌گردیم و در حقیقت جمع امتیازات منفی از امتیازات مثبت کسر خواهد شد و بهمین علت نیز نام این مسابقه «مثبت» و «منفی» است.

ما هرهفته مابین کسانیکه ٨ یا ١٠ امتیاز بدست آورند بقید قرعه جوایزی بشرح زیر تقدیم خواهیم داشت.

جایزه اول یك رادیو ترانزیستوری یك موج — جایزه دوم یك عدد ساعت مچی مردانه — جایزه سوم سه عدد خودنویس به نفر — جایزه چهارم ٥ بلیط لژ به ٥ نفر از تهران و جایزه پنجم ٥ جلد کتاب به ٥ نفر از شهرستانها.

پاسخها باید حتما بایك ریال تمبر باطل نشده وآدرس دقیق فرستنده همراه باشد.

برندگان مسابقات ٤٠٨

برندگان جدول :

آیت‌الله همتی — محمود ربانی — دانیل مانیان — کاظم سمیعی— فریدون باباخانی (از تهران) —رضا کرمی (مشهد) قربان قالبی (تبریز) اسد ساعتی (مرند) مرتضی بهادری (رشت) جاسب البوغبش (اشنویه).

برندگان مسابقه گربه پنج‌دم

در این مسابقه قریب ششصد نفر شرکت کرده بودند که بقید قرعه اشخاص زیر بعنوان برنده انتخاب شدند، ناگفته نماند که اولین گربه پنج دم این مسابقه (فیلم غلام ژاندارم) بود که همه از مشخصات آن اطلاع دارند.

خانم ملیحه سروش (از تهران — برنده ساعت) — آقای محمود ملاهادی (سنندج — برنده یك خودنویس) — پروین حمیدی — داود نعمائی — حسن خیابانی — یوسف خداپرست — احمد زینالی بقا (از تهران — برنده بلیط) جواد غفاریان (مشهد) — قربانعلی صدیقی (رشت) فروغ‌الدین غنمی‌جابر (اردبیل) — احمد هاشمی (یزد) — رضا میرمصور (اصفهان) هریك برنده یك جلد کتاب.

جوایز کلیه نامبردگان فوق توسط پست ارسال شد — ازخانم ملیحه سروش تقاضامندیم برای دریافت جایزه خود بعد ازظهر روزهای دوشنبه و چهارشنبه بدفتر مجله مراجعه نمایند.

اعلام خطر بهنرپیشگان پولساز سینمای ایران





امیر رضائی هنرمند خردسال که در فیلم «باجناق» با «سیروس افهمی» و «منوچهر طایفه» همبازی است





بقیه از صفحه ٦

سلام ، قربون همه‌شما برم، نکنه خدانکرده جاخورده باشین ، مارو چه باین حرفها ، ما فقط یه‌خورده پاتو کفش بزرگترها کرده‌ایم ، اونهم تو فیلم باجناق چون بقول مثل معروف «پسر کو ندارد نشان از پدر» تو فیلم باجناق که سیروس افهمی ـ منوچهر طایفه ـ لیدا دانشور ـ نادره ـ دلیله ـ آقاجانی و کلی هنرپیشگان دیگر سینما و تلویزیون شرکت دارن ، اونقدر گردگیری می کنم که حد و حساب نداره .

ارادتمند همه : امیر رضائی